

ستبران ۲۳

(۱۴۴)

نشریه سراسری سندیکای صنعت برق ایران
زمستان ۱۴۰۴، دوره جدید، شماره بیست و سوم (۱۴۴ از سری متوالی)
قیمت: ۱۰۰۰۰۰ تومان

- تیم سندیکا؛ قهرمان دومین دوره مسابقات جام صنعت برق
- ضرورت تعیین تکلیف قراردادها و مناقصات جاری
- بیمه‌ها و ناامیدی‌های بودجه ۱۴۰۵
- ترجم نمی‌خواهیم؛ منصفانه بازی کنید!
- سبقت نرخ ارز از شاخص‌های تعدیل

RAAD  **tbloc**
Confidence in Connection

با نگاهی آینده‌نگرانه و تمرکز بر تولید و نوآوری،

گام‌های خود را در صنعت برق و عرصه‌های بین‌المللی استوارتر برمی‌داریم.



هانا انرژی

بزرگترین شرکت دانش بنیان
تولید کننده پنل های خورشیدی با فناوری روز دنیا



تولید پنل خورشیدی | احداث نیروگاه خورشیدی | تولید برق خورشیدی | تجهیزات وابسته

تلفن: ۷۹۱۵۷۱۹۷ و ۷۹۱۵۷۱۵۰-۰۲۱
www.manaenergypak.com



پیمابرق
(سهامی خاص)

EPC Contractor
In Power Sector



Add: No.1657, shariati Ave., Tehran 1939614135 IRAN - Tel: (+9821) 22619350-53
www.peymabargh.com - info@peymabargh.com - Post Box: 19395-1985

فروشگاه اینترنتی برسام تلکام

B

BARSAM TELECOM

ارائه راهکارهای جامع در زمینه اتوماسیون، اسکادا و دیسپاچینگ از برندهای معتبر

Our Services

- ارائه راهکار
- تامین تجهیزات
- پشتیبانی
- مشاوره رایگان



ABB



BARSAMTELECOM.IR



مشاوره رایگان 021-46118006



KP
ARIAN KELID PARS

ARIAN KELID
آرین کلید پارس



محصولات زمینی



سگسوتر گازی زمین
SF6 Load Breaker Switch



دژنگتور خلاء کشویی
Withdrawable Vacuum VCB



دژنگتور خلاء فیکس اتصال از پشت
Frontal Fixed Vacuum VCB



دژنگتور خلاء فیکس اتصال از جلو
Vacuum Circuit Breaker

محصولات هوایی



اتوریکلوزر خلاء با مایع گاز یا جامد
Recloser



سگسوتر و سگسوتایزر گازی و خلاء هوایی
Overhead load breaker Switch



RTU
Remote Terminal Unit (RTU)



دژنگتور هوایی خلاء
Overhead Vacuum Circuit Breaker

دانشجویان

afag



تلفن تماس : ۰۲۱ - ۴۷۱۵۸۰۰۰

دفتر مرکزی: تهران - خیابان ولیعصر - پلاک ۲۲ - طبقه ۱۱
دفتر تهران: تهران - خیابان ولیعصر - پلاک ۲۲ - طبقه ۱۱
www.ariankelid.ir



مدل ابعاد بیرونی (میلیمتر)

790*590*220	M7455
590*390*220	M5535
490*390*160	M4535
390*340*160	M3530
370*240*140	N3724
260*260*130	C2424
230*210*100	C2119

مدل و سایز ابعاد بدنه (میلیمتر)

460*830*330	00
590*830*330	0
785*830*330	1
1115*830*330	2
460*1130*330	110-00
590*1130*330	110-0
785*1130*330	110-1
1115*1130*330	110-2



TOTALLY SAFE
NO RISK OF ELECTRIC SHOCK

اولین و بزرگترین تولید کننده انواع تابلو های برق ، جعبه های کامپوزیتی



- دارای تاییدیه توانیر و گواهی انطباق مطابقت با استاندارد های تولید فریم تابلو
- طراحی و ساخت مطابق استاندارد IEC 61439 با قابلیت نصب درب داخلی
- ضد خوردگی ، پوسیدگی و قابل استفاده در محیط های مرطوب و اسیدی
- دارای درجه استحکام مکانیکی بیش از IK10 (مطابق با استاندارد IEC 62262)
- امکان تولید در ابعاد متنوع به روش زوج سازی تابلوها (coupling)
- عایق الکتریسیته و مقاوم در برابر اشعه UV و انواع شرایط جوی
- مقاوم در برابر آتش مطابق استاندارد UL94 - HB
- درجه حفاظت از تجهیزات الکتریکی تا IP65
- استحکام مکانیکی ویژه تا 2.5 برابر فولاد

دریچه های منبول و مخازن آب پیش ساخته کامپوزیتی GRP/SMC

- دارای تاییدیه بهداشتی آب شرب از سازمان غذا و دارو و آزمایشگاه مرجع WRAS انگلستان
- قابل استفاده برای ذخیره آب شرب و سایر سیالات با ضریب انتقال حرارت بسیار کم
- امکان نصب به صورت زمینی یا روی برج های فولادی و مقاوم در برابر اشعه UV
- ساختار مازولار (پنلی) پیش ساخته با قابلیت اجرا از 1 تا 1000 متر مکعب
- بهره برداری و نگهداری بسیار آسان با امکان جابجایی و نصب سریع
- عدم امکان رشد جلبک و انواع میکرو ارگانیسم ها



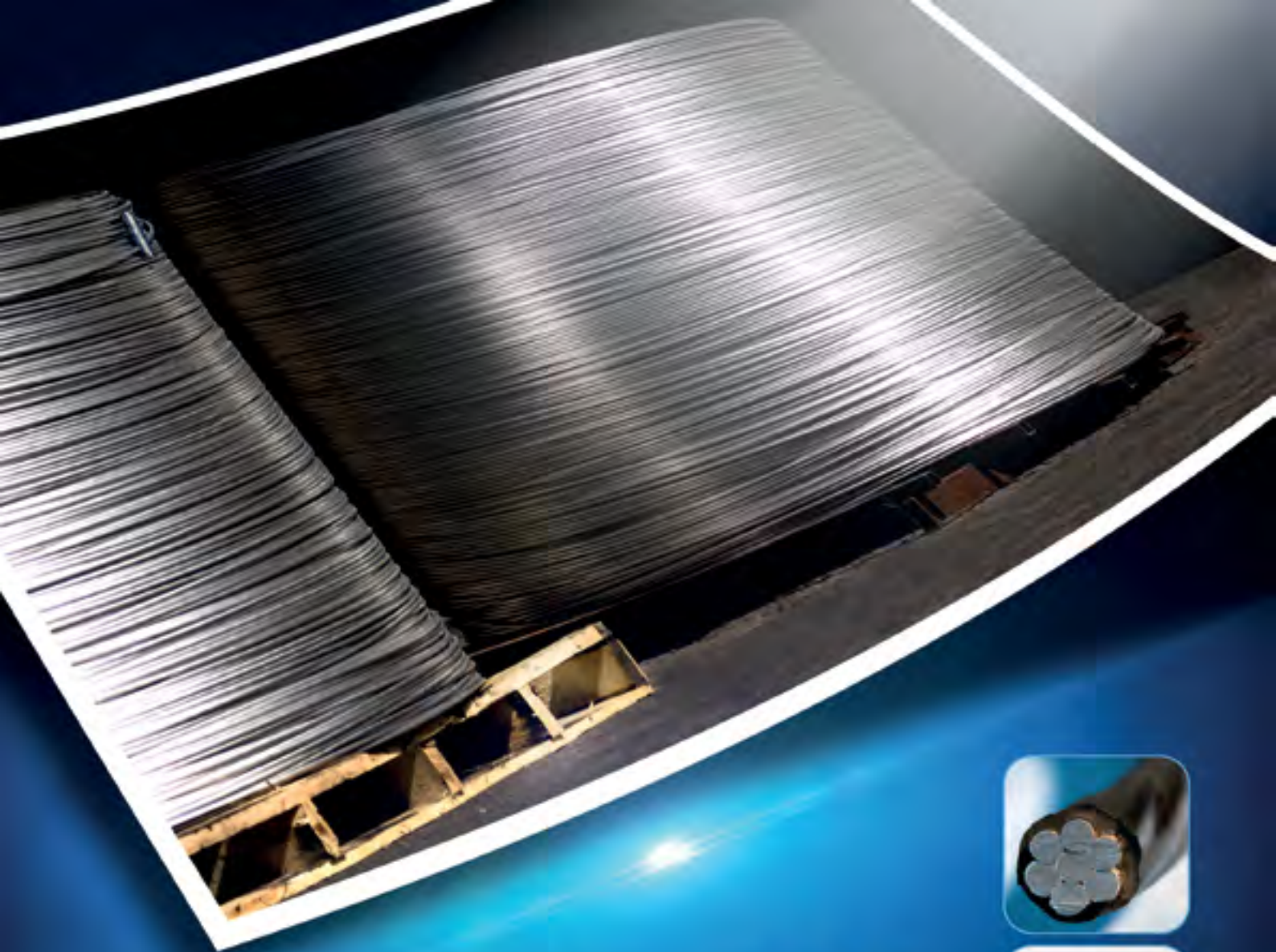
مشاهده سایت



مشاهده پروژه ها

آدرس دفتر مرکزی: تهران، خیابان وزراء، خیابان شهید احمدیان (پانزدهم)، پلاک ۲۴، طبقه اول

www.eiseco.com info@eiseco.com ۰۲۱-۵۲۳۵۶۸۰۰



Cable & Conductor
کابل و هادی کاج

قه‌آلیاژ | Qom Alliage

تولید کننده آلیاژ فلزات غیر آهنی
Non-Ferrous Alloys Manufacturing

- ◆ مفتول آلومینیوم خالص EC و مفتول آلومینیوم آلیاژی ۱۰۱ و هادی های آلیاژی AAAC
- ◆ سیم آلومینیوم و هادی های هوایی بدون روکش و کابل
- ◆ آلیاژ های آلومینیوم ، آلیاژ های سرب ، آلیاژ های روی (زاماک) و سرب خالص
- ◆ نیمکره آلومینیومی بمنظور مصرف در صنایع فولاد
- ◆ انجام خدمات آزمایشگاهی



تولید کننده انواع:

- ◆ هادی های تمام آلومینیومی ، فشردده و سکتور ، گریس دار و پر ظرفیت
- ◆ هادی های آلومینیومی با مغزی فولاد ، ACSR و AW (روکشدار و بدون روکش)
- ◆ سیم و هادی مسی در سایزها و ساختارهای مختلف
- ◆ کابل های هوایی آلومینیومی (خودنگهدار)
- ◆ کابل های زمینی آلومینیومی

دفتر تهران : خیابان آفریقا (تلسون ماندلا)، کوچه بابک مرکزی، پلاک ۶

تلفن : ۰۲۱-۸۸۷۹۸۲۲۴ فکس : ۰۲۱-۸۸۱۹۵۱۳۲

آدرس کارخانه : سلفچگان ، شهرک صنعتی سلفچگان ، خیابان کاج ،

پلاک ۱۲۴ الی ۱۲۸ تماس کارخانه : ۰۲۵-۳۳۶۷۰۰۳۵-۹



www.kajcable.com



دفتر تهران: خ. آفریقا، بالاتر از خ. دستجردی، ک. بابک مرکزی، پلاک ۶
تلفن: ۰۲۱-۸۸۷۷۰۹۶۷ و ۰۲۱-۸۸۲۰۰۴۱۲-۱۳ نمابر: ۰۲۱-۸۸۷۹۸۲۹۰
سامانه ارتباط پیامکی با مشتریان: ۰۲۵-۳۳۶۷۰۰۳۵-۹

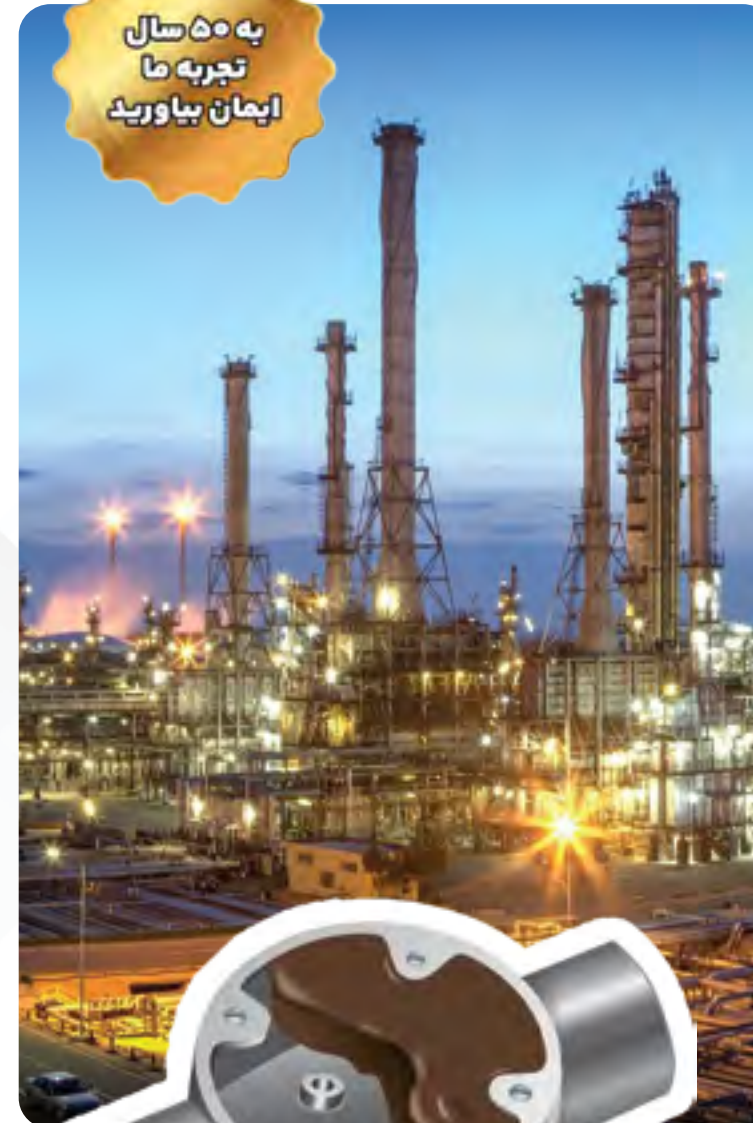
گروه صنعتی ایران ترانسفو

• انواع ترانسفورماتورهای فوق توزیع و قدرت (تا توان 600MVA و فشار 420KV)
• انواع ترانسفورماتورهای توزیع، روغنی و خشک، گزریسی
• انواع پستهای پیش ساخته و تابلوهای برقی
• ترانسفورماتورهای خاص همانند راکتورها، PST، ترانسفورماتورهای گسردو...



■ برای آب بندی و پُر کردن فضای اطراف کابل و لوله های ورودی به ساختمان تأسیسات مورد استفاده قرار گرفته و از رطوبت، آب، گردوغبار، حیوانات موذی، بخارات خورنده شیمیایی، گازهای آتش گیر به داخل جعبه تقسیم یا تابلو ممانعت می کند. خمیر R410 سخت نمی شود، انقباض و انبساط جزئی داشته پس از استفاده در یک محل در صورتی که ناخالصی در آن وارد نشود قابل استفاده مجدد است.

به ۵۰ سال
تجربه ما
ایمان بیاورید



PROPERTIES

- Cold / Hot / Gas / Air flight
- Elastic property
- Ever flexible texture
- Superior cohesion
- Elongation property
- Non hardening
- Re- usable
- Non aging
- Oil proof
- Nonconductive (electricity)
- Nonmagnetic
- Anti rodent property

Technical Specification

Specific Gravity At 20 °C	1.58 gr./cm
Flash Point (Open Cup)	No Flush Point
Operating Temperature	-20 °C to +80 °C
Volume Resistivity At 20 °C	9x10 Ohm-Cm
Fusion Point	No Fusible
Electrical Breakdown	7.8 KV/mm
Color	Brown





WL-r

■ 12 – 17,5 – 24 kV
■ 25 – 31,5 – 40 kA

Cradle

SYSclad

■ 12 – 17,5 – 24 kV
■ 25 – 31,5 – 40 kA

SYStem6
12÷36 kV

IED

- 8 Digital Inputs / 4 Digital Outputs
- 4 Current Analog Inputs / 3 Voltage Analog Inputs
- MODBUS, DNP3
- Wide Range of Energy Metering

mini RTU

- 8 Digital I/O
- 3 Voltage Analog Inputs
- MODBUS, DNP3
- Security: HMAC-SHA-256 / AES-128

RTU Rack-Mount

- Up to 90 Digital & Analog I/O per Rack
- MODBUS, DNP3, IEC60870-5-101, 103, 104
- Security: HMAC-SHA-256 / AES-128
- 1 ms Time-stamp

telergon



کلیدهای دو طرفه ساده و موتوردار
نماینده انحصاری محصولات Telergon اسپانیا در ایران
از ۱۲۵ آمپر تا ۳۱۵۰ آمپر



دارنده گواهی AVL شرکت نفت ایران
دارنده گواهی از شرکت توانیر
دارنده گواهی از شرکت پژوهشگاه نیرو



دفتر مرکزی: میرداماد، خیابان حصاری، نبش کوچه ۶، پلاک ۲۶، واحد ۲
تلفن: ۰۲۱ ۹۰۷ ۹۰۷ فکس: ۰۲۱ ۲۲ ۴۱ ۷۳
فروشگاه مرکزی: تلفن: ۰۲۱ ۹۵ ۱۴ ۳۰ فکس: ۰۲۱ ۹۵ ۱۴ ۳۲

www.telergon.ir



ALTECH
ELECTRIC
کارا التک پویا

Schneider Electric spectre

تولیدکننده کلیدهای مینیاتوری اسپکتر تامین کننده محصولات اشنایدر الکتریک



RCCB
Residual Current Circuit Breaker
IEC/EN 61008-1 IEC/EN 62423
> 25A, 32A, 40A, 63A
> $I_{\Delta n} = 30mA, 100mA \text{ \& } 300mA$
> 1P+N & 3P+N
> $I_{\Delta c} = 10kA$
> Types AC, A, F, B
> Voltage independent



Impulse Relay
TL, TLI
16A, 32A
Control voltage (U_c):
> 230/240V~ / 110V~
> 130V~ / 48V~
> 48V~ / 24V~
> 24V~ / 12V~
> 12V~ / 6V~

Poles description:

1P	1NO 1CO	3P	3NO 2NO+1NC
2P	2NO 1NO+1NC 2CO	4P	4NO 2NO+2NC 3NO+1NC



MCB
Miniature Circuit Breaker
C60N:
IEC/EN 60947-2: 10kA, IEC/EN 60898: [6000 A]
C60H:
IEC/EN 60947-2: 15kA, IEC/EN 60898-1: [10000 A]
> 2 to 63A
> B & C curves
> 1P, 2P, 3P & 4P
> For AC & DC operations



Auxiliaries
> OF: Open/close contact
> SD: Fault indication contact
> OF+SD: Open/close contact + Fault indication contact



Previous design

کلیه محصولات اشنایدر الکتریک و اسپکتر
با هر دو هولوگرام فوق معتبر و مورد تأیید است.



New design

Lifetime
Warranty

گارانتی مادام العمر
برای کلیدهای مینیاتوری اسپکتر



استاندارد ۲۶۱۱-۱
از سازمان ملی استاندارد ایران
(IEC 60898 -1)



استاندارد IEC 60947-2
از توف اتریش

به منظور اطمینان از اصالت کالا،
پس از بررسی وجود و اصل بودن
هولوگرام روی محصول، شماره
سریال آن را به سامانه پیامکی
۰۲۰۰ ۱۰۰۰ ۱۰۰۰ ارسال نموده،
یا در وب سایت ما به نشانی
www.altech-electric.com
در قسمت بررسی اصالت کالا وارد کنید.



دارای استاندارد
ایران



دارای استاندارد
توف اتریش



دارای تاییدیه
شرکت نفت



دارای تاییدیه
شرکت توانیر



لینکدین التک



اینستاگرام التک



کاتالوگ محصولات



سایت التک

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر، خیابان شهید فیاضی (فرشته)، بن بست شهریار، شماره ۲
تلفن: ۰۲۱ ۳۸۳۸۵۰۶ فکس: ۰۲۱ ۵۵۳۱۱
کارخانه: کرج، ابتدای جاده شهریار، شهرک صنعتی سیمین دشت، نبش میدان کارآفرینان، شماره ۷۶
تلفن: ۰۲۶۳۶۶۷۰۱۶۶ فکس: ۰۲۶۳۶۶۷۰۱۶۹

altech-electric.com
info@altech-electric.com
altech-electric
altechelec



Pass Electro Bakhtegan Co.

pass Electro Bakhtegan Tablo

پارس الکترو بختگان تابلو

طراحی و تولید انواع تابلو برق های LV و MV (فیکس و کشویی)



- انواع تابلوهای توزیع ۱۶۰ تا ۳۲۰۰ آمپر
- تابلوهای خازنی و اصلاح ضریب قدرت
- تابلوهای اتوماسیون و فرمان
- تابلوهای ریتال و سیوال کن

ارتباط با ما

☎ 07191010232 ☎ 02141425555

☎ 0917 049 2468 - ☎ 0919 002 3457 - ☎ 0917 049 1974 : کارشناس فروش

✉ electrobakhtegan2@gmail.com 🌐 www.electrobakhtegan.com

📍 نشانی کارخانه: شیراز. شهرک صنعتی بزرگ شیراز. خیابان کوشش شمالی. اندیشه ۸۰۰

📍 دفتر فروش: شیراز. بلوار ستارخان. نبش کوچه ۲۲. مجتمع شیراز مال. طبقه ۶ واحد ۶۰۵



World-Plast®

Manufacturer Of All Types Of Electrical Panels

تولید کننده انواع تابلو برق A.B.S

تصنيع جميع أنواع اللوحات الكهربائية



PRICE LIST



CATALOG

Unit 14, below ground floor,
faraz Laleh Zar commercial
complex, Mojmer Alley,
south Laleh Zar, Tehran, Iran
+ (98) 21 33 99 21 85
+ (98) 21 33 99 21 86
info@world-plast.ir

تهران، لاله زار جنوبی، کوچه مجمر
پاساژ تجاری و اداری فرار لاله زار
طبقه منفی یک، واحد ۱۴
بامدیریت مجتبی داودی
+ (98) 9125654863
www.world-plast.ir





www.bsnivan.com

شرکت فنی مهندسی بهینه ساز نیوان

● انواع پراق فولادی گالوانیزه گرم شیلگان
 انواع سکسیونر، دیژنکتور و ریکلوزرهای فشار متوسط آراین کلید پارس
 انواع RTU و رله های آراین کلید پارس
 انواع ملزومات سیم و کابل WOER و DeDe
 انواع پراق هادی روکشدار فشار متوسط آرادکاوش پی
 طیف وسیع محصولات سبدکالای عظیم EATON (نماینده سطح ۲ در ایران)

تأمین کالای تخصصی نیاز به تیم با تجربه مهندسی دارد، مادر کنار شما هستیم

مشهد، آبکوه ۱، باباطاهر ۱۷، پلاک ۵/۱
 ۰۹۳۶۱۲۹۶۳۰۲ - ۴ | ۰۹۰۰۱۲۹۶۳۰۲ - ۴

www.bsnivan.com ۰۵۱۹۱۰۰۳۷۱۳



PKC

شرکت پرتو خازن

بزرگترین تولید کننده انواع خازن های قدرت فشار ضعیف و فشار متوسط در خاورمیانه



محصولات فشار متوسط (MV)

- خازن های اصلاح ضریب قدرت سیلندری سه فاز و تکفاز (رزینی و گازی)
- خازن های جعبه ای (باکس)
- تابلوهای خازنی اتوماتیک و ثابت
- رگولاتورهای اصلاح ضریب قدرت هوشمند
- کنتاکتورهای خازنی
- راکتورهای خازنی
- راکتورهای فیلتر هارمونیک
- کنتاکتورهای هارمونیک

محصولات فشار متوسط (MV)

- خازن های تکفاز و سه فاز
- بانک های خازنی



☎ 021-88882929
 ☎ 09374472967
 ✉ sales@pkc-capacitor.com
 ✉ import.export@pkc-capacitor.com
 www.pkc-capacitor.com

ترانسفورماتورهای کوره و یکسوساز

انواع ترانسفورماتورهای کوره و یکسوساز مورد نیاز صنایع فولاد، فروآلیاژ و الکترولیز تا توان ۳۶۰ مگاوات آمپر و جریان فشار ضعیف ۱۴۰ کیلوآمپر در گروه صنعتی آریا ترانسفو تولید می‌گردد.



ترانسفورماتورهای یکسوساز



راکتورهای سری کوره قوس الکتریکی



ترانسفورماتور کوره مستغرق



ترانسفورماتور کوره پاتیلی



ترانسفورماتور کوره قوس الکتریکی

خدمات فنی و مهندسی

خدمات فنی و مهندسی که توسط گروه صنعتی آریا ترانسفو ارائه می‌گردد شامل نصب و راه‌اندازی، تست و عیب‌یابی، تعمیرات و بازسازی، سرویس‌های دوره‌ای، پایش سلامت ترانسفورماتور و خدمات آموزشی می‌باشد.



سرویس دوره‌ای و پایش سلامت



تعمیرات و بازسازی



خدمات تست و عیب‌یابی



نصب و راه‌اندازی

سیم و تجهیزات

اجزای نیمه‌ساخته ترانسفورماتور نظیر سیم‌پیچ، مخزن، اکتیوپارت، تجهیزات جانبی، قطعات یدکی، رادیاتور و همچنین انواع سیم تخت کاغذی و بافته شده در گروه صنعتی آریا ترانسفو ساخته و قابل تامین برای مصرف‌کنندگان می‌باشد.



رادیاتور



اکتیوپارت



مخزن (تالک)



سیم‌پیچ (بویلر)



لوازم و تجهیزات



سیم تخت آیزوله کاغذی



سیم تخت بافته شده (CTC)

ترانسفورماتورهای قدرت

گروه صنعتی آریا ترانسفو تولیدکننده انواع ترانسفورماتورهای نیروگاهی، انتقال، فوق توزیع، اتو ترانسفورماتور، راکتور و تغییردهنده فاز تا ولتاژ ۴۲۰ کیلوولت و تا توان ۵۵۰ مگاوات آمپر سه فاز و ۳۰۰ مگاوات آمپر تک فاز می‌باشد.



اتو ترانسفورماتور



ترانسفورماتورهای انتقال و فوق‌توزیع



ترانسفورماتورهای نیروگاهی



ترانسفورماتور تغییر دهنده فاز



راکتور

ترانسفورماتورهای توزیع

انواع ترانسفورماتورهای استاندارد شبکه توزیع، ویژه روغنی و خشک‌رزینی تک‌فاز و سه‌فاز، زمین، یک‌سوساز و با امکان نصب کلید تنظیم ولتاژ تحت بار تا ولتاژ ۳۶ کیلوولت و تا توان ۴۰۰۰ کیلوولت آمپر در این مجموعه ساخته می‌شود.



ترانسفورماتورهای روغنی تک‌فاز



ترانسفورماتور خشک‌رزینی



ترانسفورماتورهای ویژه روغنی سه‌فاز تا توان ۴۰۰۰ کیلوولت آمپر



ترانسفورماتورهای استاندارد وزارت نیرو



ترانسفورماتور روغنی با کلید تنظیم ولتاژ تحت بار



ترانسفورماتور نیروگاه خورشیدی



ترانسفورماتور زمین



ترانسفورماتور یکسوساز

ستبران ۲۳

سال ۱۴۰۴ بدون تردید یکی از دشوارترین سال‌هایی بود که در دهه‌های اخیر بر ایران عزیز گذشت. سالی سرشار از تلاطمات اقتصادی و ناملایمات اجتماعی با پیامدهای گسترده‌ای که شاید جبران ابعاد آن به سادگی امکان‌پذیر نباشد. در سالی که ناترازی برق با ۱۶ هزار مگاوات کمبود تولید، همچنان به قوت خود باقی بود و دلار تا مرز بیش از ۱۶۰ هزار تومان افزایش یافته، شالوده اقتصاد ایران بیش از هر زمان دیگری دچار مخاطره شده و سطح تاب‌آوری بنگاه‌های اقتصادی به پایین‌ترین حد خود رسید.

در این بین حذف ارز ترجیحی به منظور انتقال یارانه آن به مصرف‌کننده نهایی و با هدف آغاز یک جراحی اقتصادی در کشور در دی ماه سال جاری کلید خورد تا بیم و امیدها برای ساماندهی منابع ارزی کشور قوت بگیرد. اگرچه از نگاه موافقان، این طرح بزرگترین و شجاعانه‌ترین اقدام دولت چهاردهم محسوب می‌شود اما بسیاری از فعالان اقتصادی از بابت اجرای ناگهانی طرح مذکور و عدم پیش‌بینی ابزارهای حمایتی لازم برای پشتیبانی از فعالان کسب و کار در مقابل شوک‌های قیمتی ناشی از تک‌نرخ شدن ارز، نگرانی‌ها جدی دارند.

در این شماره از نشریه ستبران - ارگان رسمی سندیکای صنعت برق ایران - به تفصیل به بررسی دیدگاه‌های فعالان اقتصادی در خصوص پیامدهای تک‌نرخ شدن ارز پرداخته‌ایم و مهمترین فرصت‌ها و تهدیدهای این طرح را از نگاه صاحبان صنعت برق واکاوی کرده‌ایم.

همچنین در شماره پیش رو با توجه به اهمیت موضوع شاخص‌های تعدیل قراردادی به منظور جبران بخشی از خسارات ناشی از نوسانات نرخ ارز و سایر نهادهای تولید، میزان کارآمدی این شاخص‌ها از نگاه شرکت‌های عضو مورد بررسی قرار گرفته و عنوان شده که بخش مهمی از شاخص‌ها اساساً امکان پوشش ریسک‌های متعدد فضای کسب و کار کنونی صنعت برق کشور را ندارد.



شرکت سیم راد سما

مفتول آلومینیومی
ALUMINUM ROD

هادی‌های آلومینیومی
ALUMINUM CONDUCTORS

کابل‌های آلومینیومی
ALUMINUM CABLES

محصولات اکسیژن‌زدا در صنایع
فولادسازی
DEOXIDIZER PRODUCTS IN THE
STEEL INDUSTRY

POWER
IS IN
CURRENT

+98 21 66 76 0000

www.simrodsama.com

ستبران ۲۳ زمستان ۱۴۰۴

نشریه سراسری سندیکای صنعت برق ایران
سال بیست و پنجم، شماره بیست و سوم (شماره پیاپی ۱۴۴)

ستبران، ارگان رسمی سندیکای صنعت برق ایران، تلاش می‌کند به منظور معرفی پتانسیل‌های حقیقی بخش خصوصی صنعت برق، به‌ویژه در حوزه سازندگان، پیمانکاران، مشاوران و شرکت‌های مهندسی بازرگانی، تصویر روشنی از توانمندی‌های این بخش نشان دهد. به‌علاوه شناسایی و بررسی چالش‌ها و گلوگاه‌های صنعت با هدف طرح دیدگاه‌های مختلف و روشن کردن زوایای مختلف اقتصاد کلان و خرد کشور هم از جمله دیگر سیاست‌های این نشریه است.

مسئولیت کلیه مقالات و مطالب منتشر شده در این نشریه بر عهده نگارنده است و نشریه ستبران هیچ مسئولیتی در مقابل این محتوا نداشته و تنها منتشرکننده آن است.



صاحب امتیاز:

سندیکای صنعت برق ایران

مدیر مسئول: در حال تغییر

سردبیر: مهدی مسائلی

شورای سیاست‌گذاری:

پیام باقری، محمد صادق جنان‌صفت،

مازیار جوانی، جعفر جولا، مسعود حجت،

رضاراجی کرمانی، منصور سعیدی،

سیدعلیرضا سیاسی‌راد، سعید مهذب‌ترابی،

علیرضاهاشمی

دبیر تحریریه: طیبا میرحسینی

تحریریه: سمیه کاظم‌زاده

مدیر هنری: علیرضا تاجیک

مدیر اجرایی: بهارک باقرپور

امور آگهی‌ها و توزیع: سمیرا کریمی

امور اداری: کیمیا اشرفی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: تندیس نقره‌ای

نشانی: تهران، خیابان فاطمی غربی،

خیابان سین دخت شمالی، پلاک ۱۵

تلفن: ۶۶۵۷۰۹۳۰-۶

فکس: ۶۶۹۴۴۹۶۷

سایت: www.ieis.ir

ایمیل: setabran@ieis.ir

فهرست در این شماره می‌خوانید:

- سرمقاله؛ ارزیابی بقاپذیری
- ضرورت ثبات ارزی برای تداوم توسعه زیرساخت‌های ملی
- ضرورت تعیین تکلیف قراردادهای مناقصات جاری
- انتصابات جدید در وزارت نیرو
- در کوران تلاطم‌های ارزی
- بودجه ۱۴۰۵ و صنعت برق؛ از اصلاحات اسمی تا الزامات تحقق‌پذیری واقعی
- بودجه‌نویسی بر پایه اما و اگرها
- بیم‌ها و ناامیدی‌های بودجه ۱۴۰۵
- بررسی تحلیلی وضعیت مالی بخش برق در لایحه بودجه سال ۱۴۰۵
- جراحی حیاتی اما پرمخاطره اقتصاد بیمار ایران
- نیوان؛ حاصل سیزده سال همدلی و تلاش



■ شاخص‌های تعدیل؛ نوشداروی پس از مرگ

■ ترجم نمی‌خواهیم؛ منصفانه بازی کنید!

■ سبقت نرخ ارز از شاخص‌های تعدیل

■ شناور بودن قیمت پیشنهادی مناقصات

■ مواجهه نابرابر، راهکارهای کم جان و ریسک‌های پر قدرت

■ سازندگان و پیمانکاران در محاصره بحران‌ها

■ گرفتاری‌های فعالان نوآور صنعت برق در بحران‌های ارزی و تورمی

■ کیفیت در برابر کمیت؛ مخاطرات توسعه پُرسرعت تجدیدپذیرها

■ بازخوانی مهمترین اقدامات سندیکا

■ مکاتبات مهم سندیکا

■ عزم سندیکا و اعضا برای فعال‌سازی مجدد شعبه فارس

■ تیم سندیکای صنعت برق، قهرمان دومین دوره مسابقات فوتسال جام سندیکا

■ درآمدی بر قراردادهای همسان و ناهمسان

■ خیر مقدم به اعضای جدید





ارزیابی بقاپذیری



مهدی ساعدی
سرتییر

در ستبران شماره ۱۷ (۱۳۸) مربوط به تابستان ۱۴۰۳ درباره بلاتکلیفی در کسب و کار نوشتیم. جالب اینکه در زمستان ۱۴۰۴ شاخص WUI (World Uncertainty Index)، دنیا را بلاتکلیف نشان می‌دهد! تغییرات نرخ دلار در سال ۱۴۰۴، جنگ ۱۲ روزه، وقایع دی‌ماه، تغییرات نرخ بلیط هواپیما و اتوبوس، تغییرات نرخ حمل و نقل؛ همه و همه سال ۱۴۰۴ را سالی فراموش‌نشده در تاریخ ایران ثبت خواهد کرد! سالی که به اندازه احساس یک قرن وقایع و تغییرات در آن شاهد بودیم.

دلار در زمان نوشتن این متن یعنی ۱۴۰۴/۱۲/۰۴ معادل ۱۶/۲۳/۰۰۰ ریال و یک گرم طلا ۱۹۷/۴۵۰/۰۰۰ ریال و سکه تمام بالای ۱/۹۹۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال است. تمامی قیمت‌ها بیشتر از ممکن‌هایی بود که شنیده بودیم ولی به نظر می‌رسد زین پس اگر عده‌های بزرگتری برای اینگونه موارد مشاهده کردید و یا شنیدید، اصلاً تعجب نخواهید کرد.

سایه یا توهم جنگ، روی همه چیزها سایه انداخته و بسیاری می‌گویند، اگر فردا زنده بودیم،



که: احتمال مرگ یا از کار افتادن واحدی از جامعه آماری در یک بازه زمانی مشخص به شرط آنکه آن واحد در ابتدای این بازه زنده یا فعال باشد.

توضیحات فوق بسیار مختصر هستند و حق مطلب مندرج در موضع سرمقاله را ادا نمی‌کنند، اما این واژه از دو جهت برای بنده جالب بود و مناسب دیدم که در ستبران زمستان ۱۴۰۴ آن را تیتیر سر مقاله کنم، اول اینکه این روش آماری علاوه بر پزشکی در جنگ جهانی دوم برای یافتن آمار بقاپذیری سلاح‌های جنگی هم مورد بهره‌برداری قرار گرفته و سابقه این موضوع به ۱۶۶۲ میلادی بر می‌گردد و دوم اینکه وضعیت فعلی کشور به گونه‌ای است که این مفهوم بایستی بیشتر مورد توجه شرکت‌های بخش خصوصی در بنگاه‌ها و کار و کسب قرار گیرد. به نظر من جا داشته باشه که با توجه به شرایط اقتصادی فعلی صرفاً نه برای بقاء بلکه با بقاپذیری و به‌کارگیری تحلیل‌های مربوطه و بررسی‌های سیستمی بیشتر، کسب و کارها و بنگاه خودتان را مورد تحلیل مجدد قرار دهید.

تلاش شد از طریق سرمقاله نشریه ستبران در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ موضوعاتی نظیر «همه جنگ‌ها برای صلح است!»، «هست را گر قدر ندانی، می‌شود بود»، «یک از یک بزرگتر است، اکنون؟!»، «دو ضرب در دو مساوی ۱۰» و «چرا بیشتر مشارکت نمی‌کنید؟»،



آنگاه...!! ولی در هر حال زندگی جاریست و به قول شاعر «زندگی را زندگی کن، زندگی هربار نیست، عمر فانی را عزیزم فرصت تکرار نیست» و یا بقول فیلم گنج قارون با صدای زیبای ایرج «غم مخور، دنیا دو روزه، این دو روز هم روز به روزه»

اگرچه پیش‌بینی با پیشگویی درباره جنگ و آینده اقتصاد ایران از عهده و توان سندیکا خارج است، ولی نباید فراموش کرد که بدون امید و امیدواری، رسیدن به فردا و فرداها دشوار تر از سخت خواهد شد. در هر حال از نظر بنده، جنگ فیزیکی به معنای گسترده «نباید رخ دهد» و حتی اگر جنگ رخ دهد، برای کسب و کار صنعت برق، آینده‌ای بهتر می‌تواند فراهم شود. پس در هر دو حالت، کار برای فعالان حوزه برق فراهم خواهد بود.

پنجم اسفند ماه روز مهندس است و مهندسان می‌گویند: برای مهندسان بن بست و وجود ندارد، آنان یا راهی خواهند یافت، یا راهی خواهند ساخت یا در کل منکر هر راهی می‌شوند. به همین دلیل این روزها که بحث وقوع جنگ مطرح است، شاید فرصتی بسیار عالی برای این باشد که این شعار و یا شعارهای مشابه را عملی کنیم.

عنوان سرمقاله آخرین شماره ستبران ۱۴۰۴ ارزیابی بقاپذیری (Survivability test) است و مانایی یا بقاپذیری به معنی قابلیت و توانایی زنده ماندن یا تداوم حیات است. در مهندسی، مانایی به توانایی کمی یک سامانه، زیرسامانه، تجهیزات، فرآیند یا رویه برای ادامه عملکرد در یک اختلال طبیعی یا ساخته دست بشر می‌گویند. تجزیه و تحلیل بقا همچنین در زمینه‌های دیگر مانند علوم اجتماعی و اقتصاد نیز به کار گرفته شده است تا به ترتیب زمان شکست یک محصول، یافتن شغل و یا پرت شدن مشتری را تجزیه و تحلیل کند. در اصل، تجزیه و تحلیل بقا یک روش آماری برای تجزیه و تحلیل زمان لازم برای وقوع یک رویداد مورد علاقه است، به عبارتی تخمین از شاخص مورد نظر با وجود داده‌های سانسور شده. چند نکته کلیدی وجود دارد که به درک اصول تحلیل بقا کمک می‌کند یکی از آنها "تابع خطر" است.

تابع خطر یا HAZARD FUNCTION اینگونه تعریف می‌شود

مطرح شود و در پایان ۱۴۰۴ توجه روی بقا پذیری و تغییر روش‌ها را برای ۱۴۰۵ پیشنهاد می‌کنیم (مثلاً مشارکت‌پذیری، ایجاد کنسرسیوم‌ها، گرایش به خرده‌فروشی‌های برق، سرمایه‌گذاری در حوزه تجدیدپذیرها و نیروگاه‌های پراکنده و)

خوانندگان محترم تناقضات اقتصادی و مالی بسیاری را در کشور شاهد هستند، به‌عنوان مثال مگر می‌شود، کشش اقتصادی در ایران نباشد (از هر نوع سالم و ناسالم آن) و گواشی آیفون نیم میلیاردی، اتومبیل‌های چند ده میلیاردی، املاک چند صد میلیاردی در آن خرید و فروش شود؟ اگر تقاضایی نباشد، عرضه‌ای وجود خواهد داشت؟ و خیلی سوالات دیگر که همه آنها بارهای مثبت و منفی را بصورت توأم دارند.

فراز اول سرمقاله ستبران زمستان ۱۴۰۴ را با طرح یک سوال به پایان می‌برم: به‌جای تمرکز بر شکستن موانع بزرگ، بهتر است تلاش کنیم آنها را دور بزنیم، شاید رفع مشکلات و موانع بزرگ از عهده و توان ما خارج باشد، نظر شما چیست؟

بر همگان مکشوف است که نوسانات ارزی طی ۴۷ سال گذشته و بویژه در سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۷-۱۳۹۹ و تکانه‌های ارزی



تا ۱۴۰۴ به‌عنوان یک ابزار برای نجات اقتصاد کلان استفاده شده است، اقتصاد کلانی که تورم و نرخ ارز آن اقتصاد خرد را چنان درنوردیده که بسیاری از فعالان اقتصادی له شدند ولی جالب آنکه همان تورم که به‌عنوان بیماری اقتصاد ایران شناخته شده در برخی از موارد به‌عنوان کشتی نجات، نقش بازی کرده است؟! نوسانات نرخ ارز همیشه منشأ اصلی توقف پروژه‌ها بوده و تلاش سندیکا در اجرایی شدن فهارس بهای تخصصی برق برای رهایی از ریسک‌های ارزی و سایر تغییرات در نرخ فلزات و غیره بود، اما شوربختانه ابلاغ شاخص‌های تعدیل در نیمه اول سال ۱۴۰۴ به نوعی امید به فهارس بها را کمرنگ کرد و حذف تالار یک ارزی و انتقال به تالار دوم در ۲۶ آذر ۱۴۰۴ عملاً آب سردی بر پیکر کسب و کارهای اکثر اعضای سندیکا بود.

افزایش فشار نیاز به نقدینگی، بر هم خوردن CASH FLOW قراردادهای و نیاز بیشتر به سرمایه در گردش از یک طرف، کند بودن نقد شدن مطالبات (متاسفانه نگاه بخش دولتی به پرداخت مطالبات بخش خصوصی به لحاظ مقدار و زمان و حتی نوع (نقد، اوراق، حواله) مناسب و مسئولانه و متعهدانه نیست، مصداق آن هم حقوق ممتازه حقوق پرسنل دولتی بر سایر تعهدات است!). لخت شدن حرکت‌های زنجیره تامین عملاً نیاز به سایر اقدامات حمایتی را با این وضع و اوضاع طلب می‌کرد. شناخت و تجربه هیات مدیره دوره نهم سندیکا از اینگونه مسائل، اقدامات ۱۴ گانه زیر را در راستای حفظ و صیانت از حقوق حقه اعضا به‌دنبال داشته است که اخبار تمامی موارد از طریق گروه‌های سندیکا در واتساپ و بله، وب سایت و در برخی موارد هم از طریق نامه، به سمع و نظر اعضا رسانیده شده است:

۱. نامه نگاری با توانیر جهت مجاز شدن تاخیرات:

۱-۱ ناشی از عدم تخصیص ارز

۱-۲ تغییر نرخ ارز از تالار اول به تالار دوم

۱-۳ توقف‌های ناشی از رخدادهای دی ۱۴۰۴

۲. استفاده از سپرده بیمه (آزادسازی ۵ درصد سپرده حق بیمه ماده ۳۸ بیمه تامین اجتماعی)

۳. خلق شعبه پول با استفاده از اوراق خزانه (امکان پرداخت مالیات بر ارزش افزوده از طریق اوراق خزانه و مراحله)

۴. تلاش برای درج تیک نسبه بجای نقد در سامانه مودیان مالیاتی

۵. مشارکت در قیمت‌دار کردن فهارس بها با هدف واقعی‌سازی شاخص‌های تعدیل و رفع ابهامات موجود در ردیف‌ها

۶. پیگیری برای ابلاغ بخشنامه جبرانی نرخ ارز نوبت پنجم

۷. ایجاد میز خدمت وزارت نیرو سندیکا طی جلسه ۱۴۰۴/۱۰/۱۷ با مقام عالی وزارت نیرو

۸. پیگیری تخصیص ارز، اعضا از طریق میز خدمت وزارت صمت دفتر برق و الکترونیک

۹. شروع مکاتبات با بانک مرکزی

۱۰. آسیب شناسی سطح نفوذ ارتباط سندیکا با حاکمیت

۱۱. تلاش برای واقعی‌سازی میزان مشارکت اعضا در سندیکا

۱۲. دعوت اعضا به مشارکت بیشتر با انجام سفرهای استانی و درج در سرمقاله ستبران ۲۲ (شماره ۱۴۳ پاییز ۱۴۰۴)

۱۳. پیگیری‌های موضوعات ثبت سفارش اعضا و تخصیص ارز (از طریق وزارت صمت. توانیر و وزارت نیرو)

۱۴. تقویت ارتباطات مستقیم با شرکت‌های برق منطقه‌ای و شرکت‌های توزیع نیروی برق

تداوم رتبه A+ سندیکا از خبرهای خوب پایان سال ۱۴۰۴ بود، برگزاری مسابقات ورزشی با رویکرد توسعه آن به المپیاد ورزشی صنعت برق کشور (فعالیت‌های فرهنگی ورزشی در راستای ایجاد شور و نشاط و سلامتی در بین اعضا)، انجام مطالعات پژوهشی و انتشار کتاب قیمت‌گذاری برق در ایران، مبادله قراردادهای مطالعاتی و پژوهشی، تلاش برای برگزاری جلسات منظم و اثربخش توأم با دستاوردهای موثر در بهبود کسب و کار

اعضا، از دیگر تلاش‌هایی بودند که در کنار سایر فعالیت‌ها برای چندمین سال پیاپی سندیکا را در رتبه A+ اتاق بازرگانی ایران نگه داشت.

به قول بنیانگذار سندیکا، زنده یاد مهندس محمد پارسا، راهی جز موفقیت ندارید. با حفظ این فلسفه فکری هیات مدیره دوره نهم از ۱۴۰۴/۶/۲۶ با نام "فراگیر راه نو" پا به میدان گذاشت و علیرغم فراز و نشیب‌های کم سابقه کشور، سال ۱۴۰۴ را به پایان برد. سال ۱۴۰۴ سال مار بود که به عنوان نماد دگرگونی و خرد، پیش‌بینی می‌شد و قرار بود فرصت‌های جدیدی برای رشد و تحول ایجاد کند!

سال ۱۴۰۵ سال اسب است، ویژگی‌های سال اسب به گونه ای است که فرصت‌های زیادی برای پیشرفت فراهم می‌کند و به خصوص برای کسانی که به دنبال تغییرات بزرگ هستند، مطلوب است. در واقع مشخصات سال اسب نشان‌دهنده دورانی است که در آن به شجاعت و ریسک پذیری پاداش داده می‌شود. بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند که ویژگی سال اسب در توانایی آن برای شکستن ساختارهای قدیمی و ایجاد مسیرهای نو نهفته است. از سوی دیگر، خصوصیت سال اسب به گونه‌ای است که می‌تواند باعث بی‌صبری و تصمیم‌گیری‌های شتاب زده شود، لذا کنترل هیجان در این دوران کلیدی است.

امید که مار ۱۴۰۴ با بدرقه ماه مبارک رمضان بیرق سال را در روز جمعه ۲۹ اسفند ساعت ۱۸:۱۵:۵۹ به اسب سفید سال ۱۴۰۵ که صلح، صفا، صمیمیت، سلامتی، شادی و رونق را با خود حمل می‌کند، بسپارد.

در پایان درگذشت هموطنان عزیزمان در وقایع دی ماه را تسلیت عرض می‌کنم و امیدوارم با همدلی و مسئولیت‌پذیری، فردایی پایدار با یکدیگر بسازیم و تجربه کنیم. به امید دیدار شما عزیزان
ما با هم به مقصد می‌رسیم...



محمد هاشمی قلیچ‌زاده

رئیس هیئت مدیره
سندیکای صنعت برق ایران

صنعت برق در هاله‌ای از نگرانی؛

ضرورت ثبات ارزی برای تداوم توسعه زیرساخت‌های ملی

به عنوان رئیس هیئت مدیره سندیکای برق ایران، متشکل از سازندگان، مشاوران و پیمانکاران پیشگام این صنعت استراتژیک، ناگزیریم نگرانی‌های عمیق اعضا را در مواجهه با سیاست‌های اخیر ارزی و تبعات آن بر کلیت صنعت برق کشور بازگو کنیم. صنعت برق، ستون فقرات توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران است و هرگونه بی‌ثباتی در ایجاد هزینه‌ها و برنامه‌ریزی‌های آن، مستقیم بر امنیت انرژی، تولید ملی و معیشت مردم تأثیر می‌گذارد.

بستر تصمیمات اخیر

- شامگاه شنبه سیزدهم دیماه، دولت به صورت ناگهانی ارز ترجیحی را حذف و اعلام کرد که یارانه کالاهای اساسی مستقیم به مصرف‌کننده نهایی پرداخت خواهد شد. هدف این اقدام مقابله با رانت خواری و فساد و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر عنوان شده است.
- همزمان، با حذف تالار اول، تأمین ارز واحدهای تولیدی و خدماتی به بازار دوم (بازار توافقی) که به نرخ‌های واقعی‌تر نزدیک‌تر است، منتقل شد.
- اگرچه از دیدگاه اقتصادی، حذف رانت و یکسان‌سازی نرخ ارز اقدامی ضروری است، اما اجرای ناگهانی و بدون تمهیدات حمایتی شفاف و بسترسازی مناسب، مانند رها کردن یک فنر فشرده، سبب ایجاد **تکانه‌های شدید و پیش‌بینی‌نشده** در تمام بازارها شده و ثبات هر نظام اقتصادی ایجاد شده را برهم می‌زند.

نگرانی‌های اصلی اعضای سندیکادر پی تحولات ارزی

- ۱ **افزایش ناترازی اقتصاد برق و سرمایه‌گریزی بیشتر در صنعت برق:** در شرایطی که بخش عمده سرمایه‌گذاری‌های صنعت برق با هزینه‌های متناسب با نرخ ارز انجام می‌شود، رشد ناگهانی نرخ ارز منجر به افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری‌ها در مقایسه با درآمدها که به ریال و با تاخیر دچار تعدیل می‌شوند. سیاست‌های ارزی منجر به افزایش عمق ناترازی در اقتصاد صنعت برق می‌شود و نوسانات ارزی و سودآوری نقد و بالاتر در بازارهای دیگر سرمایه‌گریزی صنعت برق را افزایش می‌دهد.
- ۲ **شوک هزینه‌ای و تعلیق پروژه‌ها:** حرکت ناگهانی به سمت نرخ‌های توافقی بازار دوم، هزینه تمام‌شده پروژه‌های در دست اجرا و آتی را به صورت غیرقابل پیش‌بینی افزایش می‌دهد. در شرایطی که بودجه عمرانی پروژه‌ها در بودجه ۱۴۰۵ در ابهام تحقق درآمدها با کاهش چشمگیر ارزش واقعی مواجه است، تبعات این امر منجر

به کسری بودجه پروژه‌ها، تعلیق قراردادهای، اختلال در زمان‌بندی طرح‌های ملی و افزایش بدهی‌های دولت به پیمانکاران می‌شود.

۳ **اختلال در تأمین مالی و سرمایه در گردش:** بنگاه‌های صنعت برق، با حاشیه سود محدود و دوره بازگشت سرمایه طولانی و مطالبات انباشته عملاً قادر به جبران افزایش سرسام‌آور هزینه‌های ارزی نخواهند بود. از سوی دیگر، ارزش‌ریالی مطالبات معوق از کارفرمایان دولتی به سرعت کاهش می‌یابد، در حالی که نیاز به نقدینگی برای تأمین مواد اولیه برای کالای در جریان ساخت، ممکن است تا دو برابر افزایش یابد. این دوگانگی، تاب‌آوری مالی و بقای بسیاری از مؤسسات تخصصی را تهدید می‌کند.

۴ **ابهام در سیاست‌گذاری و عدم امکان برنامه‌ریزی:** نوسانات شدید و روزانه نرخ ارز و عدم وضوح در جزئیات اجرایی سیاست «تک‌نرخی شدن»، هرگونه برنامه‌ریزی بلندمدت برای تأمین مواد اولیه، انعقاد قراردادهای کلان و سرمایه‌گذاری جدید را ناممکن ساخته است. پیش‌بینی‌پذیری شرط لازم برای فعالیت اقتصادی است و بروز شرایط حاضر بیش از هر وقت دیگر انتقاد به عدم وجود نقشه جامع برای صنعت و اقتصاد را پررنگ‌تر می‌سازد.

۵ **تعمیق رکود تورمی تحت فشار چندجانبه:** فشار ناشی از این تصمیمات فوق در کنار سه عامل دیگر ادامه تلاش بنگاه‌ها برای ادامه بقا را بیشتر در معرض خطر می‌اندازد:

- **بودجه انقباضی ۱۴۰۵:** کاهش بودجه‌های عمرانی در شرایط رکود
- **افزایش شدید هزینه نیروی کار:** پیش‌بینی افزایش دستمزدها حداقل معادل تمام و یا بخشی از تورم اضافه تولیدشده در اصلاحات ارزی فوق که دولت در طرح پرداخت یارانه‌ها پوشش نمی‌دهد و به بنگاه‌ها و سازمان‌ها تکلیف می‌کند.
- **افزایش ۵۰ درصدی پیش‌بینی درآمدهای مالیاتی:** در حالی که بنگاه‌ها در شرایط رکود و در کمترین ظرفیت فعالیت می‌کنند، پیش‌بینی افزایش درآمدهای مالیاتی دولت رکود اضافه‌تری را تحمیل می‌کند.

این مجموعه، دور باطل رکود تورمی را تشدید و تقاضای مؤثر برای انرژی را کاهش می‌دهد.

۶ **تأثیر دوگانه بر صنایع:** در حالی که صنایع صادرات‌محور (مانند پتروشیمی) از افزایش درآمد ارزی سود می‌برند، صنایع پایین‌دستی و واردکننده (از جمله بسیاری از تأمین‌کنندگان صنعت برق) با فشار هزینه‌ای طاقت‌فرسایی مواجه می‌شوند که توان حفظ حاشیه سود آنها را به شدت تضعیف می‌کند.

پیشنهادهای سندیکای صنعت برق ایران به دولت و سیاست‌گذاران

ما اهداف اصلاحی دولت را درک می‌کنیم و همانگونه که وزیر محترم اقتصاد نیز به ناگزیر بودن از انجام اشاره کرده‌اند که: «این زمان، دولت را انتخاب کرده است». با این حال، برای عبور کم‌هزینه از این مرحله حساس و جلوگیری از آسیب بیشتر به سرمایه‌تولیدی، اجرایی و انسانی صنعت برق کشور، پیشنهادات عاجل مابارزند:

- ۱ **تعدیل فوری نرخ فروش برق متناسب با ارز و افزایش هزینه‌های ایجاد شده:** جهت جلوگیری از ناترازی اقتصادی بیشتر صنعت برق و بازنگری هزینه بودجه عمرانی صنعت برق و بودجه شرکت‌های زیر مجموعه به گونه‌ای متناسب با افزایش ایجاد شده در هزینه‌های شرکت‌ها.
 - ۲ **ایجاد «صندوق تأمین ارز پایدار پروژه‌های زیرساختی برق»:** تعریف مکانیسمی شفاف برای تأمین و تخصیص ارز مورد نیاز پروژه‌ها و تأمین تجهیزات و کالای برق مورد نیاز وزارت نیرو و صنعت برق برای جلوگیری از تعویق و با طولانی شدن زمان اجرای طرح‌های زیربنایی ملی کشور در این حوزه.
 - ۳ **بازتعریف و تسریع در پرداخت مطالبات معوق:** تسویه فوری بدهی‌های دولت به پیمانکاران برق با لحاظ تعدیل جهت جبران اثر تورم و افزایش قیمت ارزی، برای تزریق سرمایه در گردش حیاتی به چرخه صنعت.
 - ۴ **اجرای قراردادهای تعدیل‌شونده (Escalation):** گنجاندن بندهای تعدیل هزینه در قراردادهای آتی بر اساس شاخص‌های معتبر (از جمله نرخ ارز) برای تقسیم منطقی ریسک و ایجاد شفافیت.
 - ۵ **حمایت هدفمند از تولید داخلی:** اعطای تسهیلات کم بهره برای جبران کاهش ارزش سرمایه در گردش بنگاه‌ها و تسهیلات مالیاتی و بیمه‌ای برای تولید داخلی قطعات، به منظور افزایش امنیت زنجیره تأمین.
 - ۶ **گفت‌وگوی مستمر و فوری:** تشکیل کمیته‌ای اضطراری متشکل از نمایندگان وزارت نیرو، بانک مرکزی، سازمان برنامه و بودجه و سندیکای صنعت برق برای رصد هفتگی چالش‌ها و تصمیم‌گیری سریع.
- صنعت برق ایران با انباشت دهه‌ها تجربه و دانش فنی، آماده همکاری برای تحقق اهداف اصلاحی است. اما این همکاری تنها با درک واقع‌بینانه از مخاطرات پیش‌رو و اتخاذ تصمیمات حمایتی هوشمندانه و ضرب‌الاجل‌داراز جانب سیاست‌گذاران میسر خواهد بود. ثبات صنعت برق، به معنای ثبات در تولید ملی، امنیت انرژی و آرامش معیشتی مردم است. بی‌ثباتی ارزی را باید با تدبیر مدیریت کرد، نه اینکه مدیریت صنعت را در کام آن رها کرد.



در دیدار هیئت مدیره سندیکا با وزیر نیرو تاکید شد؛

ضرورت تعیین تکلیف قراردادهای و مناقصات جاری

جلسه هیئت مدیره سندیکای صنعت برق ایران با وزیر نیرو با هدف بررسی چالش های صنعت برق، پیگیری مطالبات بخش خصوصی و تقویت همکاری های مشترک هفدهم دی ماه برگزار شد. در این نشست، رئیس و دبیر سندیکای صنعت برق ایران به نمایندگی از هیئت مدیره، ضمن قدردانی از تلاش های وزارت نیرو در راستای رفع ناترازی ها در بخش انرژی و توسعه زیرساخت های مرتبط، به معرفی ظرفیت ها و جایگاه سندیکای صنعت برق ایران پرداختند. در ادامه این جلسه تاکید شد که سندیکای صنعت برق ایران همواره همراه و هم راستای وزارت نیرو حرکت کرده و به عنوان نماینده زنجیره

تأمین صنعت برق، نقش مؤثری در پایداری و تداوم فعالیت این زنجیره ایفا می کند. به گفته نمایندگان سندیکا، توقف یا اختلال در هر بخش از زنجیره تأمین می تواند کل صنعت برق کشور را با چالش مواجه کند. رئیس و دبیر سندیکا با اشاره به مأموریت اصلی این تشکل، هدف سندیکا را تسهیل امور اعضا و انعکاس چالش ها و مطالبات فعالان صنعت برق به وزارت نیرو عنوان کردند و افزودند: سندیکا اگرچه تاکنون به عنوان یک ذی نفع مطالبه گر عمل کرده است، اما در نظر دارد جایگاه خود را به سطح «شریک راهبردی» وزارت نیرو ارتقا دهد. در همین راستا، نمایندگان هیئت مدیره سندیکا اعلام کردند که این

تشکل آمادگی دارد به عنوان بازوی مشورتی وزارت نیرو ایفای نقش کند و حضور مؤثر بخش خصوصی در جلسات تخصصی وزارت نیرو را ضروری دانستند تا از دانش نخبگانی و تجربه شرکت های عضو سندیکا در تصمیم سازی ها بهره برداری شود. به گفته نمایندگان سندیکا، محدودیت های نقدینگی و فشارهای مالی، امکان حضور و ماندگاری متخصصان صنعت برق را کاهش داده و این موضوع می تواند به تشدید پدیده فرار مغزها منجر شود. هدف اصلی سندیکا، ایجاد رونق در تمامی حلقه های زنجیره تأمین برق و جلوگیری از توقف فعالیت بخشی از این زنجیره عنوان شد؛ موضوعی که به گفته هیئت مدیره، نیازمند تصمیمات فوری و حمایتی در سطح کلان است.

جمع بندی تصمیمات و موارد مطرحه در جلسه سندیکا با وزیر نیرو

مقرر شد سندیکای صنعت برق تدوین استراتژی و ارائه راهبردهای عملیاتی را با هدف کمک به توسعه صنعت برق در شرایط بحرانی کشور بر عهده گیرد. دستور برگزاری جلسات مستمر و منظم بین سندیکا و وزارت نیرو به

معاونت برق و انرژی ابلاغ شد.

تصمیم بر تشکیل کمیته های تخصصی مشترک میان سندیکای صنعت برق و وزارت نیرو، با مدیریت آقای دکتر ارجمند، به منظور بررسی و حل مسائل و چالش های صنعت برق اتخاذ شد. درخواست اختصاص مبلغ حداقل ۵۰۰ میلیون دلار برای حمایت از شرکت های SME فعال در صنعت برق مطرح و مورد تأکید قرار گرفت. طولانی بودن صف تخصیص ارز، با مدت زمان حدود ۲۵۰ روز، به عنوان یکی از مشکلات جدی فعالان صنعت برق عنوان شد.

مقرر شد اطلاعات و داده های مورد نیاز از سوی وزارت نیرو، به منظور تدوین نقشه راه صنعت برق، در اختیار سندیکای صنعت برق قرار گیرد. با توجه به شرایط دشوار کشور، بر ضرورت همکاری و هم افزایی متقابل میان سندیکای صنعت برق و وزارت نیرو به عنوان دو بازوی اصلی توسعه این صنعت تأکید شد.

در ادامه این نشست، درخواست های مشخص سندیکای صنعت برق ایران از وزارت نیرو مطرح شد که از جمله آن ها می توان به تعیین تکلیف قراردادها و مناقصات جاری، تشکیل کارگروه ارزی از مرحله ثبت سفارش تا تأمین ارز و ترخیص کالا و تعیین تکلیف مطالبات شرکت های فعال در صنعت برق اشاره کرد.

نمایندگان سندیکا تأکید کردند که روش هایی مانند مولدسازی دارایی ها، انتشار اوراق مرابحه، اوراق خزانه و حواله محصول، راهکارهای پایدار برای حل مشکلات مالی شرکت ها نبوده و در عمل، چالش های جدیدی را برای بخش خصوصی ایجاد کرده است.

همچنین مذاکره وزارت نیرو با بانک های عامل به منظور کنترل و کاهش فشارهای مالی بر شرکت های خصوصی، از دیگر مطالبات مطرح شده در این جلسه بود.

سندیکای صنعت برق ایران در این نشست، آمادگی خود را برای مشارکت در تدوین بودجه، ارائه آمادگی های فنی، تدوین برنامه جامع صنعت برق کشور و همکاری کارشناسی با وزارت نیرو اعلام کرد. در همین راستا، اختصاص «میز خدمت» رسمی برای سندیکا در وزارت نیرو و شرکت توانیر، به عنوان یکی از مطالبات اجرایی مطرح شد.

تشکیل کارگروه های نتیجه گرا با ارائه گزارش های ماهانه و برگزاری جلسات فصلی با مقام عالی وزارت نیرو، و همچنین مذاکره با دستگاه های ذی ربط به منظور تهاتر اوراق خزانه با مطالبات بخش خصوصی، از دیگر پیشنهادها و درخواست های سندیکا در این جلسه بود.

در پایان این نشست، دو طرف بر تداوم گفت و گوها و تقویت تعامل میان وزارت نیرو و بخش خصوصی با هدف عبور از چالش های پیش روی صنعت برق کشور تأکید کردند.

در گوران تلاطم‌های ارزی



انتصابات جدید در وزارت نیرو

انتصاب رجبی مشهدی به عنوان سرپرست معاونت برق و انرژی
محمد اله داد سرپرست توانیر شد

رجبی مشهدی دانش‌آموخته دکترای مهندسی برق قدرت با رساله‌ای با درجه عالی است و بیش از ۱۵۰ مقاله در نشریات علمی و پژوهشی و کنفرانس‌های داخلی و بین‌المللی منتشر کرده است. همچنین تألیف پنج جلد کتاب در حوزه‌های فنی و اقتصادی صنعت برق را در کارنامه علمی خود دارد. لازم به ذکر است، محمد اله داد، پیش از این معاون هماهنگی توزیع توانیر بود و سابقه مدیریت دیسپاچینگ توزیع برق استان زنجان، عضویت هیئت مدیره توزیع برق جنوب کرمان، عضویت هیئت مدیره انجمن مهندسين برق و الکترونیک استان کرمان، معاونت بهره‌برداری و دیسپاچینگ توزیع برق شمال کرمان و ریاست هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت توزیع نیروی برق استان مرکزی را در کارنامه دارد.

با حکم وزیر نیرو، مصطفی رجبی مشهدی به عنوان سرپرست معاونت برق و انرژی وزارت نیرو منصوب شد. همچنین عباس علی‌آبادی طی حکمی محمد اله داد را به عنوان سرپرست شرکت مادر تخصصی مدیریت تولید، انتقال و توزیع نیروی برق ایران (توانیر)، منصوب کرد. شایان ذکر است مصطفی رجبی مشهدی دارای بیش از ۲۵ سال سابقه فعالیت در صنعت برق کشور در حوزه‌های نیروگاهی، بازار برق و دیسپاچینگ منطقه‌ای و همچنین معاونت راهبری شبکه برق کشور است. وی پیش از تصدی سمت معاونت برق و انرژی وزارت نیرو رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل شرکت مادر تخصصی توانیر بود و سابق بر آن نیز به عنوان مدیرعامل شرکت مدیریت شبکه برق ایران فعالیت می‌کرد.



بودجه ۱۴۰۵ و صنعت برق؛ از اصلاحات اسمی تا الزامات تحقق‌پذیری واقعی

گفتگو با **فرهاد شهرکی**؛ نایب رئیس اول کمیسیون انرژی مجلس



بودجه ۱۴۰۵ در هیاهوی سال ۱۴۰۴ بسته شده است؛ سالی که با جنگ و نااطمینانی همراه بود و تورم به‌طور مستمر روندی افزایشی داشت. در همان روزهایی که لایحه بودجه به مجلس تحویل داده می‌شد، کمی آن‌سوتر در بازار تهران اعتراض‌های عمومی در واکنش به افزایش نرخ ارز و بی‌ثباتی اقتصادی شکل گرفت.

فرهاد شهرکی نایب رئیس اول کمیسیون انرژی مجلس که بودجه سال ۱۴۰۵ را یکی از حساس‌ترین مقاطع سیاست‌گذاری مالی کشور در دهه اخیر می‌داند، می‌گوید: با توجه به تشدید ناترازی‌های کلان اقتصادی، فرسودگی زیرساخت‌های انرژی و انباشت بدهی‌های دولت به بخش خصوصی، باید از «بودجه‌نویسی بquamحور» عبور کرده و به سمت «بودجه‌ریزی اصلاح‌گر و قابل اجرا» حرکت کنیم. به گفته او، صنعت برق، به‌عنوان پیش‌ران تولید و در عین حال یکی از مزمن‌ترین کانون‌های ناترازی مالی، آئینه تمام‌نمای موفقیت یا ناکامی این بودجه خواهد بود.

این نماینده مجلس که معتقد است بودجه ۱۴۰۵ می‌تواند نقطه آغاز اصلاح تدریجی اقتصاد برق باشد، ادامه می‌دهد: آغاز اصلاحات مستلزم این است که از افزایش‌های اسمی و احکام کلی عبور کرده و به سمت واقع‌بینی منابع، قفل‌کردن تسویه بدهی‌ها و تقویت بازار و بهره‌وری حرکت کند. در غیر این صورت، صنعت برق بار دیگر هزینه تعویق تصمیم‌های سخت را خواهد پرداخت. متن کامل گفتگو با فرهاد شهرکی نایب رئیس اول کمیسیون انرژی مجلس را در ادامه می‌خوانید:

■ از دیدگاه شما، مهم‌ترین تفاوت‌های بودجه پیشنهادی سال ۱۴۰۵ با قانون بودجه ۱۴۰۴ و سال‌های پیش از آن چیست و این تفاوت‌ها چه تأثیری بر بخش‌های تولیدی به‌ویژه صنعت برق خواهد داشت؟

باید تأکید کنم که بودجه سال ۱۴۰۵ را می‌توان یکی از حساس‌ترین مقاطع سیاست‌گذاری مالی کشور در دهه اخیر دانست؛ مقطعی که هم‌زمان با تشدید ناترازی‌های کلان اقتصادی، فرسودگی زیرساخت‌های انرژی و انباشت بدهی‌های دولت به بخش خصوصی، ناگزیر باید از «بودجه‌نویسی بquamحور» عبور کرده و به سمت «بودجه‌ریزی اصلاح‌گر و قابل اجرا» حرکت کند.

مهم‌ترین تفاوت بودجه ۱۴۰۵ با قانون بودجه ۱۴۰۴ و سال‌های پیش از آن، چرخش تدریجی از تثبیت دستوری به سمت واقعی‌سازی کنترل‌شده قیمت

انرژی است. در این بودجه، اصلاح سازوکارهای تعرفه‌ای، به‌ویژه در برق، با تأکید بر تفکیک «مصرف متعارف» از «مصرف مازاد و پرمصرف»، برجسته‌تر شده است. این تغییر در صورت اجرای صحیح، می‌تواند بخشی از شکاف تاریخی میان قیمت تکلیفی برق و هزینه واقعی تولید را کاهش دهد.

در کنار آن، افزایش اسمی اعتبارات وزارت نیرو در لایحه ۱۴۰۵ مشاهده می‌شود؛ اما تجربه سال‌های گذشته نشان می‌دهد که افزایش اسمی بدون اصلاح ترکیب منابع، الزاماً به بهبود وضعیت مالی صنعت برق منجر نمی‌شود. آنچه تعیین‌کننده است، قابلیت وصول منابع، زمان تخصیص و عدم انحراف در هزینه‌کرد است. در فضایی که کسری عملیاتی بودجه همچنان بالاست، خطر آن وجود دارد که صنعت برق بار دیگر به «سپر جذب کسری» تبدیل شود.



مهم‌ترین
تفاوت بودجه
۱۴۰۵ با قانون
بودجه ۱۴۰۴ و
سال‌های پیش
از آن، چرخش
تدریجی از
تثبیت دستوری
به سمت
واقعی‌سازی
کنترل‌شده
قیمت انرژی
است.



بودجه‌نویسی برپایه‌اما و اگرها

گفتگو با جعفر قادری؛ رئیس کمیسیون حمایت از تولید مجلس شورای اسلامی

یکی از تحولات مهم در بودجه، ۱۴۰۵ تغییر رویکرد از بودجه‌نویسی سنتی به بودجه‌نویسی عملکردمحور است. بر اساس بخشنامه، دستگاه‌های اجرایی باید پرداخت‌ها را بر مبنای عملکرد و دستیابی به اهداف مشخص انجام دهند. این رویکرد را می‌توان به معنای پایان دادن به قانون‌گذاری‌های پنهان در بودجه و شفاف‌سازی تخصیص منابع دانست. با این وجود اما و اگرها درباره تحقق منابع درآمدی بودجه وجود دارد. این همان نکته‌ای است که جعفر قادری رئیس کمیسیون حمایت از تولید مجلس شورای اسلامی به آن اشاره می‌کند. او در گفتگو با خبرنگار ما همچنان نگران عدم تحقق منابع درآمدی و بزرگ‌تر شدن شکاف منابع درآمدی و هزینه‌هاست. او می‌گوید: دولت روی درآمدهایی حساب کرده که تحققشان وابسته به شرایطی است که در اختیارش نیست؛ فروش نفت در سایه تحریم، مالیات‌ستانی از اقتصادی که نفسش به شماره افتاده و واگذاری دارایی‌هایی که یا مشتری ندارند یا قبلاً فروخته شده‌اند. او همچنین با اشاره به سیاست دولت‌ها در کاهش یا حذف یارانه انرژی، می‌گوید: افزایش منابع وزارت نیرو از محل فروش برق، اگر صرفاً متکی بر افزایش تعرفه عمومی باشد، نه واقعی است و نه پایدار. سقف توان پرداخت خانوارها و حتی بخش تولید، محدود است و تجربه نشان داده که افزایش غیرهدفمند تعرفه‌ها، بیشتر به رشد مطالبات معوق و فشار اجتماعی منجر می‌شود تا به بهبود نقدینگی صنعت برق. متن کامل گفتگو با جعفر قادری رئیس کمیسیون حمایت از تولید و عضو کمیسیون اقتصادی مجلس را در ادامه می‌خوانید:

■ با توجه به تغییرات ساختاری اعمال شده در لایحه بودجه ۱۴۰۵، این لایحه را تا چه حد اجرایی و قابل تحقق می‌دانید؟ مجلس چه سازوکارهایی برای جلوگیری از فاصله گرفتن بودجه از واقعیت‌های اقتصادی در نظر گرفته است؟

از منظر کارشناسی، بودجه ۱۴۰۵ در سطح اسناد بالادستی، نشانه‌هایی از نظم‌بخشی و کاهش احکام پراکنده و بعضاً غیرقابل اجرا دارد، اما اجرایی بودن آن به شدت وابسته به واقع‌بینی در سمت منابع است. هرگونه خوش‌بینی افراطی در درآمدهای مالیاتی، واگذاری دارایی‌ها یا فروش حامل‌های انرژی، به سرعت خود را در نیمه دوم سال به صورت انباشت بدهی و توقف پروژه‌ها نشان خواهد داد.

در این میان، نقش مجلس به‌ویژه در کمیسیون تلفیق، تعیین‌کننده است. به نظر من پالایش منابع غیرقابل تحقق و حذف ردیف‌های کم‌تحقق؛ مشروط‌سازی هزینه‌ها به تحقق واقعی منابع؛ قفل کردن منابع حیاتی (به‌ویژه در برق) و جلوگیری از جابه‌جایی آن‌ها در خزانه و الزام دستگاه‌ها به گزارش‌دهی دوره‌ای و شفاف از تحقق احکام بودجه‌ای مهم‌ترین ابزارهای تقنینی برای کاهش فاصله بودجه با واقعیت اقتصادی هستند که می‌توان بدان اشاره کرد.

■ آیا در بودجه سال ۱۴۰۵ منابع مشخص و قابل اتکایی برای پرداخت با تهاثر مطالبات انباشته بخش خصوصی از وزارت نیرو پیش‌بینی شده است؟ این منابع چه تفاوتی با سال‌های گذشته دارد و چه تضمینی برای تحقق آن‌ها وجود دارد؟

صنعت برق ایران امروز با بدهی انباشته‌ای در حدود ۳۳۶ هزار میلیارد تومان (همت) مواجه است؛ رقمی که دیگر یک شاخص حسابداری صرف نیست، بلکه نشانه‌ای ساختاری از

اختلال در حکمرانی مالی، تنظیم‌گری تعرفه‌ای و سازوکارهای سرمایه‌گذاری در زنجیره تولید، انتقال و توزیع برق به شمار می‌آید. استمرار این وضعیت، پایداری شبکه، امنیت انرژی و توان پاسخ‌گویی به رشد تقاضا را در معرض ریسک‌های فزاینده قرار داده است.

با این اوصاف یکی از نقاط قانونی قضاوت درباره بودجه ۱۴۰۵، نحوه مواجهه با مطالبات انباشته بخش خصوصی از وزارت نیرو است. تجربه بودجه ۱۴۰۴ نشان داد که صرف پیش‌بینی احکام کلی برای تسویه بدهی‌ها کافی نیست؛ بلکه نوع ابزار تسویه (نقدی، شبه‌نقدی، اوراق، تهاثر)، سرعت اجرا و قطعیت تخصیص اهمیت دارد.

در بودجه ۱۴۰۵، اگر منابع تسویه مطالبات صریح، قابل ردیابی و غیرمشروط باشند، به صورت نقدی یا ابزارهای با نقدشوندگی بالا طراحی شوند و اولویت آن‌ها به زنجیره‌هایی داده شود که بیشترین اثر را بر ناترازی تولید دارند، می‌توان به ترمیم اعتماد بخش خصوصی امیدوار بود. در غیر این صورت، سرمایه‌گذاری جدید در صنعت برق همچنان در حد شعار باقی خواهد ماند.

■ به نظر شما لایحه ارایه شده تا چه اندازه در راستای حل مشکلات صنعت برق تدوین شده و تا چه اندازه در این صنعت می‌تواند راه گشا باشد؟

به باور من بودجه ۱۴۰۵ می‌تواند نقطه آغاز اصلاح تدریجی اقتصاد برق باشد، اما تنها به شرطی که از افزایش‌های اسمی و احکام کلی عبور کرده و به سمت واقع‌بینی منابع، قفل کردن تسویه بدهی‌ها و تقویت بازار و بهره‌وری حرکت کند. در غیر این صورت، صنعت برق بار دیگر هزینه تعویق تصمیم‌های سخت را خواهد پرداخت و ناترازی تولید و مصرف به سال‌های بعد منتقل می‌شود؛ با هزینه‌ای به مراتب سنگین‌تر برای اقتصاد و رفاه عمومی.



صنعت برق
ایران امروز با
بدهی انباشته‌ای
در حدود ۳۳۶
هزار میلیارد
تومان (همت)
مواجه است؛
رقمی که دیگر
یک شاخص
حسابداری صرف
نیست.



شکل نخواهد گرفت.

برق صرفاً یک عدد در جدول بودجه خواهد بود، نه یک ابزار حل مسئله.

■ مهم‌ترین فرصت‌های پیش‌بینی‌شده در لایحه بودجه ۱۴۰۵ برای جذب سرمایه‌گذاری در صنعت برق و رفع ناترازی تولید و مصرف چیست؟ مجلس چه نقشی در تبدیل این ظرفیت‌ها به فرصت‌های عملی ایفا خواهد کرد؟

بودجه ۱۴۰۵، بالقوه می‌تواند بستر سه فرصت راهبردی برای صنعت برق باشد. نخست اینکه با این سند دخل و خرج می‌توان ثبات نسبی در سیاست تعرفه‌ای و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری ایجاد کرد. از طرفی اجرای درست این لایحه خود به تقویت بازار برق و کاهش تصدی‌گری دولت در خرید و فروش می‌تواند منجر شود. اما فرصت دیگر پیش‌بینی شده در این لایحه هدایت منابع محدود دولتی به گلوگاه‌های شبکه انتقال، فوق‌توزیع و هوشمندسازی است که نمی‌توان نسبت به اهمیت آن بی‌اعتنا بود. به نظر من نقش مجلس در این مسیر، تبدیل احکام کلی به تکالیف قابل سنجش با شاخص، زمان‌بندی و متولی مشخص و نیز حذف مقررات متداخل و بی‌ثبات‌کننده است. بدون ثبات مقرراتی، هیچ سرمایه‌گذاری بلندمدتی

می‌شوند. فاصله میان این دو، همان شکافی است که اسمش کسری بودجه است و در بودجه ۱۴۰۵، عمیق‌تر و خطرناک‌تر از قبل به نظر می‌رسد.

■ آیا در بودجه سال ۱۴۰۵ منابع مشخص و قابل اتکایی برای پرداخت یا تهاثر مطالبات انباشته بخش خصوصی از وزارت نیرو پیش‌بینی شده است؟ همگی به خوبی می‌دانیم تعرفه‌های تکلیفی برق سال‌ها کمتر از هزینه تمام‌شده واقعی تعیین شده‌اند. از طرفی قراردادهای خرید تضمینی هم در بسیاری مواقع به درستی اجرا نشده و معمولاً قراردادهای خرید به صورت یک طرفه و به نفع دولت وضع شده است. مجموعه همه این سیاست‌گذاری‌های اشتباه، صنعت برق را در شرایط بحرانی قرار داده است. عبور از این وضعیت، نه با تزریق منابع مقطعی، بلکه با اصلاح هم‌زمان تعرفه، یارانه، تنظیم‌گری و قراردادهای ممکن است. هر تأخیر، هزینه آینده را بزرگ‌تر و مسیر پایداری شبکه را پرریسک‌تر می‌کند.

■ در بخش برق، افزایش منابع درآمدی وزارت نیرو از محل فروش برق پیش‌بینی شده است؛ با توجه به محدودیت توان پرداخت مشترکان، این افزایش را تا چه حد واقعی و مؤثر در حل مشکلات مالی صنعت برق ارزیابی می‌کنید؟

افزایش منابع وزارت نیرو از محل فروش برق، اگر صرفاً متکی بر افزایش تعرفه عمومی باشد، نه واقعی است و نه پایدار. سقف توان پرداخت خانوارها و حتی بخش تولید، محدود است و تجربه نشان داده که افزایش غیرهدفمند تعرفه‌ها، بیشتر به رشد مطالبات معوق و فشار اجتماعی منجر می‌شود تا به بهبود نقدینگی صنعت برق.

در مقابل، این افزایش زمانی می‌تواند مؤثر باشد که بر چهار پایه حمایت کامل از مصرف تا سقف الگوی مصرف، اعمال تعرفه‌های بازدارنده برای پرمصرف‌ها، گسترش بازار برق و قراردادهای رقابتی و بلندمدت و کاهش تلفات شبکه و ارتقای بهره‌وری فنی استوار باشد. بدون این پیش‌شرط‌ها، افزایش درآمد فروش

■ از دیدگاه شما، مهم‌ترین تفاوت‌های بودجه پیشنهادی سال ۱۴۰۵ با قانون بودجه ۱۴۰۴ و سال‌های پیش از آن چیست و این تفاوت‌ها چه تأثیری بر بخش‌های تولیدی به‌ویژه صنعت برق خواهد داشت؟

بررسی اجزای لایحه بودجه دولت نشان می‌دهد که فشار بودجه برای سال ۱۴۰۵ عمدتاً روی دوش مردم است. یعنی مالیات‌ها به‌شدت افزایش یافته که فشار آن هم معمولاً بر بخش مولد و شناسنامه‌دار اقتصاد است و اوراق زیادی هم منتشر می‌شود که نتیجه مشترک این دو، تشدید رکود تورمی است. بدون شک در شرایط رکودی فشار بیشتر روی واحدهای صنعتی، بخش تولید را ضعیف‌تر از گذشته خواهد کرد. در این میان صنعت برق که خود از اقتصاد ناتراز طی سال‌های گذشته آسیب فراوانی دیده، در صورت ادامه این رفتارهای اشتباه ورشکسته‌تر خواهد شد. اما مجلس به دنبال اصلاح این رویه اشتباه در قانون‌های همچون مانع‌زدایی از صنعت برق یا قانون رفع موانع تولید بوده است.

همچنین قرار است که سندهای دخل و خرج دولت به نوعی در مسیر تحقق اهداف برنامه‌های توسعه‌ای تدوین شوند. به عنوان مثال ظرفیت تولید برق باید به ۱۲۳ هزار مگاوات برسد. یعنی سالی ۶ هزار مگاوات باید به وضع موجود اضافه شود. اگر در قانون بودجه جهت‌گیری در این زمینه وجود داشته باشد یا نداشته باشد، باید اصلاح شود.

■ با توجه به تغییرات ساختاری اعمال‌شده در لایحه بودجه ۱۴۰۵، این لایحه را تا چه حد اجرایی و قابل تحقق می‌دانید؟

دولت روی درآمدهایی حساب کرده که تحققشان وابسته به شرایطی است که در اختیارش نیست؛ فروش نفت در سایه تحریم، مالیات‌ستانی از اقتصادی که نفشش به شماره افتاده و واگذاری دارایی‌هایی که یا مشتری ندارند یا قبلاً فروخته شده‌اند. در سوی دیگر، هزینه‌ها ایستاده‌اند؛ حقوق، یارانه‌ها، بازپرداخت بدهی‌ها و هزینه‌های جاری که هر سال بزرگ‌تر



دولت روی درآمدهایی حساب کرده که تحققشان وابسته به شرایطی است که در اختیارش نیست؛ فروش نفت در سایه تحریم، مالیات‌ستانی از اقتصادی که نفشش به شماره افتاده و واگذاری دارایی‌هایی که یا مشتری ندارند یا قبلاً فروخته شده‌اند.



مالی کشور برای سال آتی را واکاوی می‌کند.

لایحه‌ای با ضعف‌های کلیدی در مدیریت بحران‌های اقتصادی

محمود نجفی عرب، رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران در یادداشتی که در سایت اتاق ایران منتشر شده، عنوان کرده است: «اگرچه لایحه مزبور در برخی حوزه‌ها شامل اقدامات مثبت در جهت افزایش سهم منابع پایدار و مدیریت بدهی‌ها است؛ اما در بخش‌هایی دارای نقاط ضعف ساختاری قابل توجه بوده و نیازمند اصلاحات اساسی است».



محمود نجفی عرب:
استمرار استقراض دولت
از منابع صندوق توسعه
ملی برای تأمین کسری
بودجه، افزایش سالانه
تسهیلات تکلیفی بر
سیستم بانکی معیوب
و کاهش توان بانک‌ها
در تأمین مالی بخش
تولید، فشار مضاعفی بر
کارآفرینان وارد می‌کند،
از سرمایه‌گذاران بالقوه
از ورود به فعالیت‌های
اقتصادی منصرف
می‌شوند.

رئیس اتاق تهران اولین محوری را که نیازمند بازنگری و اصلاح است، به این صورت تشریح کرده است: «با توجه به اینکه سال ۱۴۰۵ سومین سال اجرای برنامه توسعه هفتم است و بودجه سالانه به عنوان ابزار عملیاتی و یک‌ساله تحقق اهداف پنج‌ساله برنامه توسعه تلقی می‌شود، ضروری است که سیاست‌ها و راهبردهای مشخص برای دستیابی به اهداف توسعه‌ای در قالب بودجه سالانه پایه‌گذاری و شفاف‌سازی شود. لیکن در لایحه پیشنهادی بودجه، سازوکارها و سیاست عملیاتی حتی برای نزدیک شدن به اهداف کلان برنامه توسعه مشخص و قابل رصد نیستند که این مسئله می‌تواند کارایی بودجه‌ریزی و نقش بودجه به عنوان ابزار راهبردی سیاست‌گذاری توسعه‌ای را تضعیف کند.»

او در دومین محور تأمین حدود ۱۴۰۰ همت از هزینه‌های بودجه از محل استقراض را یادآوری کرده و هشدار داده که این میزان استقراض فشار تورمی و بدهی عمومی را در سال‌های آتی افزایش می‌دهد. افزایش استقراض بدون برنامه بازپرداخت مشخص، پایداری مالی کشور را تهدید می‌کند.

به دولت از لحاظ درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار بالغ بر ۸۸ میلیارد و ۹۶۶ میلیون و ۲۶۹ هزار و ۸۲۳ میلیون ریال و از حیث هزینه‌ها و سایر پرداخت‌ها بالغ بر ۸۸ میلیارد و ۹۶۶ میلیون و ۲۶۹ هزار و ۸۲۳ میلیون ریال پیش‌بینی شده است.

بر اساس پیش‌بینی‌های انجام شده میزان انتشار اوراق مالی اسلامی دولت برای مصارف بودجه عمومی به ۹۴۰ میلیارد ریال جدید رسیده و نسبت به سال گذشته ۲۵ درصد افزایش یافته است. به علاوه سهم بودجه عمرانی از کلیه مصارف دولت معادل ۱۵ درصد در نظر گرفته شده است.

درآمدهای مالیاتی ۸۷ درصد کل درآمدهای دولت را شامل خواهد شد، ضمن اینکه منابع حاصل از حذف ارز ترجیحی برابر ۵۷۲ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شده است. ضمن اینکه براساس جداول لایحه بودجه سال ۱۴۰۵، در مجموع ۲ درصد به نرخ قانونی مالیات بر ارزش افزوده در سال آینده اضافه شده و به ۱۲ درصد خواهد رسید و درآمد دولت از محل فروش نفت و فرآورده‌های نفتی و گاز بالغ بر ۲۶۳ هزار و ۳۸۵ میلیارد تومان درآمد خواهد بود.

لایحه بودجه ۱۴۰۵ که با مشخصات فوق به مجلس تقدیم شده، قرار بود منطبق با شرایط واقعی اقتصاد کشور، به کاهش سطح ناترازی مالی کمک کرده و زمینه را برای حل مشکلاتی مانند تورم مزمن، رکود در بخش تولید، کاهش قدرت خرید خانوارها، افت سرمایه‌گذاری و نااطمینانی گسترده در فضای کسب‌وکار فراهم کند. با این حال به نظر می‌رسد که لایحه تدوین شده برای بودجه ۱۴۰۵ فاقد چنین کارکردی است.

متن پیش رو مروری بر مهمترین اظهارات و دیدگاه‌های مدیران ارشد اتاق بازرگانی در خصوص مهمترین ویژگی‌های لایحه بودجه ۱۴۰۵ است و برداشتی کلی از رویکردهای بخش خصوصی نسبت به مهمترین سند

بیم‌ها و ناامیدی‌های بودجه ۱۴۰۵

لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ کل کشور این روزها در حال بررسی در مجلس شورای اسلامی است. بر اساس این لایحه، منابع و مصارف بودجه سال آینده کشور رقمی بالغ بر یکصد و ۵۵ میلیارد و یکصد و ۳۳ میلیون و ۱۷ هزار و ۲۷۵ میلیون ریال خواهد بود. منابع عمومی بالغ بر ۶۲ میلیارد و ۷۸۱ میلیون و ۲۵۶ هزار و ۹۲۷ میلیون ریال خواهد بود و همچنین درآمد اختصاصی وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی ۷ میلیارد و ۴۷۷ میلیون و ۵۸۵ هزار و ۲۹۲ میلیون ریال در نظر گرفته شده است. همچنین در این لایحه بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و موسسات انتفاعی وابسته



فقدان یک خط مشی مشخصی برای توسعه اقتصاد دیجیتال و هوشمندسازی، با وجود تأکید بند ۳ ماده ۴۸ و بند خ ماده ۱۰۷ برنامه هفتم توسعه، بلا تکلیفی بدهی دولت وعدم برنامه رفع ناترازی بانکها، رشد ۳۹ درصدی بودجه شرکت‌های دولتی و همچنین ادامه روند معیوب تخصیص یارانه انرژی از مهمترین نقاط ضعف لایحه بودجه ۱۴۰۵ از نگاه رئیس اتاق ایران است.

او در این نگاشت همچنین عنوان کرده است: «افزایش ۴۶ درصدی مالیات اشخاص حقوقی می‌تواند فشار مضاعف بر واحدهای تولیدی و خانوار ایجاد کند. ظرفیت سرمایه‌گذاری و نقدینگی بخش خصوصی را محدود سازد. این در حالی است که در بسیاری از اقتصادهای پیشرفته و در شرایط رکود تورمی،

سیاست‌های مالیاتی معمولاً به گونه‌ای طراحی می‌شوند که با معافیت یا کاهش مالیات اشخاص حقوقی و حمایت از تولید، اثر رکود بر فعالیتهای اقتصادی کاهش یابد».

نجفی عرب در بخش دیگری از یادداشتش، عدم همخوانی رشد ۲۰ درصدی حقوق با تورم ۵۰ درصدی را که منجر به کاهش قدرت خرید و افزایش فقر و نارضایتی اقشار حقوق‌بگیر خواهد شد، یادآوری و تصریح کرده است: «عدم افزایش متناسب درآمدها با نرخ تورم سالانه، منجر به کاهش قدرت خرید و گسترش فقر در میان شاغلین و بازنشستگان خواهد شد؛ رشد حقوق پیشنهادی ۲۰ درصد، تنها بخشی از اثر کاهش قدرت خرید را جبران می‌کند و پاسخگوی کامل به فشار تورمی نیست».

این فعال اقتصادی به کاهش بودجه عمرانی و تخریب زیرساخت‌ها و کاهش توان تولید ملی به عنوان یکی از نقاط ضعف اصلی لایحه بودجه ۱۴۰۵ اشاره و خاطرنشان کرده است: «فروش ۹۵۰ همت اوراق در بازار سرمایه، فشار مضاعفی بر تأمین مالی تولید و بازار سرمایه ایجاد و مانع سرمایه‌گذاری بخش خصوصی خواهد شد. ضمن اینکه حذف ارز ترجیحی و افزایش نرخ ارز مبنای گمرکی به ۸۵ هزار تومان، نیاز واحدهای

تولیدی به نقدینگی را افزایش می‌دهد و فشار بر بنگاه‌های آسیب‌پذیر را تشدید می‌کند».

او در مورد استمرار استقراض دولت از منابع صندوق توسعه ملی برای تأمین کسری بودجه، افزایش سالانه تسهیلات تکلیفی بر سیستم بانکی معیوب و کاهش توان بانک‌ها در تأمین مالی بخش تولید هشدار داده و عنوان کرده است: «این مساله فشار مضاعفی بر کارآفرینان وارد می‌کند، به گونه‌ای که بسیاری از سرمایه‌گذاران بالقوه از ورود به فعالیتهای اقتصادی منصرف می‌شوند. به علاوه افزایش استقراض دولت از سیستم بانکی و عدم تسویه آن، موجب انباشت بدهی‌های دولتی و تنگ‌تر شدن فضای تأمین مالی برای واحدهای تولیدی می‌شود، به گونه‌ای که بسیاری از بنگاه‌های کوچک و متوسط را به تعطیلی و کاهش فعالیت اقتصادی ناگزیر می‌کند».

مختصات غیرواقعی بودجه ۱۴۰۵

قدیر قیافه، نایب رییس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران هم در یادداشتی که با عنوان «فاصله بودجه با واقعیت‌های اقتصادی» در روزنامه اعتماد منتشر شده، با اشاره به اینکه انتظار می‌رفت بودجه سال آینده بر پایه واقعیت‌های اقتصادی و باهدف اصلاح ناترازی‌ها و کاهش فشار بر معیشت مردم تنظیم شود، از برآورده نشدن این انتظار خبر داده و نوشته است: «رویکرد حاکم بر بودجه، به‌ویژه در بخش درآمدها، فاصله قابل توجهی با شرایط واقعی اقتصاد کشور داشت. افزایش چشمگیر سهم مالیات‌ها در تأمین منابع دولت، در حالی در دستور کار قرار گرفت که بخش بزرگی از اقتصاد در وضعیت رکودی قرار داشت. همزمان، اتکای بودجه به درآمدهای نفتی نیز با ابهام‌ها و محدودیت‌های جدی همراه بود. تجربه سال‌های گذشته نشان داده بود که تحقق درآمدهای نفتی، به دلیل تحریم‌ها و محدودیت‌های فروش، همواره با ریسک بالا همراه بوده است. ترکیب این دو



قدیر قیافه:

تعویق اصلاح ناترازی‌ها، به معنای انباشت مشکلات برای سال‌های آینده ارزیابی شد. در واقع، هزینه ناکارآمدی‌های امروز به نسل‌های بعدی منتقل شد؛ نسلی که باید بار تصمیمات نادرست و اصلاحات انجام نشده را به دوش بکشد.

عامل، یعنی افزایش فشار مالیاتی و ابهام در فروش نفت، زمینه تشدید رکود تورمی را فراهم کرد.

قیافه عدم همخوانی اعداد و ارقام درج شده در بودجه با واقعیت‌های اقتصادی کشور را ضعف جدی این لایحه برمی‌شمرد و تصریح می‌کند: «این‌عدم تطابق، خطر بروز تورم‌های شدیدتر را تقویت کرد؛ تورمی که در صورت تداوم، امکان کنترل آن از دست سیاست‌گذاران خارج می‌شد. نادیده گرفتن مبانی علمی بودجه‌نویسی و اصول شناخته شده اقتصاد، پیامدهایی فراتر از یک‌سال مالی به همراه داشت و اقتصاد کشور را در مسیر بی‌ثباتی بیشتر قرار داد.

نایب رئیس اتاق ایران نبود نظام ارزیابی عملکرد و فقدان شفافیت در نحوه هزینه‌کرد منابع را یادآور می‌شود و تصریح می‌کند که چنین رویکردی، این تردید را تقویت می‌کند که تخصیص بودجه، نه براساس کارآمدی، بلکه بر پایه ملاحظات غیر اقتصادی انجام شده است. در چنین شرایطی، افزایش بودجه این نهادها، به جای آنکه به بهبود وضعیت فرهنگی منجر شود، فشار بیشتری بر منابع محدود دولت وارد کرد.

او در بخش دیگری از این یادداشت، عنوان کرده است: «تعویق اصلاح ناترازی‌ها، به معنای انباشت مشکلات برای سال‌های آینده ارزیابی شد. در واقع، هزینه ناکارآمدی‌های امروز به نسل‌های بعدی منتقل شد؛ نسلی که باید بار تصمیمات نادرست و اصلاحات انجام نشده را به دوش بکشد. اگر اصلاحات ساختاری در بودجه انجام نمی‌شد و اصول علم اقتصاد مبنای تصمیم‌گیری قرار نمی‌گرفت، شرایط اقتصادی در سال‌های آینده نامناسب‌تر از وضعیت کنونی برآورد می‌شد.

این فعال اقتصادی ساختار مالیاتی بودجه را هم یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف آن می‌داند و عنوان می‌کند: «بخش عمده‌ای از درآمدهای پیش‌بینی شده دولت از محل مالیات تأمین شد، اما پرسش اساسی این بود که این مالیات‌ها از چه کسانی اخذ می‌شد. در عمل، بار اصلی مالیات همواره بر دوش فعالان اقتصادی شناسنامه‌دار، تولیدکنندگان رسمی و بنگاه‌هایی قرار داشت که سال‌ها سهم خود را به دولت پرداخت کرده بودند. این در حالی بود که بخش‌های نامرئی اقتصاد و فعالیتهای غیررسمی، سهم ناچیزی در تأمین منابع مالیاتی داشتند یا عملاً خارج از چرخه مالیات‌ستانی باقی مانده بودند».

قیافه فشار مضاعف ناشی از عدم توازن در منابع و مصارف بودجه را منجر به کاهش تقاضا، افزایش هزینه‌های تولید و



محدودیت نقدینگی دانسته و تصریح می‌کند که نتیجه این وضعیت، خروج برخی بنگاه‌ها از مدار تولید و فعالیت اقتصادی بود؛ اتفاقی که پیامدهای آن به کل جامعه منتقل شد.

در بخش دیگری از یادداشت نایب رئیس اتاق ایران عنوان شده است: «تعطیلی یا تضعیف بنگاه‌ها، به افزایش بیکاری، کاهش درآمد خانوارها و تشدید مشکلات معیشتی انجامید. حتی اگر این پیامدها در کوتاه‌مدت پنهان می‌ماند، واقعیت‌های اقتصادی در نهایت خود را نشان داد و امکان گریز از آن‌ها با آمارسازی یا تعویق تصمیمات وجود نداشت. افزایش بیکاری، علاوه بر آثار اقتصادی، پیامدهای اجتماعی گسترده‌ای به همراه داشت و سطح نارضایتی عمومی را افزایش داد».

افزایش مالیات بر ارزش افزوده از ۱۰ به ۱۲ درصد و فشارهای معیشتی ناشی از آن، موضوع دیگری است که در این یادداشت به آن اشاره و تأکید شده است: «این نوع مالیات به صورت زنجیره‌ای از تولید تا مصرف منتقل شد و در نهایت، مصرف‌کننده نهایی هزینه آن را پرداخت کرد. در شرایطی که قدرت خرید خانوارها کاهش یافته بود، چنین تصمیمی به هیچ‌وجه به بهبود معیشت مردم کمک نکرد و فشار تورمی را تشدید کرد».

برداشت کلی نایب رئیس اتاق ایران از بودجه سال آینده این است که بودجه‌ای با این مختصات نه به افزایش قدرت خرید مردم انجامید و نه به کاهش بحران معیشتی منجر شد. بدون اصلاح نگاه حاکم بر بودجه، کاهش هزینه‌های ناکارآمد، گسترش پایه‌های واقعی مالیاتی و حمایت عملی از تولید، اقتصاد کشور در مسیر رکود تورمی باقی ماند و هر سال با چالش‌های عمیق‌تری مواجه شد؛ چالش‌هایی که بی‌توجهی به آن‌ها، هزینه‌های سنگین‌تری را در آینده بر کشور تحمیل کرد.

در نگاهی کلی باید گفت که به نظر می‌رسد نگاه بخش خصوصی به لایحه بودجه ۱۴۰۵ آتقدرها امیدوارانه نیست. چرا که ترکیب سیاست‌های بودجه‌ای سال آینده نشان می‌دهد با افزایش مالیات و حذف ارز ترجیحی فشار هزینه‌ای بیشتری به صنایع به‌ویژه غذا، دارو و تولیدات مصرفی وارد شده و افزایش قیمت انرژی و مالیات بر ارزش افزوده، بهای تمام‌شده تولید را افزایش داده و حاشیه سود صنایع را محدود می‌کند. از این رو شاید به سادگی نتوان قضاوت درستی درباره کارآمدی بودجه ۱۴۰۵ در شرایط فعلی اقتصاد کشور داشت. باید منتظر ماند و دید که این سند مالی استراتژیک سال آینده با چه کیفیت و ابعادی، ساختار اقتصادی کشور را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

بررسی تحلیلی وضعیت مالی بخش برق در لایحه بودجه سال ۱۴۰۵

علیرضا اسدی

معاون پژوهشی و برنامه ریزی
سندیکا

رکسانا اسدی منش

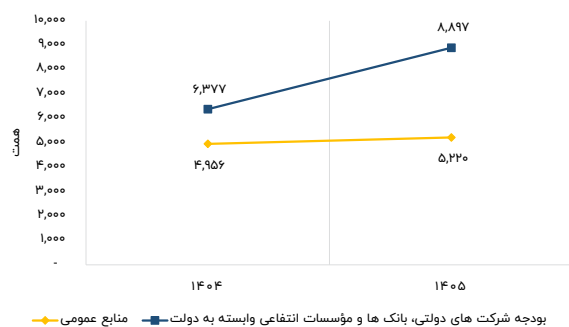
کارشناس پژوهشی سندیکا

مقدمه

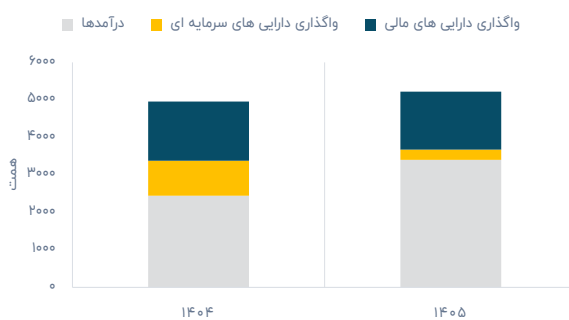
صنعت برق ایران طی دهه گذشته با ناترازی مالی ساختاری، انباشت بدهی‌ها، کاهش جذابیت سرمایه‌گذاری و فرسودگی دارایی‌های شبکه مواجه بوده است. لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ در شرایطی تدوین شده که این چالش‌ها به مرحله‌ای رسیده‌اند که تداوم وضعیت موجود، پایداری عرضه برق را با مخاطره مواجه می‌کند. این مقاله با اتکا به داده‌های مندرج در جداول بودجه و پژوهش‌های سندیکای صنعت برق ایران، به بررسی تفصیلی جایگاه بخش برق در لایحه بودجه ۱۴۰۵ می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد اگرچه در این

نشریه سراسری سندیکای صنعت برق ایران

ستبران



نمودار ۱- بودجه ۱۴۰۵- (هکت)



نمودار ۲- منابع بودجه عمومی - میلیارد ریال (هکت)

میلیارد تومان رسیده است. علاوه بر این، درآمدهای اختصاصی دستگاه‌های اجرایی نیز با رشد قابل توجه ۷۱ درصدی به ۷۳۴ هزار میلیارد تومان افزایش یافته که این منابع به‌طور کامل برای تأمین هزینه‌های همان دستگاه‌ها مصرف خواهد شد (نمودار ۱).

از منظر ترکیب منابع، بودجه عمومی دولت متکی بر سه پایه اصلی شامل درآمدها (به‌ویژه مالیات)، واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای و واگذاری دارایی‌های مالی است. در این چارچوب، منابع حاصل از درآمدها با رشدی معنادار و در حدود ۳۹ درصد به ۳۴۰ هزار میلیارد تومان افزایش یافته، در حالی که منابع ناشی از واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای، عمدتاً ناشی از فروش نفت و فرآورده‌های نفتی، با کاهشی چشمگیر و در حدود ۷۰ درصد به ۲۷۵ هزار میلیارد تومان تنزل یافته است. سهم فروش اوراق مالی در تأمین کسری بودجه نیز با کاهش جزئی ۲ درصدی، معادل ۱۵۴۳ هزار میلیارد تومان برآورد شده است (نمودار ۲).

لایحه نشانه‌هایی از تغییر رویکرد سیاست‌گذار، از جمله افزایش بودجه عمومی برق، پذیرش بخشی از پیشنهادات سندیکا و اصلاح تدریجی سیاست‌های قیمتی مشاهده می‌شود، اما فاصله معناداری میان نیازهای واقعی صنعت برق و منابع پیش‌بینی‌شده همچنان پابرجاست. مقاله در پایان، ضمن ارائه ارزیابی بودجه برق، بر ضرورت تداوم اصلاحات ساختاری و نقش‌آفرینی نهادهای تخصصی در سیاست‌گذاری مالی تأکید می‌کند.

۱. مقدمه: بودجه و مسأله پایداری مالی صنعت برق

بودجه عمومی دولت، فراتر از یک سند حسابداری، بازتابی از اولویت‌های سیاست‌گذار و ابزار اصلی تخصیص منابع در اقتصاد است. برای بخش‌های زیرساختی نظیر صنعت برق، بودجه نه تنها تعیین‌کننده میزان منابع مالی در دسترس، بلکه سیگنالی مهم برای سرمایه‌گذاران، پیمانکاران و تولیدکنندگان برق محسوب می‌شود. صنعت برق ایران در دهه‌های گذشته با شکاف فزاینده میان قیمت تمام‌شده و قیمت فروش برق مواجه بوده است. این شکاف که ریشه در سیاست‌های قیمت‌گذاری تکلیفی دارد، منجر به ناترازی مالی مزمن در شرکت‌های تابعه وزارت نیرو شده و پیامدهایی همچون انباشت بدهی‌ها، کاهش توان سرمایه‌گذاری و افزایش ریسک فعالیت بخش خصوصی را به همراه داشته است. در چنین شرایطی، لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ می‌تواند نشانه‌ای از تداوم یا اصلاح این مسیر باشد.

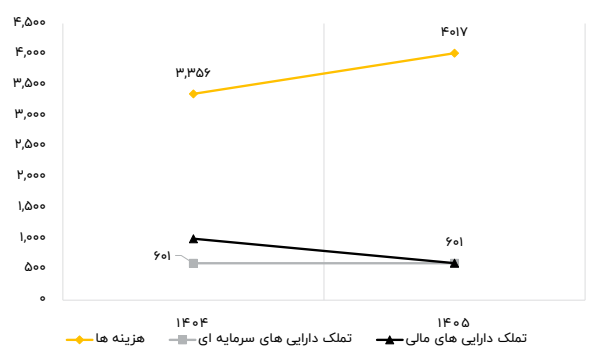
۲. چارچوب کلان لایحه بودجه ۱۴۰۵ و پیامدهای آن برای زیرساخت‌ها

لایحه بودجه ۱۴۰۵ بر اساس آیین‌نامه جدید مجلس شورای اسلامی تدوین شده و برخلاف بودجه‌های سنوات گذشته، فاقد بخش مستقل احکام است. این تغییر ساختاری، تحلیل سیاست‌های بخشی را بیش از پیش وابسته به جداول منابع و مصارف می‌کند. بودجه سالانه دولت در لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ از دو بخش اصلی، شامل بودجه عمومی و بودجه شرکت‌ها و مؤسسات دولتی تشکیل شده است. در این لایحه، بودجه عمومی دولت با رشدی محدود و در حدود ۵ درصد نسبت به سال قبل، به ۵۲۰ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است؛ در مقابل، بودجه شرکت‌های دولتی رشدی به‌مراتب بالاتر و در حدود ۴۰ درصد را تجربه کرده و به ۸۸۹۷ هزار

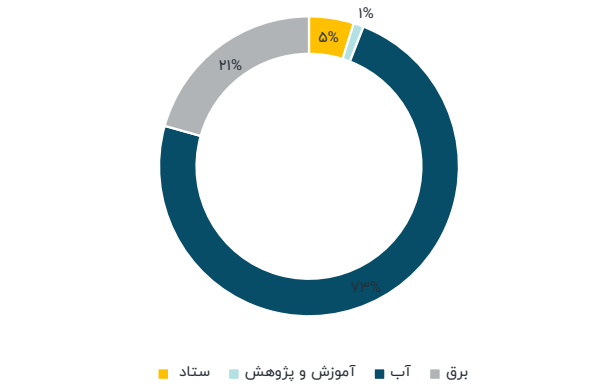
۱. تحلیل‌های ارائه شده در این مقاله بر اساس لایحه بودجه ۱۴۰۵ می‌باشد که در تاریخ ۲ دی ماه توسط دولت به مجلس شورای اسلامی ارائه گردیده بود. کلیات این لایحه در زمان انتشار مقاله توسط کمیسیون تلفیق بودجه مجلس رد شد.

در سمت مصارف، ساختار بودجه همچنان ماهیتی هزینه‌محور دارد؛ به‌گونه‌ای که هزینه‌های جاری دولت با رشدی حدود ۲۰ درصد به ۴۰۱۷ هزار میلیارد تومان رسیده و در مجموع حدود ۷۷ درصد از بودجه عمومی را به خود اختصاص داده است. در مقابل، اعتبارات طرح‌های عمرانی بدون رشد نسبت به سال قبل و در سطح ۶۰۱ هزار میلیارد تومان تثبیت شده که تنها حدود ۱۲ درصد از بودجه عمومی را تشکیل می‌دهد؛ ترکیبی که از تداوم محدودیت‌های سرمایه‌گذاری عمرانی و فشار بر بخش‌های زیرساختی کشور حکایت دارد (نمودار ۳).

بررسی ارقام کلان نشان می‌دهد بودجه عمومی دولت رشدی محدود داشته، در حالی که سهم هزینه‌های جاری همچنان غالب است و اعتبارات عمرانی بدون رشد معنادار باقی مانده‌اند. این ترکیب، از منظر توسعه زیرساخت‌ها، نگران‌کننده است؛ چراکه بخش‌هایی مانند صنعت برق برای حفظ پایداری شبکه و پاسخ به رشد تقاضا، نیازمند سرمایه‌گذاری مستمر هستند. از منظر منابع،



نمودار ۳- مصارف بودجه عمومی (همت)



نمودار ۴- بودجه عمومی وزارت نیرو در سال ۱۴۰۴- همت (میلیارد ریال جدید)

افزایش اتکای دولت به درآمدهای مالیاتی و کاهش شدید درآمدهای حاصل از فروش دارایی‌های سرمایه‌ای، فضای مانور مالی دولت را محدودتر کرده است. این وضعیت، رقابت میان بخش‌ها برای جذب منابع بودجه‌ای را تشدید می‌کند و اهمیت چانه‌زنی نهادهای بخش برق را افزایش می‌دهد.

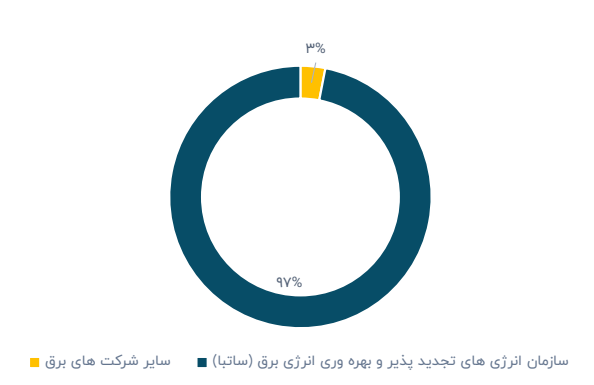
۳. جایگاه وزارت نیرو و بخش برق در بودجه عمومی

مطابق جداول بودجه، مجموع بودجه عمومی وزارت نیرو در سال ۱۴۰۵ حدود ۱۱۰ هزار میلیارد تومان برآورد شده است که سهمی نزدیک به ۲ درصد از کل بودجه عمومی کشور را تشکیل می‌دهد. درون این سبد، بخش آب با ۸۱ همت همچنان سهم غالب را دارد و بخش برق حدود ۲۲/۸ همت یک‌پنجم مصارف بودجه عمومی وزارت نیرو را به خود اختصاص داده است (نمودار ۴).

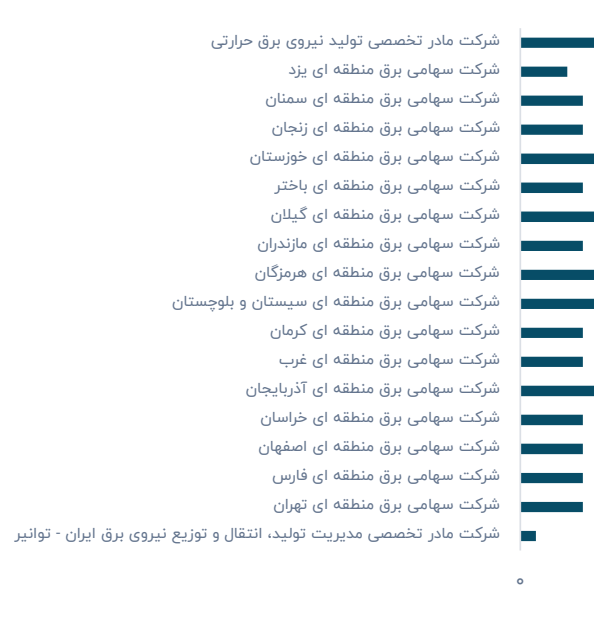
نکته قابل توجه در بودجه بخش برق آن است که از مجموع ۲۲/۸ همت بودجه عمومی بخش برق، ۱۶ همت از محل عوارض ماده ۵ است که به سائبه تخصیص داده شده است و در مجموع سائبه با ۲۲/۱ همت ۹۷ درصد منابع عمومی بخش برق را به خود اختصاص می‌دهد (نمودار ۵). سایر شرکت‌ها مجموعاً ۷۰۰ میلیارد تومان از منابع عمومی برخوردار می‌شوند که از مجموع ۷۰۰ میلیارد بودجه شرکت‌های دولتی برق تابعه وزارت نیرو، توانیر با ۱۹۰ میلیارد، برق منطقه‌ای آذربایجان ۱۱۰ میلیارد و برق منطقه‌ای گیلان با ۸۸ میلیارد تومان ۵۲ درصد منابع این بخش را به خود تخصیص می‌دهند (نمودار ۶).

۴. ناترازی مالی صنعت برق: ریشه‌ها و بازتاب بودجه‌ای

ناترازی مالی صنعت برق نتیجه ترکیب چند عامل ساختاری است: (قیمت‌گذاری تکلیفی برق و عدم انطباق آن با هزینه‌های واقعی



نمودار ۵- بودجه بخش برق در لایحه بودجه ۱۴۰۵



نمودار ۶- سهم شرکت‌های دولتی برق از بودجه عمومی سال ۱۴۰۵

تولید، انتقال و توزیع، «(رشد هزینه‌های سرمایه‌ای و بهره‌برداری)، «محدودیت منابع عمومی دولت». در لایحه بودجه ۱۴۰۵، بخشی از این ناترازی از طریق افزایش منابع عمومی و اصلاح تدریجی سیاست‌های قیمتی هدف‌گذاری شده است، اما باید توجه داشت که اصلاحات انجام‌شده هنوز به سطحی نرسیده که بتواند این شکاف ساختاری را به‌طور کامل پوشش دهد (جدول ۱).

بر اساس گزارش حسابرسی صورت‌های مالی شرکت توانیر، متوسط قیمت فروش برق در سال ۱۴۰۳ برابر با ۵۳۵۸ ریال به ازای هر کیلووات ساعت بوده در حالی که قیمت تمام شده بر اساس مجموع هزینه‌ها، برابر با ۷۸۲۴ ریال بوده است.

بند ۴- جدول الزامات منابع لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ کل کشور

۵. منابع تجدیدپذیرها از محل عوارض فروش برق

عوارض برق موضوع ماده (۵) قانون حمایت از صنعت برق یکی از منابع درآمدی پیش‌بینی‌شده در بودجه ۱۴۰۵ برای بخش تجدیدپذیرها است. عوارض ماده ۵ قانون حمایت از صنعت برق به میزان ده درصد از مبلغ فروش برق مانند سال‌های قبل تعیین شده است که ۱۶ هزار میلیارد تومان آن سهم سائبه است.

افزایش نرخ برق		مصوب ۱۴۰۴		الزام ۱۴۰۵	
		مقدار	واحد	مقدار	واحد
برق مصرفی در بخش تجاری مازاد بر الگوی مصرف تا ۱,۳ برابر الگوی مصرف به ازاء هر کیلووات ساعت - نسبت به هزینه تأمین	درصد	۱۳۰			
	درصد	۱۶۰			
	درصد	۲۰۰			
برق مصرفی در بخش تجاری مازاد بر ۱,۶ برابر الگوی مصرف تا ۱,۶ برابر الگوی مصرف به ازاء هر کیلووات ساعت - نسبت به هزینه تأمین	درصد	۳۰۰			
	درصد	۳۰۰			
	درصد	۳۰۰			

۶. ماده (۳) قانون مانع‌زدایی و نقش سیاست‌گذاری هدمند

یکی از نقاط عطف لایحه بودجه ۱۴۰۵، نحوه تسهیم منابع حاصل از اصلاح بهای برق موضوع ماده (۳) قانون مانع‌زدایی از توسعه صنعت برق است. پیشنهاد سندیکای صنعت برق ایران مبنی بر اختصاص حداقل ۵۰ درصد از این منابع به بهینه‌سازی مصرف، نوسازی شبکه و پرداخت مطالبات، در لایحه بودجه مورد پذیرش قرار گرفته است. (جدول ۲)

این موضوع از دو منظر اهمیت دارد:

نخست، جهت‌دهی منابع به حوزه‌هایی که بیشترین اثرگذاری اقتصادی را دارند؛

دوم، تقویت شفافیت و پاسخگویی از طریق الزام وزارت نیرو به ارائه گزارش‌های دوره‌ای.

جدول ۲- تسهیم منابع حاصل از اصلاح نرخ برق صنایع، موضوع ماده (۳) قانون مانع‌زدایی از توسعه صنعت، برق مطابق مصارف پیش‌بینی‌شده در درقانون

تسهیم منابع حاصل از اصلاح نرخ برق صنایع، موضوع ماده (۳) قانون مانع‌زدایی از توسعه صنعت، برق مطابق مصارف پیش‌بینی‌شده در قانون		مصوب ۱۴۰۴	الزام ۱۴۰۵
هزینه‌های تولید و تامین برق	-	۴۵ درصد	
حمایت از توسعه فناوری‌های مورد نیاز صنعت برق	-	۰/۵ درصد	
طرح‌های بهینه‌سازی و اصلاح الگوی مصرف انرژی	-	۴/۵ درصد	
اتمام طرح‌های نیمه‌تمام صنعت برق با اولویت نوسازی شبکه فرسوده انتقال برق	-	۵۰ درصد	

بند ۴- جدول الزامات منابع لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ کل کشور

۷. بدهی‌های انباشته صنعت برق؛ ابعاد، ریشه‌ها و ارزیابی ابزارهای تسویه در بودجه ۱۴۰۵

بر اساس برآوردهای کارشناسی و اظهارات مقامات مسئول وزارت نیرو، حجم بدهی‌های انباشته بخش برق کشور به تولیدکنندگان برق بخش غیردولتی، پیمانکاران EPC، تأمین‌کنندگان تجهیزات و شرکت‌های توزیع در پایان سال ۱۴۰۳، از مرز ۲۰۰ هزار میلیارد تومان (۲۰۰ همت) عبور کرده است. این بدهی‌ها عمدتاً ناشی از مابه‌التفاوت قیمت تمام‌شده و قیمت تکلیفی فروش برق، تأخیرهای طولانی‌مدت

در پرداخت مطالبات و محدودیت‌های نقدینگی دولت بوده‌اند. از منظر اقتصاد مالی، این حجم بدهی نه‌تنها یک مسأله حسابداری، بلکه نشانه‌ای از «ناترازی ساختاری جریان‌های نقدی» در کل زنجیره ارزش صنعت برق است؛ ناترازی‌ای که در صورت تداوم، به تضعیف بنیه مالی فعالان بخش خصوصی و کاهش ظرفیت سرمایه‌گذاری منجر می‌شود.

۷-۱. ترکیب بدهی‌ها و اثرات آن بر بخش خصوصی

بدهی‌های صنعت برق ماهیت یکسانی ندارند و ترکیب آن‌ها از نظر نوع طلبکار و زمان سررسید، پیامدهای متفاوتی ایجاد می‌کند. بدهی به تولیدکنندگان برق (به‌ویژه IPPها) مستقیماً بر توان بازپرداخت تسهیلات بانکی و نسبت‌های مالی پروژه‌ها اثر می‌گذارد، در حالی که بدهی به پیمانکاران و تأمین‌کنندگان تجهیزات، زنجیره تأمین صنعت برق را تحت فشار قرار می‌دهد.

از دیدگاه مالی، تأخیر در پرداخت مطالبات موجب افزایش «هزینه سرمایه» پروژه‌های برق می‌شود؛ زیرا سرمایه‌گذاران و بانک‌ها، ریسک نقدینگی بالاتر را در نرخ بازده مورد انتظار خود لحاظ می‌کنند. در نتیجه، حتی پروژه‌هایی که از منظر فنی و اقتصادی توجیه‌پذیر هستند، در عمل با مشکل تأمین مالی مواجه می‌شوند.

۷-۲. ابزارهای پیش‌بینی‌شده در لایحه بودجه ۱۴۰۵

در لایحه بودجه سال ۱۴۰۵، برای تسویه بخشی از بدهی‌های وزارت نیرو، ابزارهایی پیش‌بینی شده است که مجموع آن‌ها حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان (۳۰ همت) برآورد می‌شود. این ابزارها شامل انتشار اوراق مالی، تهاتر بدهی‌ها و استفاده از منابع موضوع ماده (۶) قانون حمایت از صنعت برق است.

اگرچه گنجاندن این ردیف‌ها در بودجه را می‌توان گامی مثبت تلقی کرد، اما مقایسه حجم این منابع با بدهی انباشته بیش از ۲۰۰ همتی صنعت برق نشان می‌دهد که این ابزارها صرفاً قادر به پوشش بخش محدودی (حدود ۱۵ درصد) از کل بدهی‌ها هستند (جدول ۳). از این منظر، بودجه ۱۴۰۵ بیش از آنکه یک راه‌حل جامع برای مسأله بدهی‌ها باشد، تلاشی برای کنترل و مدیریت کوتاه‌مدت فشار نقدینگی محسوب می‌شود. در لایحه بودجه ۱۴۰۵ برای پرداخت بدهی‌های وزارت نیرو، مجموعاً حدود ۳۲ همت است. این به معنای آن است که منابع وزارت نیرو برای تسویه بدهی‌ها نسبت به سال گذشته ۵۰ درصد کاهش داشته است. این در حالی است که پیشنهاد سندیکای صنعت برق برای این موضوع، ۱۵۰ همت بوده است.

جدول ۳- تأمین مالی برای تسویه بدهی‌های برق در بودجه ۱۴۰۵

عنوان	جمع (یکصد ریال)
تادیه بدهی قطعی و حسابرسی شده دولت به صنعت برق از محل واگذاری و فروش اوراق مالی اسلامی	۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰
تهاتر مطالبات ناشی از مابه‌التفاوت قیمت تکلیفی و قیمت تمام شده فروش هر متر مکعب آب شرب و هر کیلووات ساعت برق با بدهی طرح‌های انتفاعی موضوع ماده (۳۲) قانون برنامه و بودجه	۱۰,۰۰۰,۰۰۰
وزارت نیرو - مابه‌التفاوت قیمت تمام‌شده و فروش برق، موضوع ماده (۶) قانون حمایت از صنعت برق	۷,۶۲۲,۰۰

ردیف‌های ۱۰۴۰۰-۴، ۱۱۱۰۱۲ و ۵۵۰۰۰-۳۴ جداول بودجه

۷-۳. ارزیابی مالی انتشار اوراق بدهی

انتشار اوراق مالی به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی تسویه بدهی‌ها، در صورتی می‌تواند مؤثر باشد که چند شرط اساسی رعایت شود: سررسید متناسب با توان بازپرداخت دولت، نرخ سود قابل قبول و حفظ قدرت خرید طلبکاران. در غیر این صورت، اوراق منتشرشده صرفاً به انتقال بدهی از ترازنامه وزارت نیرو به سال‌های آتی منجر خواهد شد.

از منظر فعالان بخش خصوصی، دریافت اوراق با سررسیدهای بلندمدت، اگرچه نسبت به عدم پرداخت مطالبات وضعیت بهتری ایجاد می‌کند، اما همچنان با ریسک نقدشوندگی و تنزیل در بازار ثانویه همراه است. این موضوع به‌ویژه برای پیمانکاران کوچک‌تر که دسترسی محدودی به بازارهای مالی دارند، چالش‌برانگیز است.

۷-۴. تهاتر بدهی‌ها؛ مزایا و محدودیت‌ها

تهاتر بدهی‌ها، به‌ویژه از طریق واگذاری دارایی‌های غیرمنقول دولت، یکی دیگر از ابزارهای پیش‌بینی‌شده در بودجه ۱۴۰۵ است. این روش در تئوری می‌تواند به کاهش بدهی‌های دولت بدون فشار مستقیم بر منابع نقدی منجر شود، اما در عمل با محدودیت‌هایی مواجه است.

ارزش‌گذاری دارایی‌ها، نقدشوندگی پایین املاک و عدم تناسب دارایی‌های واگذارشده با نیازهای مالی فعالان صنعت برق، از جمله چالش‌های اجرایی این روش است. از این رو، تهاتر را می‌توان ابزاری مکمل دانست، نه جایگزینی کامل برای پرداخت نقدی یا ابزارهای مالی نقدشونده.

۷-۵. نسبت بدهی‌ها و پیامدهای بودجه‌ای

از منظر تحلیلی، نسبت بدهی‌های انباشته صنعت برق به منابع پیش‌بینی‌شده برای تسویه آن‌ها در بودجه ۱۴۰۵، گویای شکاف عمیق میان ابعاد مسأله و سطح مداخله بودجه‌ای است. این شکاف نشان می‌دهد که بدون اصلاحات ساختاری در سیاست‌های قیمتی و افزایش پایدار درآمدهای صنعت برق، بدهی‌ها حتی در صورت تسویه مقطعی، مجدداً انباشته خواهند شد. به بیان دیگر، ابزارهای بودجه‌ای سال ۱۴۰۵ اگرچه می‌توانند بخشی از فشار کوتاه‌مدت را کاهش دهند، اما به‌تنهایی قادر به حل مسأله بدهی‌های صنعت برق نیستند و باید در کنار اصلاحات بنیادی‌تر مورد استفاده قرار گیرند. در مجموع، لایحه بودجه ۱۴۰۵ با پیش‌بینی حدود ۳۰ همت ابزار تسویه بدهی، گامی محدود اما قابل ارزیابی در جهت پاسخ به مطالبات بخش خصوصی صنعت برق برداشته است. با این حال، در مقایسه با بدهی انباشته بیش از ۲۰۰ همتی، این ارقام نشان‌دهنده مقیاس محدود مداخله بودجه‌ای است.

از منظر اقتصاد برق، حل پایدار مسأله بدهی‌ها مستلزم ترکیبی از سه رویکرد است:

اصلاح تدریجی اما مستمر سیاست‌های قیمتی،

تخصیص هدفمند منابع حاصل از اصلاح قیمت برق،

و استفاده هوشمندانه از ابزارهای مالی برای مدیریت بدهی‌های گذشته.

این چارچوب تحلیلی، زمینه‌ای فراهم می‌کند تا لایحه بودجه ۱۴۰۵ نه به‌عنوان نقطه پایان، بلکه به‌عنوان یکی از گام‌های اولیه در مسیر بازسازی پایداری مالی صنعت برق مورد ارزیابی قرار گیرد.

۸. نقش سندیکای صنعت برق ایران در فرآیند بودجه‌ریزی

یکی از ویژگی‌های قابل توجه لایحه بودجه ۱۴۰۵، انعکاس مستقیم بخشی از پیشنهادات سندیکای صنعت برق ایران در متن لایحه است. سندیکای صنعت برق طی نامه شماره ۱۴۰۴-۸۹۸ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۸ به مسئولین دستگاه‌های اجرایی کشور دو پیشنهاد را ارائه کرده است که یک پیشنهاد به‌طور کامل در لایحه الحاق شده است. این امر نشان‌دهنده ارتقای نقش تشکل‌های تخصصی در فرآیند سیاست‌گذاری مالی کشور است.

پیشنهاد (۱)

«وزارت نیرو مکلف است پنجاه درصد (۵۰) از درآمدهای حاصل

حذف ارز ترجیحی در اقتصادی که با تورم بالا، رشد اقتصادی ضعیف و کاهش قدرت خرید خانوارها مواجه است، به‌طور طبیعی به افزایش قیمت کالاهای اساسی منجر می‌شود. این افزایش قیمت، بیش از همه دهک‌های پایین در آمدی را هدف قرار می‌دهد. در این بین کسب و کارهای کوچک و متوسط هم تحت تاثیر تغییرات قیمتی ناشی از افزایش نرخ ارز، با مشکلات جدی در تأمین نقدینگی، مواد اولیه و اداره بنگاه‌های اقتصادی خود قرار گرفته و با مخاطرات جدی در ادامه حیات مواجه خواهند شد. در چنین فضایی، اگر سیاست‌های جبرانی به موقع، دقیق و کارآمد نباشد، حذف ارز ترجیحی نه تنها به اصلاح ساختارها کمک نمی‌کند، بلکه می‌تواند بی‌اعتمادی اجتماعی را تشدید کرده و حتی بخش مولد کشور را هم با مخاطرات جدی مواجه کند. در این نگاشت به دیدگاه برخی از نمایندگان و روسای کمیسیون‌های اتاق بازرگانی در خصوص حذف ارز ترجیحی و پیامدهای مثبت و منفی آن پرداخته شده و دیدگاه‌های نمایندگان بخش خصوصی مرور و بررسی شده است:

اصلاح ارزی؛ راهی به سوی ثبات و رشد پایدار



محمدرضا بهرامن، نایب رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران در گفتگو با خبرگزاری فارس و با استناد به اعلام بانک جهانی اقتصاد، عنوان کرده است: «اقتصادهای دارای بازار موازی ارز، با تورم بالا، سرمایه‌گذاری کمتر و

رشد پایین‌تر رو به رو می‌شوند و چند نرخ بودنی ارز معمولاً با فساد اقتصادی همراه است. از دیدگاه تجارت جهانی نیز تعدد نرخ ارز پرهزینه است. کارشناسان اقتصادی همواره هشدار داده‌اند که ارز چند نرخ

بستری برای رانت ایجاد می‌کند و منابع ارزی کشور را هدر می‌دهد.» او با استناد به همین اطلاعات تأکید می‌کند: «سیاست ارزی ترجیحی یا همان اختصاص ارزی ارزان‌تر به واردات کالاهای منتخب به جای آنکه معیشت مردم را بهتر کند به افزایش تورم و رشد قیمت دلار دامن می‌زند. از این رو هر روز تأخیر در حذف ارز چند نرخ فشار بیشتری بر بودجه وارد کرده و ناترازی مالی دولت را افزایش می‌دهد که نتیجه آن هم تورم است. از طرفی پایین نگه داشتن مصنوعی نرخ ارز نیز قدرت رقابت تولید داخلی را کاهش می‌دهد و باعث افزایش واردات و کاهش صادرات می‌شود بنابراین مجموعه این دلایل ضرورت اصلاح را نشان می‌دهد.»

بهرامن با تأکید بر اینکه اجرای موفق تک نرخ شدن ارز مستلزم فراهم بودنی پیش نیازهایی است، خاطرنشان می‌کند: «چند نرخ بودنی در ارز در ایران بیش از آنکه ناشی از تصمیم قیمتی ساده باشد ریشه در محدودیت‌های ساختاری، کمبود ذخایر ارزی و کسری بودجه دارد. بنابراین علاوه بر اعلام نرخ واحد باید بستر معاملات ارزی رسمی عمیق و شفاف ایجاد شود، درآمد‌های ارزی کشور مثلاً صادرات غیرنفتی افزایش یابد و بازگشت ارز حاصل از صادرات تضمین شود، همچنان سیاستگذار با پدیده‌هایی مانند بیش ازظهوری در واردات و کمبود اظهاری در صادرات

باعث نشد ارز ترجیحی به بازار آزاد می‌شود، برخورد شود.»

نایب رئیس اتاق ایران با بیان اینکه در این شرایط حذف شکاف نرخ رسمی و آزاد می‌تواند جلوی انگیزه‌های سفته بازی و خروج سرمایه را بگیرد، به تجربه آزادسازی نرخ ارز در کشور ترکیه اشاره می‌کند و می‌گوید: «ترکیه در دهه ۸۰ میلادی پس از سال‌ها نظام کنترل شده و نرخ‌های متعدد، نرخ ارز را آزاد کرد و لیر ترکیه را از یک اقتصاد بسته به سمت اقتصادی صادرات محور سوق داد و رشد سریعی در صادرات مشاهده کرد و رشد صادرات در انتظار ایران است.»

او همچنین حذف ارز ترجیحی را یک اقدام مثبت در زمینه ذخایر ارزی می‌داند و بر این باور است که در نظام چند نرخ، بانک مرکزی برای دفاع از نرخ رسمی پایین ناچار به مداخله و عرضه ارز در بازارها می‌شود و هر یک روز تأخیر در اصلاح این وضع، فشار بیشتری بر ذخایر ارزی وارد می‌کند. در مقابل با واقعی شدن نرخ ارز تقاضای کاذب برای ارز حذف می‌شود و ذخایر ارزی را می‌توان صرف نیازهای واقعی اقتصاد شود.

بهرامن البته این مساله را هم می‌پذیرد که این سیاست در کوتاه‌مدت مدت ممکن است با وارد کردن شوک به اقتصاد کشور، تقاضای سفته بازی را افزایش داده و بانک مرکزی را ناگزیر به عرضه ارز برای کنترل نوسانات شدید کند، اما با این حال معتقد است که این شرایط به شکل مقطعی اتفاق افتاده و به تدریج برطرف خواهد شد. او در این باره می‌گوید: «کشور روسیه در بحران ارز ۲۰۱۴ علیرغم خرج بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار از ذخایر برای مدیریت بازار ارز با اخذی نرخ شناور و سیاست پولی انقباضی توانست ثبات را برگرداند و در سال‌های بعد مجدداً ذخایر خود را بازسازی کند. تک نرخ کردن ارز اگر با یک برنامه تثبیت اقتصادی همراه باشد می‌تواند در میان مدت به حفظ و حتی افزایش ذخایر ارزی منجر شود.

تک‌نرخ شدن ارز؛ ارزشمند اما پرچالش



عباس آرگون، عضو هیات رئیسه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران با تأکید بر اینکه در شرایطی که اقتصاد ایران با تورم مزمن و فشارهای فزاینده بر معیشت خانوارها روبرو است، هر تصمیم یا سیاستی باید با معیار اصابت حمایت به جامعه هدف سنجیده شود، عنوان می‌کند: «اصل موضوع در سیاست‌های حمایتی این است که دولت چگونه و از کدام نقطه زنجیره وارد عمل می‌شود. تجربه سال‌های گذشته نشان می‌دهد حمایت از ابتدای زنجیره، الزاماً به معنای حمایت مؤثر از اقشار آسیب‌پذیر نیست و بخش قابل توجهی از منابع در مسیر توزیع، دچار انحراف می‌شود. در مقابل، حمایت از انتهای زنجیره، اگر به‌درستی طراحی و با تداوم اجرا شود، می‌تواند اصابت دقیق‌تری به جامعه هدف داشته باشد و اثرگذاری بیشتری بر رفاه خانوارها بگذارد.»

او در گفتگو با روزنامه اعتماد تغییر رویکرد سیاستگذار و حرکت به سمت حمایت از انتهای زنجیره را در ذات خود اقدام ارزشمندی می‌داند و تصریح می‌کند: «این تغییر رویکرد تنها زمانی می‌تواند موفق باشد که به‌صورت مقطعی و یک‌باره اجرا نشود. تجربه سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد که تثبیت یک نرخ و تکرار الگوهای قبلی، در نهایت به بازتولید همان مشکلات منجر می‌شود. زمانی که ارز ۴۲۰۰ تومانی حذف و نرخ ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان جایگزین شد، در ابتدا قرار بود این نرخ متناسب با شرایط تعدیل شود، اما در عمل به یک نرخ ثابت تبدیل شد و دوباره شکاف قیمتی و فشارهای جدید شکل گرفت.»

این فعال اقتصادی موفقیت این سیاست را در سیال بودن آن می‌داند و می‌گوید: «حمایت‌ها و نرخ‌های مبنا باید متناسب با تورم، شرایط اقتصادی و نوسانات بازار تعدیل شوند. فیکس کردن یک نرخ در تالار دوم یا هر سازوکار مشابه، به معنای تکرار تجربه ناموفق گذشته است. اگر نرخ‌ها ثابت بمانند اما سایر متغیرهای اقتصادی رشد کنند، عملاً یک ارز ترجیحی جدید با نامی دیگر شکل می‌گیرد که دوباره زمینه‌ساز رانت و ناکارآمدی می‌شود.»

آرگون همچنین خاطرنشان می‌کند: «یکی از چالش‌های جدی که کمتر به آن پرداخته می‌شود، موضوع تأمین مالی بنگاه‌هاست. بنگاه‌هایی که پیش از این با نرخ‌های ترجیحی فعالیت می‌کردند، اکنون برای حفظ همان سطح تولید و فعالیت، به منابع مالی چند برابر گذشته نیاز دارند. افزایش هزینه نهاده‌ها و تغییر نرخ ارز باعث

می‌شود نیاز نقدینگی این بنگاه‌ها سه تا چهار برابر شود. این در حالی است که دسترسی به منابع مالی در شرایط فعلی اقتصاد کشور بسیار دشوار است و نظام بانکی نیز با محدودیت‌های جدی مواجه است.»

عضو هیات رئیسه اتاق تهران با تأکید بر اینکه نرخ تأمین مالی با واقعیت‌های بازدهی فعالیت‌های تولیدی و تجاری همخوانی ندارد، عنوان می‌کند: «نرخ‌های تأمین مالی که در برخی موارد به بیش از ۴۰ درصد در سال می‌رسد، در تضاد کامل با حاشیه سود فعالیت‌هایی است که بازدهی آن‌ها معمولاً کمتر از ۲۰ درصد است. این عدم تعادل باعث می‌شود تداوم فعالیت اقتصادی برای بسیاری از بنگاه‌ها توجیه‌پذیر نباشد و در نهایت یا به کاهش تولید منجر شود یا افزایش قیمت کالاها را به دنبال داشته باشد. افزایش هزینه تأمین مالی و فشار نقدینگی، به‌طور طبیعی اثر خود را بر قیمت کالاهای اساسی می‌گذارد. نمی‌توان انتظار داشت که این تغییرات بدون اثر قیمتی باقی بماند. وقتی هزینه تولید و توزیع افزایش پیدا می‌کند، روند افزایشی قیمت‌ها اجتناب‌ناپذیر است. پرسش اصلی این است که آیا این افزایش قیمت، فشار مضاعفی بر اقشار ضعیف وارد می‌کند یا خیر. پاسخ این پرسش به نحوه طراحی بسته‌های حمایتی بازمی‌گردد.»

بر همین اساس هم او بر این باور است که تنها در صورتی که حمایت‌های مستقیم و هدفمند به‌درستی محاسبه و اجرا شوند، می‌توانند بخش قابل توجهی از افزایش قیمت‌ها را برای اقشار آسیب‌پذیر جبران کنند. در این صورت، گرچه قیمت اسمی کالاها افزایش می‌یابد، اما قدرت خرید گروه‌های هدف حفظ می‌شود. این همان نقطه‌ای است که حمایت از انتهای زنجیره معنا پیدا می‌کند و می‌تواند اثر واقعی خود را نشان دهد. شرط موفقیت این رویکرد، شفافیت، تداوم و انعطاف‌پذیری در سیاستگذاری است.

آرگون تأکید می‌کند که حذف حمایت‌های غیرهدفمند و جایگزینی آن با حمایت مستقیم، فی‌نفسه تصمیم درستی است اما هشدار می‌دهد که اجرای نادرست این سیاست می‌تواند هزینه‌های سنگینی به اقتصاد و جامعه تحمیل کند. سیاستگذار باید همزمان با اصلاح نظام حمایتی، به مساله تأمین مالی بنگاه‌ها، نرخ‌های بهره، و سازوکارهای تعدیل نرخ‌ها توجه ویژه داشته باشد. بدون این ملاحظات، حتی بهترین تصمیم‌ها نیز ممکن است به نتایجی خلاف انتظار منجر شوند.

مسیری سنگلاخ اما درست حذف ارز ترجیحی



احمد رضا فرشچیان، رئیس کمیسیون مدیریت واردات اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، حذف ارز ترجیحی را یک تصمیم پرهزینه اما ضروری می‌داند و می‌گوید: «ادامه سیاست چند نرخي بودن ارز به معنای تداوم رانت، اتلاف منابع و بی‌عدالتی پنهان است. اگر دولت بتواند منابع آزاد شده را به صورت هدفمند، شفاف و مستمر به مردم پرداخت کند، این جراحی دیر هنگام می‌تواند به ترمیم ساختار اقتصادی کشور منجر شود.

او در یادداشتی که با عنوان «جراحی دیر هنگام یا تصمیمی شجاعانه؟» در روزنامه اعتماد منتشر شده، عنوان کرده است: «حذف ارز ترجیحی یکی از پرچالش‌ترین تصمیم‌های اقتصادی سال‌های اخیر است؛ تصمیمی که سال‌ها درباره ضرورت آن بحث شده و در نهایت دولت به اجرای آن تن داد. واقعیت این است که ارز ترجیحی از ابتدا با هدف حمایت از معیشت مردم طراحی شده بود، اما در عمل نه تنها به سفره خانوار نرسید، بلکه به یکی از کانون‌های اصلی ایجاد رانت، فساد و هدررفت منابع ملی تبدیل شد. تجربه چند سال گذشته به روشنی نشان می‌دهد که این سیاست، بیش از آنکه حامی مصرف‌کننده باشد، به نفع حلقه‌های واسطه‌ای و گروه‌های خاص عمل می‌کند.»

او در این نگاشت، با تاکید بر اینکه بخش خصوصی و فعالان اقتصادی از یکی دو سال قبل به‌طور مستمر بر ضرورت حذف ارز ترجیحی تاکید داشته‌اند، خاطرنشان می‌کند: «استدلال اصلی این است که یارانه باید به انتهای زنجیره مصرف برسد، نه اینکه در ابتدای زنجیره و در فرآیند واردات یا تخصیص ارز توزیع شود. ارز ارزان، به دلیل ضعف نظارت و چندنرخي بودن اقتصاد، در مسیر توزیع منحرف می‌شود و اثر واقعی آن هرگز در قیمت نهایی برای مصرف‌کننده دیده نمی‌شود. همین تجربه تکرارشونده، سیاستگذار را ناگزیر می‌کند که به اصلاح این مسیر فکر کند.»

فرشچیان این سوال را هم مطرح می‌کند که در شرایط تورمی فعلی، آیا حذف ارز ترجیحی تصمیم درستی است یا خیر؟ و پاسخ پرسش خود را اینگونه مطرح می‌کند: «پاسخ به این پرسش بدون توجه به سازوکار جایگزین ناقص است. اگر ارز ترجیحی حذف شود و هیچ ابزار حمایتی موثری جای آن را نگیرد، فشار تورمی مستقیم بر دهک‌های پایین وارد می‌شود. اما اگر منابع حاصل از حذف این ارز به صورت هدفمند و مستقیم به مردم پرداخت شود، نه تنها اثر منفی آن کاهش پیدا می‌کند، بلکه شفافیت و کارایی سیاست حمایتی نیز افزایش می‌یابد. پیشنهاد

اصلی بخش خصوصی همواره پرداخت یارانه نقدی بوده است؛ یارانه‌ای که مستقیم به دست مردم برسد و اختیار مصرف را به خود خانوار واگذار کند. با این حال، دولت در گام نخست به سمت اجرای کالابریگ حرکت می‌کند. هر چند کالابریگ هم نقدهایی دارد، اما در مقایسه با ارز ترجیحی یک گام رو به جلو محسوب می‌شود.»

رئیس کمیسیون مدیریت واردات اتاق ایران با اشاره به اینکه در سازوکار ارز تک نرخي دولت کالاهای اساسی را با قیمت‌های مشخص و قابل کنترل در اختیار اقشار هدف قرار می‌دهد و مانع از انتقال شوک قیمتی به مصرف‌کننده نهایی می‌شود، خاطرنشان می‌کند: «یکی از مهم‌ترین دستاوردهای حذف ارز ترجیحی، حذف رانت‌های گسترده ارزی است. ارز چندنرخي به‌طور ذاتی رانت‌زاست و هر جا فاصله قیمتی وجود داشته باشد، انگیزه برای سوءاستفاده و فساد نیز شکل می‌گیرد. حذف این رانت‌ها، اقتصاد را به سمت سلامت و شفافیت سوق می‌دهد و منابع کشور را از دست‌اندازی گروه‌های خاص نجات می‌دهد.»

او تاکید می‌کند که این اتفاق، اگرچه در کوتاه‌مدت با حساسیت‌های اجتماعی همراه است، اما در بلندمدت به نفع کل اقتصاد خواهد بود و در این باره عنوان می‌کند: «از منظر قیمتی، نگرانی اصلی جامعه افزایش قیمت کالاهای اساسی است که باید گفت در قالب کالابریگ، دولت متعهد می‌شود کالاهای اساسی را با قیمت‌های پیشین یا با یارانه مشخص در اختیار مصرف‌کننده قرار دهد. بنابراین اقشاری که بیشترین آسیب‌پذیری را دارند، به‌طور مستقیم تحت پوشش قرار می‌گیرند.»

این فعال اقتصادی حذف ارز ترجیحی را نه یک تصمیم مقطعی، بلکه بخشی از یک اصلاح ساختاری بزرگ‌تر می‌داند و بر این باور است که اگر این سیاست با اصلاحات مکمل، از جمله تقویت نظام تامین اجتماعی، بهبود نظام مالیاتی و کنترل کسری بودجه همراه شود، می‌تواند به کاهش ریشه‌های تورم و نابرابری کمک کند. در غیر این صورت، هر سیاستی اگر درست باشد در اجرا با چالش مواجه می‌شود. در نهایت باید گفت حذف ارز ترجیحی، تصمیمی پرهزینه، اما ضروری است. ادامه این سیاست به معنای تداوم رانت، اتلاف منابع و بی‌عدالتی پنهان است. اگر دولت بتواند منابع آزاد شده را به صورت هدفمند، شفاف و مستمر به مردم پرداخت کند، این جراحی دیر هنگام می‌تواند به ترمیم ساختار اقتصادی کشور منجر شود. مسیر اصلاح اقتصاد از تصمیم‌های سخت می‌گذرد و حذف ارز ترجیحی، یکی از همین تصمیم‌هاست که اگر درست اجرا شود، می‌تواند به نفع معیشت مردم و سلامت اقتصاد تمام شود.

حذف ارز ترجیحی؛ مثبت اما مخاطره ساز



حسن فروزانفرد، عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران هم در یادداشتی که در روزنامه اعتماد منتشر شده، با تاکید بر اینکه سیاست تک‌نرخي شدن ارز در ایران باید در بستر واقعیت‌های پیچیده و پرچالش اقتصاد کشور بررسی شود، عنوان کرده است: «این تصمیم در ظاهر یک اصلاح پولی است، اما در عمل به‌طور مستقیم با ساختارهای حکمرانی اقتصادی، وضعیت بودجه دولت، اعتماد بخش خصوصی و حتی شرایط اجتماعی گره خورده است.»

او به بی‌ثباتی ناشی از چند نرخي بودن ارز در بازار اشاره کرده و می‌گوید: «طی سال‌های اخیر ارز چندنرخي زمینه‌ساز فساد و رانت‌های گسترده بوده است. هر بار که دولت تلاش کرده با نرخ‌های ترجیحی یا نیمایی بازار را کنترل کند، نتیجه چیزی جز ایجاد شکاف میان گروه‌های مختلف اقتصادی و تضعیف اعتماد عمومی نبوده است. اکنون با تصمیم بانک مرکزی و دولت برای حرکت به سمت یک نرخ واحد، پرسش اصلی این است که آیا این سیاست می‌تواند در شرایط واقعی اقتصاد ایران به موفقیت برسد یا خیر.»

او با بیان اینکه اقتصاد ایران با مجموعه‌ای از محدودیت‌ها و فشارها روبه‌رو است، تصریح می‌کند: «تحریم‌های خارجی، محدودیت‌های دسترسی به منابع ارزی، کسری بودجه مزمن، تورم بالا و ضعف در نظام بانکی و مالی، همه عواملی هستند که اجرای سیاست تک‌نرخي شدن ارز را دشوار می‌کنند. در چنین شرایطی، یکسان‌سازی نرخ ارز اگرچه از نظری اقدامی درست و ضروری است، اما در عمل نیازمند مدیریت دقیق و هماهنگی نهادی گسترده خواهد بود. بانک مرکزی باید بتواند عرضه و تقاضای ارز را در یک بازار واحد کنترل کند، در حالی که منابع ارزی کشور محدود و نوسان‌پذیر است.»

این فعال اقتصادی با تاکید بر نقش دولت در کنترل فشار تورمی ناشی از حذف ارز ترجیحی با اتکا به سیاست‌های حمایتی موثر، تصریح می‌کند: «از منظر بخش خصوصی، تک‌نرخي شدن ارز می‌تواند فرصتی برای شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری باشد. در واقع فعالان اقتصادی سال‌ها از بی‌ثباتی نرخ‌ها و وجود رانت‌های ارزی آسیب دیده‌اند. یک نرخ واحد می‌تواند زمینه رقابت سالم‌تر

اجتماعی همراه شود، خطر شکست جدی وجود دارد.»

او همچنین تک نرخي شدن ارز را از منظر بين‌المللی مثبت ارزیابی کرده و می‌افزاید: «سرمایه‌گذاران خارجی همواره از بی‌ثباتی ارزی در ایران گریزان بوده‌اند. یک نرخ واحد می‌تواند نشانه‌ای از اصلاحات اقتصادی و حرکت به سمت شفافیت باشد. اما باید توجه داشت که جذب سرمایه خارجی تنها با اصلاح سیاست ارزی ممکن نیست؛ نیازمند ثبات سیاسی، رفع موانع حقوقی و بهبود روابط بین‌المللی نیز هست. بنابر این، تک‌نرخي شدن ارز می‌تواند گامی در مسیر اصلاح باشد، اما به‌تنهایی کافی نیست.»

عضو هیات نمایندگان اتاق تهران علیرغم اینکه این سیاست را کاملاً واقع‌بینانه می‌داند، اما بر این باور است که موفقیت آن در گرو مدیریت دقیق، هماهنگی نهادی و شفافیت اجتماعی است. اگر این سیاست با اصلاحات نهادی دیگر همراه شود، می‌تواند نقطه آغاز بازسازی اعتماد عمومی و سرمایه‌گذاران به سیاستگذاری اقتصادی باشد. اما اگر صرفاً به عنوان یک اقدام مقطعی و بدون پشتوانه نهادی اجرا شود، خطر شکست و بی‌ثباتی بیشتر وجود دارد. به نظر می‌رسد اگر دولت بتواند اعتماد بخش خصوصی را جلب کند، می‌توان امیدوار بود که بخش خصوصی هم در این مسیر همراهی کند، اما بی‌شک انتظار دارد که صدایش به موقع و به جا شنیده شود و در فرآیند تصمیم‌گیری مشارکت داده شود. تنها در این صورت است که می‌توان امیدوار بود تک‌نرخي شدن ارز به‌جای یک شعار، به یک اصلاح واقعی و پایدار تبدیل شود.

پیش‌نیازهای اجرای درست یک سیاست کارآمد



محمدرضا نجفی منش، عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی تهران و رئیس انجمن همگن قطعه‌سازی کشور، در گفتگو با خبرگزاری ایسنا، تصریح کرده است که حرکت به سمت تک نرخي‌سازی ارز همیشه مورد درخواست بخش خصوصی بوده است، چرا که اختلافی که در میان ارزهای

مختلف وجود داشت باعث رانت، فساد و درآمد مترقبه برای برخی‌ها می‌شد. او با تاکید بر اینکه وجود ارز ترجیحی در اقتصاد، انگیزه‌های بخش خصوصی برای تولید و ساخت داخل اقلام و کالاها را از میان برده، خاطرنشان می‌کند: «وقتی ارز دولتی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان باشد، طبیعی است که کسی سراغ داخلی‌سازی نمی‌رود، اما در اینجا باید سیاست حمایتی در کنار تک نرخي‌سازی مورد توجه باشد که ظاهراً الان قرار است به نوعی این اختلاف را برای مردم جبران کنند. به این معنی که به جای آنکه به ابتدای خط این یارانه را بدهد، آن را به انتهای خط و خود مردم پرداخت می‌کنند، فقط نکته مهم این است که این سیاست باید به درستی اجرا شود.»

عضو هیات نمایندگان اتاق تهران از ارائه الگویی به دولت خبر داد که اقتباس و الگوبرداری آن از کشورهایی مانند سوئد صورت گرفته و عنوان می‌کند: «در کشوری مانند سوئد اگر هزینه یک خانواده سه نفره در ماه ۱۰ هزار کرون و درآمدش ۸ هزار کرون باشد، دولت ۲ هزار کرون کسری را به صورت بلاعوض به خانواده پرداخت می‌کند. من پیشنهاد کردم که در کشور خودمان هم می‌توان این کار را انجام داد. البته در کشور ما هزینه‌ای که یک خانواده در تهران دارد با هزینه‌ای که یک خانواده در روستایی در کرمانشاه دارد متفاوت است. اما به هر حال این موضوع قابل احصا است. می‌توان این کمک بلاعوض را در ایران هم اجرا کرد. اگر کسی هم بیشتر درآمد دارد می‌توان از طریق مالیات به دهک‌های پایین‌تر پرداخت کرد.»

او با بیان اینکه حتی کشور ترکیه هم این اقدام را با لحاظ شرط بازنگری شش ماهه در میزان یارانه پرداختی، پس از افزایش نرخ ارز و تورم انجام داد و از این رو می‌توانیم الگوبرداری موفق از این مدل داشته باشیم، تاکید می‌کند: «دولت می‌تواند در بودجه‌ریزی که الان هم فصل‌اش است به این موضوع توجه کند. اگر بودجه صرفاً بر اساس تقاضا باشد و متناسب با درآمد نباشد کسری بودجه به وجود می‌آید. کسری بودجه هم به تامین نقدینگی منجر می‌شود که نتیجه‌اش تورم است و این چرخه مدام ادامه پیدا می‌کند که در سال‌های گذشته شاهد آن بوده‌ایم. دولت باید تصمیم جدی بگیرد و جامعه هم کمک کند. دولت به هر حال جراحی را انجام می‌دهد که تبعاتی دارد و نمی‌تواند بدون خون ریزی باشد، اما باید از نظرات کارشناسان و بخش خصوصی هم استفاده کند.»



نیوان؛ حاصل سیزده سال همدلی و تلاش

آیین نکوداشت سیزدهمین سال بنیانگذاری شرکت فنی مهندسی بهینه ساز نیوان برگزار شد. شرکت فنی مهندسی بهینه ساز نیوان با عنوان «آیین نکوداشت سیزده سال همراهی و همنوایی با صنعت کشور شرکت فنی مهندسی بهینه ساز نیوان» برخی از مشتریان و همراهان خود را در فضایی دوستانه گردهم آورد تا از همراهی و حمایت آن‌ها قدردانی کند. در این گردهمایی که دهم دیماه ۱۴۰۴ در هتل میثاق مشهد برگزار شد، افزون بر مشتریان و شرکای تجاری نیوان، برخی از اعضای هیئت مدیره سندیکای صنعت برق خراسان، دبیر سندیکای صنعت برق ایران و دبیر انجمن تانیر هم حضور داشتند.

در این آیین، ابتدا مهندس آرش جهانگیری مدیرعامل شرکت فنی مهندسی بهینه ساز نیوان و سپس مهندس مهدی مسائلی دبیر سندیکای صنعت برق ایران سخنرانی کردند، یک برنامه مهارت نرم به

اجرا درآمد و در پایان هم از مشتریان برگزیده نیوان قدردانی شد.

امید را زنده نگه داریم و برای پوشش کمبودها تلاش کنیم مهندس آرش جهانگیری مدیرعامل شرکت فنی مهندسی بهینه ساز نیوان در این گردهمایی با بیان اهداف و چگونگی شکل‌گیری این شرکت گفت: «نیوان در ۱۳ سال حضور در صنعت با جذب بیش از ۶۵۰ مشتری، شکل‌گیری بیش از ۱۰ هزار قرارداد، حضور اثرگذار در ۸۰۰۰ پروژه، معرفی بیش از ۱۵ محصول جدید به بازار و ارائه چهار راهکار موثر و نوآورانه به صنعت، توانسته است کارنامه قابل قبول در فعالیت‌ها و راهکارهای فنی و مهندسی ایجاد کرده و به میزان مطلوبی از اعتماد مشتریان و مخاطبان دست پیدا کند.»

مهندس جهانگیری در ادامه، حضور و همراهی مشتریان را برای مجموعه شرکت فنی مهندسی بهینه‌ساز نیوان افتخارآمیز توصیف کرده و با بیان اینکه گردهمایی با هدف ایجاد فضایی دوستانه‌تر، همراه با قدردانی از همراهی مشتریان و حامیان نیوان در ۱۳ سال گذشته شکل گرفته است، گفت: «در شرایط اقتصادی کنونی باید بیش از گذشته دست‌همراهی و همکاری یکدیگر را دوستانه بفشاریم و در نظر داشته باشیم اعتماد و اطمینان در فضای همکاری بسیار ارزشمندتر از سرمایه‌های مادی و انبارهای مملو از کالا و حتی دانش و تجربه و پیشینه کاری است. امروز لازم است امید را زنده نگه داریم و حضور در بازار با دوستی و رفاقت و صمیمت بیشتری به جای رقابت‌های ناپسند همراه باشد تا با هم‌افزایی و تلاش کمبودها را پوشش دهیم و امنیت بازار برای همه همکاران فراهم شود. هر یک از کسب‌وکارها بخشی از ستون بازار و صنعت هستند و برای حفظ آن‌ها همه باید تلاش کنند. به ویژه برای حفظ و نگهداشت کسب وکارها و شرکت‌های نوپا که در ایجاد فضای رقابتی سالم بسیار اثرگذار هستند و همواره با نوآوری از ایجاد فضای انحصاری جلوگیری می‌کنند باید همراهی و حمایت صورت گیرد.»

وی افزود: با اشتراک تجربه‌ها و اطلاعات و همیاری و همکاری می‌توان پیش‌بینی دستکم یک گام جلوتر را فراهم کرد، در قراردادهای با همدلی و همکاری در بخش خصوصی به روانسازی قراردادهای کمک کرد، بین همکاران و اعضای نهادهای صنفی همراهی و هم‌اندیشی بیشتری را رقم زد و با شبکه‌سازی بین اعضای نهادهای صنفی و انجمن‌ها، نیازها را شناسایی کرد و برای کامل کردن نیازها همکاری‌های گسترده‌تری را شکل داد.»

مدیرعامل شرکت فنی مهندسی بهینه ساز نیوان در پایان با اعلام آمادگی این مجموعه برای برگزاری جلسه‌های هم‌اندیشی و هم‌افزایی ابراز امیدواری کرد این گردهمایی سرآغازی بر همکاری‌ها و همراهی‌های بیشتر باشد.

همدلی و تغییر الگوهای ذهنی در شرایط اقتصادی کنونی

دکتر مهدی مسائلی دبیر سندیکای صنعت برق ایران هم با اشاره به لزوم همدلی و گرهمایی‌های بیشتر در شرایط کنونی اقتصادی کشور گفت: «در این شرایط باید بیشتر دور هم جمع شویم و کمک کنیم از تجربه‌های هم بیشتر بهره ببریم و در این شرایط بهتر گام برداریم. اگر هوشمندانه عمل نکنیم ممکن است با چالش‌هایی روبه‌رو شویم که ماهیت و موجودیت کسب و کارها از بین برود. استفاده از فضای انجمن‌ها و سندیکاها به ویژه در شرایط جدید اقتصادی بسیار اثرگذار است. اگر بخشی از وقت خودمان را در این نهادهای صنفی بگذرانیم، در این فضاها از نزدیک مشکلات دیگران را می‌بینیم و گرفتاری‌های ذهنی و احساس تنهایی در کسب و کار کمتر خواهد شد و این بزرگترین التیام است.»

دکتر مسائلی تغییر الگوهای ذهنی فعالان بخش خصوصی را در دوران پیشرو بسیار لازم دانست و گفت: «وضعیت اقتصادی کشور به سرعت بهبود نخواهد یافت و سیاست‌های اقتصادی به‌زودی اصلاح نخواهند شد و نیازمند یک دوره گذار هستند. بنابراین شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی باید از شیوه‌های قدیمی و سنتی کسب و کارها فاصله بگیرند و به کسب و کارهای نوینی که در حال شکل‌گیری است بپیوندند. تجدیدپذیرها، ذخیره‌سازها و بهینه‌سازی مصرف انرژی ساختارهای نوینی در کسب و کارها به وجود آورده‌اند که باید دستکم به عنوان بخشی از کسب و کار شرکت‌های با سابقه مورد توجه قرار گیرند. کسب و کارهای کوچک از نرمش‌پذیری بیشتری در این زمینه برخوردار هستند.»

دبیر سندیکای صنعت برق در ادامه با بیان اینکه بخش خصوصی به جای رقابت با خودش باید به همراهی بپردازد گفت: «در حالیکه برخی از کارشناسان باور دارند شاخص‌های کنونی سازمان برنامه و بودجه برای قیمت‌دهی در مناقصه‌ها مناسب نیست، برخی از شرکت‌ها به امید تعدیل در قراردادهای و در رقابت با دیگر همکاران خود به قیمت‌هایی رو می‌آورند که تجربه نشان داده است پروژه‌ها را با زیان روبه‌رو می‌کند. قیمت‌ها وقتی بر اساس واقعیت نباشد، نباید انتظار سودآوری وجود داشته باشد.»

وی سپس با اشاره به نقش سندیکاها و انجمن‌های صنفی در هماهنگی بین اعضا و ارتباط با دولت و حاکمیت گفت: «یکی دیگر از الگوهای ذهنی که باید اصلاح شود این است که باید بپذیریم این دولت‌ها نیستند که می‌توانند آینده روشن‌تری برای بخش خصوصی رقم بزنند. در بخش خصوصی باید هم‌اندیشی انجام شود و با همکاری هم، شرایط آینده را بهتر کنند. فعالان اصلی سندیکای

صنعت برق ایران ۸۳۳ شرکت هستند در حالیکه چند هزار شرکت در صنعت برق فعال هستند و میت‌وانند به سندیکا بپیوندند و کارهای صنفی و مطالبه‌گری خود را از طریق نهادهای صنفی پیگیری نمایند.» به‌نظر می‌رسد در برخی از زمینه‌ها مانند همین تجدیدپذیرها و ذخیره‌سازها و پروژه‌های بهینه‌سازی مصرف باید کنسرسیوم‌هایی برای مدت زمان خاصی شکل بگیرد و شرکت‌ها توانمندی‌های خودشان را به اشتراک بگذارند تا از ریسک انجام پروژه‌ها کاسته شود. دبیر سندیکای صنعت برق ایران در پایان گفت: «آنچه باید بر اساس برنامه هفتم توسعه به صنعت برق اختصاص داده می‌شد بسیار بیشتر از میزانی است که اکنون اختصاص داده شده است و همین موضوع نیازهای زیادی را انباشته کرده و باعث بروز مشکلاتی برای فعالان این حوزه شده است. وظیفه سندیکا ارتباط با حاکمیت و بخش دولتی و پیگیری مطالبه‌ها و حقوق شرکت‌های عضو و دریافت پاسخ مناسب است، بنابراین اعضا می‌توانند در هر زمینه‌ای که نیاز به پیگیری دارد، به سندیکا اطلاع‌رسانی نمایند تا فرایند پیگیری‌ها آغاز شود»



شاخص‌های تعدیل: نوشتاروی پس از مرگ



یکی از مهمترین مباحث این روزها، تک‌نرخی شدن ارز و حذف نرخ ترجیحی ارز است. موضوعی که اگرچه از نگاه فعالان کسب و کار یک اقدام مثبت برای عبور از چالش‌های پرتعداد ارز چندنرخی است اما بدون تردید پیامدهای منفی بسیاری دارد که به گفته امیرحسین طاهرزاده، نایب رئیس هیأت مدیره سندیکای صنعت برق ایران می‌تواند برای بنگاه‌های اقتصادی مریه‌بار باشد.

او بر این باور است که در شرایطی که بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی در فرآیند تخصیص ارز توان خود را برای ادامه کار از دست می‌دهند، عملاً اجرای پروژه‌ها ناممکن است، طاهرزاده در این باره می‌گوید: «در شرایط تحریم و سیاست‌های ارزی، تأمین ارز به یک قرعه‌کشی اداری تبدیل شده است که برنامه‌زمانبندی و اقتصاد پروژه را به طور همزمان نابود می‌کند، بروکراسی طاقت فرسا و زمانبر مشکلات زیادی را در اجرای پروژه‌ها به وجود آورده است.»

نایب رئیس هیئت مدیره و رئیس کمیسیون قراردادها، امور مالیاتی و تأمین اجتماعی سندیکا با تأکید بر چالش‌های مالی پرشمار فعالان صنعت برق راهکارهای کوتاه مدت با هدف جلوگیری از ورشکستگی زنجیره تأمین و تکمیل پروژه‌های حیاتی و راهکارهایی میان مدت برای اصلاح ساختار و کاهش وابستگی به بودجه دولتی با تفکیک نقش کارفرمایی از تصدی‌گری به رگولاتوری ارائه داده است که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید:

ترحم نمی‌خواهیم منصفانه بازی کنید!

گفتگو با **امیرحسین طاهرزاده**؛ نایب رئیس هیئت مدیره سندیکای صنعت برق ایران



■ با توجه به نوسانات شدید قیمت‌ها در سال‌های اخیر شاخص‌های تعدیل ابلاغی از سوی سازمان برنامه و بودجه را تا چه اندازه در جبران افزایش هزینه‌ها و کاهش ریسک‌های قراردادی شرکت‌ها مؤثر می‌دانید؟ در صورت ناکافی بودن به نظر شما مهمترین نارسایی این شاخص‌ها چیست؟

به نظر من شاخص‌های تعدیل فعلی بیش از آنکه ابزار جبران هزینه باشند، به ابزار بقای قرارداد تبدیل شده‌اند، یعنی تنها مانع از فسخ یکجانبه پیمان می‌شوند، اما سودآوری و انگیزه اقتصادی را تأمین نمی‌کنند.

با توجه به تجربه اجرایی پروژه‌ها در سال‌های ۱۳۹۸ تا ابتدای ۱۴۰۴، شاخص‌های تعدیل ابلاغی سازمان برنامه، تنها بخشی از تورم واقعی را پوشش می‌دهد و در سال‌های اخیر این شکاف عمیق‌تر شده است، در واقع میزان اثر بخشی آن جبران نسبی است نه کامل. شاخص‌های تعدیل معمولاً بر اساس آمارهای چند ماه قبل محاسبه می‌شوند و احتمالاً درستی آن‌ها مشکوک است، در شرایط تورم افسارگسیخته، وقتی ضریب تعدیل به صورت میانگین حدود ۷ ماه بعد ابلاغ می‌شود، مبلغ تعدیل ارزش خود را تا حد بسیار زیادی از دست داده است.

در صورت ناکافی بودن این شاخص‌ها (که به نظر

من نا کافی است)، دو نارسایی ساختاری زیر حیاتی‌تر از بقیه هستند:

اول عدم تطابق شاخص‌ها با تورم زیرا که شاخص‌های تعدیل به صورت میانگین وزنی محاسبه می‌شوند. در پروژه‌هایی که ۷۰ درصد هزینه آن تابع ارز است، اگر شاخص کل ۴۰ درصد افزایش یابد اما ارز بیش از ۱۰۰ درصد گران شده باشد (مانند اتفاقات اخیر)، پیمانکار ۶۰ درصد افزایش را از جیب خود می‌دهد.

دوم اینکه ذات تعدیل بر اساس شاخص قیمت است، نه هزینه تمام شده. این دو متفاوتند. تعدیل فقط کاهش ارزش پول را تا حدودی جبران می‌کند، اما کاهش بهره‌وری ناشی از تأخیر در تأمین مصالح، هزینه‌های تأمین مالی و رکود بازار کار را پوشش نمی‌دهد.

■ در شرایط فعلی اقتصاد کشور مهمترین عوامل و ملاحظات‌هایی که شرکت شما در قیمت‌دهی مناقصات وزارت نیرو مدنظر قرار می‌دهد کدام‌اند؟ آیا ریسک‌های ناشی از نوسانات ارزی، تأخیر در پرداخت‌ها و تغییر مقررات در قیمت‌ها لحاظ می‌شود؟

با توجه به تجربه شرکت در مناقصات وزارت نیرو



شاخص‌های
تعدیل فعلی
بیش از آنکه ابزار
جبران هزینه
باشند، به ابزار
بقای قرارداد
تبدیل شده‌اند،
یعنی تنها مانع
از فسخ یکجانبه
پیمان می‌شوند،
اما سودآوری و
انگیزه اقتصادی
را تأمین
نمی‌کنند.

در سال‌های اخیر، قیمت‌دهی ما دیگر صرفاً یک محاسبه فنی و مالی نیست، بلکه به یک مدیریت ریسک پیچیده تبدیل شده است. باید در قیمت پیشنهادی، هزینه تأمین مالی ناشی از تأخیرات در پرداخت صورت وضعیت‌ها را به عنوان یک ردیف هزینه پنهان محاسبه کنیم، می‌دانیم شاخص‌های تعدیل سازمان برنامه ناکافی است، بنابراین باید در قیمت پایه، یک ضریب اطمینان (ضریب ریسک) به قیمت تمام شده اضافه کنیم، اما متأسفانه بدلیل رقابت مخرب، این موارد را لحاظ نمی‌کنیم و عاقبت کار هم معلوم است.

■ **با توجه به محدودیت منابع مالی در صنعت برق و انباشت مطالبات شرکت‌ها از وزارت نیرو استفاده از ابزارهایی نظیر حواله محصول یا اوراق خزانه را تا چه حد در تسویه مطالبات و کاهش فشار مالی شرکت‌ها مؤثر می‌دانید؟ به طور متوسط هر یک از این روش‌ها چه میزان هزینه یا کاهش ارزش واقعی مطالبات را به شرکت تحمیل می‌کند؟** این ابزارها فشار نقدینگی را کاهش، اما زیان انباشته را افزایش می‌دهند. شرکت‌ها برای ادامه حیات و پرداخت حقوق پرسنل ناچار به پذیرش آن‌ها هستند. چنانچه اوراق تا سررسید نگه داشته شود، سود علی‌الحساب آن از تورم بسیار عقب‌تر است. متوسط نرخ تنزیل آخرین اوراق خزانه (اخزا ۴۰۲) حدود ۶ درصد زیر ارزش اسمی اوراق و ۳۰ درصد زیر ارزش مطالبات پیمانکاران است! کاهش ارزش مطالبات که کارفرما تحمیل می‌کند به وضوح در این اعداد پدیدار است.

در این بین بسیار دردآور است که کارخانه‌دار محصول خود را که با برق سوپسیدی تولید کرده و با قیمت جهانی (شاید با تلرانس بسیار کم) عرضه می‌کند، هزینه همان برق سوپسید را نیز پرداخت نمی‌کند و به خیال خود زرنگی کرده و البته خوشبختانه بعد از چند سال عاقبت این می‌شود که باید برای تامین برق با هزینه‌های گزاف اقدام کند. (احداث نیروگاه یا خرید برق از بورس با قیمت

واقعی‌تر).

حواله محصول که صنایع جهت تهاثر بدهی خود بابت برق مصرفی تحویل می‌دهند نیز با در نظر گرفتن هزینه دیو، حمل و تبدیل به نقدینگی، بطور متوسط نرخ تنزیل ۱۰ تا ۱۵ درصد زیر قیمت بازار آزاد در زمان تحویل حواله را دارد و البته مشکل دیگر هم، ماه‌ها زمانی است که طول می‌کشد تا اجناس حواله توسط صنایع تحویل داده شود.

واقعیت تلخ این است که زیان اصلی نه در نرخ تنزیل، بلکه در زمان اوراق است، در واقع دولت بدهی را برای دولت بعدی میراث می‌گذارد (البته در شرایط فعلی ارزش اوراق در چند سال بعد شاید در حدود ۲۵ درصد ارزش خود در حال حاضر را داشته باشد) و پروژه‌هایش را با نقدینگی دیگران پیش می‌برد. اگر مطالبه ۱۰۰ میلیارد تومان باشد و کارفرما ۲۰۵ سال بعد با اوراق اخزا بدهی خود را تسویه کند، ارزش اسمی اوراق تحویلی که حدود ۱۶۷ میلیارد تومان است، با تورم سالانه ۵۰ درصدی، به ارزش واقعی ۶۱ میلیارد تومان می‌رسد. حالا اگر اوراق با ۶۰ درصد تنزیل نقد شوند (برای ۲۰۵ سال)، به ۳۳ میلیارد تومان می‌رسیم، یعنی ۶۷ درصد از ارزش واقعی پول از بین رفته است.

■ **به نظر شما استفاده از شبه پول‌ها مانند برات اوراق گام و انواع صکوک تا چه اندازه می‌تواند به بهبود گردش نقدینگی و پایداری زنجیره تأمین در صنعت برق کمک کند؟ آیا این ابزارها از سوی تأمین کنندگان و سایر حلقه‌های زنجیره ارزش به طور عملی پذیرفته می‌شوند؟**

شبه پول‌ها در صنعت برق مانند مسکنی هستند که درد را کاهش می‌دهند اما بیماری را درمان نمی‌کنند. در حلقه اول (کارفرما - پیمانکار) این ابزارها از ورشکستگی ناگهانی جلوگیری می‌کنند، اما هر چه به سمت حلقه‌های تأمین مواد اولیه می‌رویم، کارایی خود را از دست می‌دهند. تأمین کننده بعدی اوراق را قبول نمی‌کند، مگر اینکه مجبور شوند. تا زمانی که انتهای زنجیره تأمین مواد اولیه، وجه خود

را نقد می‌خواهد و ابتدای زنجیره (کارفرما) نیز بدهی خود را با اوراق تسویه می‌کند، زیان در میانه زنجیره (پیمانکار) انباشته خواهد شد. این ابزارها در حلقه اول (کارفرما به پیمانکار) تا حدی مؤثرند، اما در حلقه‌های پایانی (پیمانکار به تأمین کننده بعدی) عملاً شکست می‌خورند. - اخزا و صکوک بلند مدت معمولاً در همان حلقه اول نقد می‌شوند و به حلقه‌های پایین‌تر نمی‌رسند. - اوراق گام به دلیل سررسید کوتاه (۴ تا ۶ ماه) و نقد شوندگی بهتر، تنها ابزاری است که تا حدودی در زنجیره می‌چرخد.

اگر اوراق گام به جای اینکه یک سند مالی عام باشد، به یک پروژه مشخص با جریان درآمدی مشخص متصل شود، ریسک آن کمتر و پذیرش آن بیشتر می‌شود.

دولت می‌تواند یک صندوق یا نهاد مالی ایجاد کند که اوراق بهادار صنعت برق را با نرخ تنزیل تضمین شده (مثلاً ۵ درصد کمتر از بازار) از تأمین کنندگان خرد خریداری کند. این کار عملاً یارانه پنهان به زنجیره تأمین است، اما از ورشکستگی زنجیره‌ها جلوگیری می‌کند.

■ **فرآیند تخصیص و تأمین ارز برای مواد اولیه و تجهیزات مورد نیاز شرکت شما با چه چالش‌ها و پیامدهایی همراه بوده است؟ این مشکلات چه اثری بر زمانبندی پروژه‌ها و قیمت تمام شده داشته است؟**

در شرایط تحریم و سیاست‌های ارزی، تأمین ارز به یک قرعه‌کشی اداری تبدیل شده است که برنامه زمانبندی و اقتصاد پروژه را به طور همزمان نابود می‌کند، بروکراسی طاقت فرسا و زمانبر مشکلات زیادی را در اجرای پروژه‌ها بوجود آورده است. فرآیند دریافت ارز از مرکز مبادله یا تأمین ارز از محل صادرات، حداقل ۳ تا ۱۲ ماه زمان می‌برد. در این مدت - قیمت مواد اولیه در بازار جهانی افزایش می‌یابد. - تولیدکننده خارجی تعهد خود را بدون دریافت پیش پرداخت اجرایی نمی‌کند.

- پروژه دچار توقف و کاهش بهره‌وری نیروی انسانی می‌شود.

زمان ثبت سفارش با زمان تخصیص ارز دو نرخ متفاوت دارد. بانک مرکزی مبنای تسعیر را به نفع خود تغییر می‌دهد و شرکت‌ها مجبور می‌شوند کسری نرخ را از جیب بدهد یا پروژه را متوقف کنند، به کرات دیده شده است که اگر در زمان ثبت سفارش ارز آزاد تهیه می‌شد، به مراتب ارزانتر بود و پروژه هم پیش می‌رفت، اما مشکل این است که بدون ثبت سفارش و حل مشکلات ارزی در بانک‌های عامل امکان واردات قانونی وجود ندارد.

نمونه عینی این است که تحویل رله‌های حفاظتی ۵ ماه زمان نیاز دارد، اگر تأمین ارز ۱۰ ماه طول بکشد و تأمین کننده با منابع ارزی خود ساخت رله‌ها را جلو برده باشد، با در نظر گرفتن شرایط حمل و ترخیص پروژه ۶ ماه بدون پیشرفت فیزیکی می‌ماند. ادعای تعدیل زمان نیز به این دلایل معمولاً توسط کارفرمایان پذیرفته نمی‌شود.

تأخیر در تحویل تجهیزات، باعث توقف سایر جبهه‌های کاری و پرداخت هزینه‌های ثابت پروژه، بدون انجام کار مفید می‌شود.

تأمین کنندگان داخلی برای واردات مواد اولیه نیاز به ارز دارند. وقتی این تأمین کنندگان ارز نمی‌گیرند، به پیمانکار اصلی کالا تحویل نمی‌دهند و پیمانکار در وسط کار بدون تجهیزات می‌ماند. در این شرایط راهکارهای موقت و پرهزینه برای شرکت‌ها، اجبار در تامین ارز مورد نیاز با نرخ آزاد (در حال حاضر ۲۰ درصد گرانتر از نرخ مصوب) است. این هزینه را نمی‌توان از کارفرمایان مطالبه کرد و در شاخص‌های اعلامی سازمان برنامه و بودجه نیز جایی برای آن‌ها وجود ندارد.

تأمین کنندگان به دلیل کمبود ارز وعدم توانایی در واردات برند معتبر اروپایی، به سراغ برندهای چینی درجه دو یا سه می‌روند. این تغییر استاندارد عمر مفید تجهیزات را کاهش می‌دهد، تلفات شبکه را افزایش می‌دهد، ریسک آتش سوزی و خاموشی را بالا می‌برد.

در این بین شرکت زیان ناشی از تأخیر ارز و



دولت می‌تواند

یک صندوق

یا نهاد مالی

ایجاد کند که

اوراق بهادار

صنعت برق را

با نرخ تنزیل

تضمین شده

(مثلاً ۵ درصد

کمتر از بازار) از

تأمین کنندگان

خرد خریداری

کند. این کار عملاً

یارانه پنهان به

زنجیره تأمین

است، اما از

ورشکستگی

زنجیره‌ها

جلوگیری می‌کند.

افزایش نرخ را در پروژه جدیدی که هنوز قیمت آن بسته نشده، به کارفرما منتقل می‌کند. این یعنی کارفرمای بعدی و در نهایت مصرف‌کننده برق، جریمه سیاست‌های ارزی را می‌پردازد.

این فرآیند نه تنها زمان و هزینه را افزایش می‌دهد، بلکه کیفیت نهایی پروژه را نیز قربانی می‌کند. شرکت ما دیگر نمی‌تواند به تاریخ تحویل تعهد شده پایبند باشد، چون تاریخ تخصیص ارز در اختیار ما نیست. تا زمانی که یک پنجره ارزی ویژه برای پروژه‌های زیربنایی با فرآیند سریع و نرخ واحد و پایدار ایجاد نشود، هیچ قرارداد با زمانبندی واقع بینانه نخواهد بود. پیمانکار در این میان فقط قربانی است، آسیب اصلی متوجه شبکه برق کشور و صنعت تولید می‌شود.

■ با توجه به پیش‌بینی یکسان‌سازی نرخ ارز در بودجه سال ۱۴۰۵ این سیاست را تا چه حد در بهبود یا تثبیت شرایط صنعت برق مؤثر ارزیابی می‌کنید؟ آیا اجرای این سیاست می‌تواند به پیش‌بینی‌پذیرتر شدن ریسک‌ها و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی شرکت‌ها کمک کند؟ لطفاً توضیح دهید.

این پرسش به یکی از کلیدی‌ترین و بحث برانگیزترین موضوعات اقتصاد ایران در سال‌های اخیر اشاره دارد. ارزیابی تأثیر یکسان‌سازی نرخ ارز بر صنعت برق نیازمند تفکیک اثر کوتاه مدت (شوگ) از اثر بلند مدت (ثبات) است.

یکسان‌سازی نرخ ارز، داروی تلخ اما ضروری برای اقتصاد ایران است. برای صنعت برق، این سیاست در بلندمدت پایان دهنده به بی‌نظمی ارزی و فرار سرمایه خواهد بود، اما در کوتاه مدت یک شوک قیمتی مرگبار است. اگر این سیاست بدون بسته حمایتی، دوره گذار و اصلاح تعرفه‌ها اجرا شود، صنعت برق را زمین گیر می‌کند و اگر با تمهیدات لازم همراه باشد، بزرگترین گام برای تبدیل قراردادهای عمرانی از قمارروی نرخ ارز به رقابت بر سر بهره‌وری و تخصص خواهد بود.

بزرگترین دستاورد یکسان‌سازی، حذف نرخ‌های

متعدد و بخشنامه‌های سلیقه‌ای است. وقتی شرکت بداند ارز تجهیزات وارداتی فردا گرانتر از امروز نیست و نرخ رسمی با نرخ بازار یکی است، امکان انعقاد قراردادهای بلند مدت با قیمت ثابت فراهم می‌شود، ریسک تسعیر ارز در صورت‌های مالی حذف می‌شود، تأمین کنندگان خارجی بدون نگرانی از بلوکه شدن ارز، قرارداد می‌بندند.

اگر یکسان‌سازی با افزایش نرخ رسمی به سطح نرخ آزاد انجام شود (و نه برعکس)، شوک قیمتی شدید به صنعت برق وارد می‌شود. اکنون قیمت تجهیزات به یکباره بیش از ۲ برابر می‌شود، پروژه‌های در حال اجرا با زیان هنگفتی مواجه می‌شوند، زیرا برآورد اولیه آن‌ها با ارز ارزان بوده و تعدیل سازمان برنامه جبران‌کننده این جهش نیست، از آن مهم‌تر Cash Flow (به عبارتی نقدینگی) پروژه غیر قابل جبران می‌شود.

در این صورت پروژه‌های جدید با قیمت‌های نجومی برآورد می‌شوند و توان سرمایه‌گذاری دولت را کاهش می‌دهند، صنعت برق آماده این شوک بزرگ نیست، زیرا که ذخیره تجهیزات انبارهای شرکت‌های برق منطقه‌ای و توزیع خالی است. تأمین تجهیزات مورد نیاز برای تعمیرات و توسعه با تأخیر و هزینه مضاعف همراه می‌شود.

یکسان‌سازی نرخ ارز، ارزش واقعی بدهی انباشته وزارت نیرو به کل صنعت برق که هم اکنون بیش از ۱۰۰ همت است را کاهش می‌دهد، اما قدرت پرداخت آن را هم سخت‌تر می‌کند.

برای حل مشکل افزایش ناگهانی نرخ ارز باید به شرکت‌ها فرصت تعدیل قراردادها و تأمین نقدینگی داده شود، سازمان برنامه باید اقدامات لازم را انجام دهد و در جلسه اخیر که با نمایندگان سازمان برنامه و توانیر برگزار شد بر این نکته تأکید شد.

دولت باید همزمان با یکسان‌سازی، اوراق تخصیص ارز ترجیحی یا یارانه نقدی موقت برای پروژه‌های نیمه تمام عمرانی صنعت برق اختصاص دهد. در غیر این صورت، پیمانکاران توان تکمیل پروژه‌ها را ندارند.

■ از دیدگاه شما مهمترین راهکارهای کوتاه مدت و میان مدت برای بهبود شرایط فعلی صنعت برق کشور چیست و چه انتظاری از سیاست‌گذاران و نهادهای تصمیم‌گیر وجود دارد؟

از دیدگاه من، وضعیت فعلی حاصل انباشت بدهی، بی‌عدالتی در تخصیص منابع و تصمیم‌گیری‌های بخشنامه‌ای است. برای برون رفت از این شرایط، راهکارهای مد نظر را بیان می‌کنم:

گروه اول: راهکارهای کوتاه مدت (۶ تا ۱۲ ماه آینده)
با هدف جلوگیری از ورشکستگی زنجیره تأمین و تکمیل پروژه‌های حیاتی

■ تهاتر هوشمند و هدفمند (نه اوراق قرضه اجباری) بطوری که پیمانکار مجبور به پذیرش اوراق با تنزیل ۳۵ درصدی نشود، بدین صورت که اوراق بهادار مختص پروژه‌های اولویت‌دار با بازخرید تضمینی توسط خزانه‌داری و با نرخ تنزیل حداکثر ۱۰ درصد منتشر شود.

■ دولت بپذیرد که تأمین مالی پروژه‌های برق، هزینه امنیت انرژی است، نه هزینه عمرانی. بنابراین این تأمین مالی باید از محل صندوق توسعه ملی یا اوراق اسلامی کم بهره تأمین شود. ■ اصلاح فرمول تعدیل و تزریق شاخص‌های واقعی توسط سازمان برنامه و بودجه بر اساس تورم دوران بعد از جنگ ۱۲ روزه و تغییرات ارزی غیر قابل پیش‌بینی ماه‌های اخیر.

لذا پیشنهاد می‌شود دو شاخص جدید به فرمول تعدیل با عناوین شاخص‌های هزینه تأمین مالی و نرخ ارز آزاد برای تجهیزات تحریمی اضافه شود.

■ پذیرش این واقعیت که پیمانکار برای تأمین نقدینگی وام با نرخ بهره سالانه، حداقل ۳۰ درصد می‌گیرد و این هزینه باید در صورت وضعیت او دیده شود.

■ راه‌اندازی سامانه تهاتر چندجانبه برق - کالا- خدمات، زیرا که پیمانکار به کارفرما بدهکار نیست، اما طلبکار است و مجبور به پذیرش حواله سیمان

و میلگرد می‌شود. لذا ایجاد سامانه‌ای که پیمانکار طلب خود از وزارت نیرو را با بدهی مالیاتی، بدهی بیمه‌ای یا حتی قبض برق کارخانه خود تهاتر کند، بسیار راهگشا خواهد بود.

گروه دوم: راهکارهای میان مدت (۱ تا ۳ سال آینده)
■ برای اصلاح ساختار و کاهش وابستگی به بودجه دولتی با تفکیک نقش کارفرمایی از تصدی‌گری به رگولاتوری است.

لذا باید واگذاری کامل اجرای پروژه‌های جدید به بخش خصوصی و تبدیل شرکت‌های دولتی به نهاد تنظیم‌گر و ناظر در دستور کار قرار گیرد، البته در این راستا باید از رقابت نابرابر شرکت‌های شبه دولتی با پیمانکاران خصوصی جلوگیری شود.

■ تثبیت نرخ ارز و حذف بخشنامه‌های سلیقه‌ای که هر ماه صادر می‌شود، ضرورت دارد.

پیشنهاد می‌شود که یک کریدور ارزی با نرخ شناور مدیریت شده برای صنعت برق ایجاد شود که نرخ پایه آن برای یک سال ثابت باشد.

صنعت برق کشور نه مشکل فناوری دارد، نه مشکل مهندسی، مشکل اصلی بیماری هلندی بودجه است، یعنی دولت پروژه تعریف می‌کند، اما پول آن را تأمین نکرده و به پیمانکار تعهد می‌دهد، بعد سر وعده پول ندارد و اوراق چاپ می‌کند و با تهاتر می‌نماید.

ترجم نمی‌خواهیم، قاعده بازی منصفانه و نرخ ارز یکسان مد نظر ماست، شوک درمانی نشود، تعدیل واقعی شود و پولش را هم به‌موقع بدهند. اگر این سه کار انجام شود، صنعت برق نه تنها ورشکسته نمی‌شود، بلکه موتور محرک خروج از رکود خواهد بود.

نهایتاً اگر کارفرما بپذیرد که ریسک ارز و تأمین نقدینگی با اوست، طرف دوم قرارداد با کمترین سود هم پروژه را می‌گیرد، اما اگر همه ریسک‌ها به پیمانکار تحمیل شود، قیمت پیشنهادی وی غیر رقابتی و بعضاً ۱۰۰٪ بیش از درصد بالاتر از برآورد کارفرما خواهد بود.



پیشنهاد

می‌شود که یک

کریدور ارزی با نرخ

شناور مدیریت

شده برای

صنعت برق ایجاد

شود که نرخ پایه

آن برای یک سال

ثابت باشد.



وقتی مجبور می‌شویم اوراق را با تنزیل بالا نقد کنیم، عملاً بخشی از طلب شرکت از بین می‌رود. برای مجموعه‌ای مثل ما که باید هزینه‌های ارزی یا ریالی خرید باتری، UPS و تجهیزات ذخیره‌سازی را نقدی پرداخت کند، این ابزارها بیشتر نقش مُسکن دارند تا راه‌حل.

مجموعه‌ای از ریسک‌ها روبه‌رو هستیم. مهم‌ترین آن‌ها نوسان ارز است، چون تقریباً تمام تجهیزات اصلی ما از سل‌های لیتیومی، BMS، تجهیزات تست و اجزای UPS عمدتاً وارداتی بوده و به‌طور مستقیم تحت تأثیر نرخ ارز هستند. از طرف دیگر، تأخیر در پرداخت‌ها (به‌طور میانگین ۴۵ روزه)، عدم اعمال تعدیل قرارداد (کما اینکه نرخ تعدیل هر دوره به نسبت تورم ماهیانه بسیار ناچیز بوده)، عدم به‌روزرسانی آیین‌نامه معاملات ادارات و تغییرات ناگهانی قوانین واردات هم روی تصمیم‌گیری ما اثر می‌گذارد و ما باید این ریسک‌ها را در قیمت لحاظ کنیم، اما رقابت در مناقصات اجازه نمی‌دهد همه ریسک‌ها را پوشش دهیم. در نتیجه بخشی از فشار روی شرکت باقی می‌ماند.

■ با توجه به محدودیت منابع مالی در صنعت برق و انباشت مطالبات شرکت‌ها از وزارت نیرو، استفاده از ابزارهایی نظیر حواله محصول یا اوراق خزانه را تا چه حد در تسویه مطالبات و کاهش فشار مالی شرکت‌ها مؤثر می‌دانید؟ به‌طور متوسط، هر یک از این روش‌ها چه میزان هزینه یا کاهش ارزش واقعی مطالبات را به شرکت تحمیل می‌کند؟

تجربه ما با ابزارهایی مثل حواله محصول یا اوراق خزانه این بوده که در ظاهر کمک می‌کنند، اما در عمل ارزش واقعی مطالبات را کاهش می‌دهند. وقتی مجبور می‌شویم اوراق را با تنزیل بالا نقد کنیم، عملاً بخشی از طلب شرکت از بین می‌رود. برای مجموعه‌ای مثل ما که باید هزینه‌های ارزی یا ریالی خرید باتری، UPS و تجهیزات ذخیره‌سازی را نقدی پرداخت کند، این ابزارها بیشتر نقش مُسکن دارند تا راه‌حل. نقدشوندگی پایین، تنزیل بالا و زمان طولانی تبدیل به پول نقد باعث می‌شود این ابزارها همیشه پاسخ‌گو نباشند.

■ با توجه به نوسانات شدید قیمت‌ها در سال‌های اخیر، شاخص‌های تعدیل ابلاغی از سوی سازمان برنامه و بودجه را تا چه اندازه در جبران افزایش هزینه‌ها و کاهش ریسک‌های قراردادی شرکت‌ها مؤثر می‌دانید؟ در صورت ناکافی بودن، به نظر شما مهم‌ترین نارسایی این شاخص‌ها چیست؟

اگر بخواهم از تجربه خودمان در شرکت اشتاد انرژی فناور بگویم، واقعیت این است که در حوزه‌ای مثل باتری‌های صنعتی سرب اسید و نیکل کادمیوم، سل لیتیومی، UPS و سیستم‌های ذخیره‌سازی انرژی، نوسانات قیمت آن‌قدر سریع و شدید اتفاق می‌افتد که شاخص‌های تعدیل فعلی عملاً از بازار عقب می‌مانند. ما با تجهیزاتی کار می‌کنیم که قیمت‌شان کاملاً وابسته به ارز و بازار جهانی است. به‌عنوان مثال، تغییر قیمت لیتیوم، سرب یا هزینه‌های حمل‌ونقل دریایی همان روز روی هزینه‌های ما اثر می‌گذارد. اما شاخص‌های تعدیل با تأخیر منتشر شده و معمولاً میانگین‌گیری می‌شود، در حالی که قیمت در این بازار به صورت جهشی و تصاعدی رشد می‌کند. به همین دلیل، بخش قابل توجهی از افزایش هزینه‌ها در پروژه‌ها جبران نمی‌شود و شرکت‌ها مجبورند بخشی از ریسک را خودشان تحمل کنند.

■ در شرایط فعلی اقتصاد کشور، مهم‌ترین عوامل و ملاحظات‌ی که شرکت شما در قیمت‌دهی مناقصات وزارت نیرو مدنظر قرار می‌دهد، کدام‌اند؟ آیا ریسک‌های ناشی از نوسانات ارزی، تأخیر در پرداخت‌ها و تغییر مقررات در قیمت‌ها لحاظ می‌شود؟

در مناقصات مربوط به باتری‌های نیروگاهی، باتری‌های مخابراتی و دستگاه UPS، ما با

نوسانات اقتصادی به‌ویژه جهش‌های ارزی چنان در فضای کسب و کار کشور شدت گرفته که فعالان اقتصادی عملاً راهکاری برای پیش‌بینی آنچه در فردای کسب و کار، انتظارشان را می‌کشد، ندارند.

در شرایط کنونی بنگاه‌های اقتصادی عملاً در فضایی پرابهام، پریسک و پیش‌بینی‌ناپذیر فعالیت می‌کنند که نه تنها مخاطرات جدی را به آن‌ها تحمیل می‌کند، بلکه هزینه تولید کالا یا خدمات را برای آن‌ها به شدت افزایش می‌دهد.

این مساله در صنعت برق که قراردادهای نسبتاً طولانی مدتی دارد و عمده تجهیزا‌تش متأثر از نرخ ارز هستند، به مراتب ابعاد گسترده‌تری هم دارد. سارمین حمیدی مدیرعامل شرکت اشتاد انرژی فناور با تأکید بر اینکه تغییرات نرخ ارز، روزانه بر هزینه‌های تولید و تامین مجموعه‌اش تأثیر می‌گذارد، تأکید می‌کند که شاخص‌های تعدیل عملاً از رشد فزاینده نرخ ارز بازمانده و امکان جبران هزینه‌های مربوط به آن را ندارند.

او بر این باور است که در شرایط کنونی حداقل کاری که می‌توان برای نجات شرکت‌های فعال صنعت برق انجام داد پرداخت به‌موقع مطالبات، اصلاح شاخص‌های تعدیل، تسهیل تخصیص ارز و کاهش بروکراسی اداری در مناقصات است. مشروح این گفت‌و‌را در ادامه می‌خوانید:



سبقت نرخ ارز از شاخص‌های تعدیل

گفتگو با سارمین حمیدی
مدیرعامل شرکت اشتاد انرژی فناور

برق کشور چیست و چه انتظاری از سیاستگذاران و نهادهای تصمیم‌گیر وجود دارد؟

چند اقدام می‌تواند در کوتاه‌مدت و میان‌مدت به صنعت برق کمک کند. در کوتاه‌مدت، پرداخت به‌موقع مطالبات، اصلاح شاخص‌های تعدیل، تسهیل تخصیص ارز و کاهش بروکراسی اداری در مناقصات می‌تواند بسیاری از مشکلات را کاهش دهد. در این میان نیز نیاز به یک نظام پایدار تأمین مالی، ابزارهای مالی کم‌هزینه‌تر و واقعی‌سازی قیمت‌ها داریم تا شرکت‌ها بتوانند با برنامه‌ریزی بلندمدت فعالیت کنند. شرکت اشتاد انرژی فناوری سال‌هاست در حوزه انواع باتری‌های صنعتی، منابع تغذیه DC، دستگاه UPS و تجهیزات مرتبط فعالیت می‌کند و طبیعتاً بسیاری از این چالش‌ها را از نزدیک تجربه کرده است. با این حال، ما همچنان امیدواریم با اصلاح سیاست‌ها و ایجاد ثبات در تصمیمات اقتصادی، مسیر فعالیت شرکت‌ها هموارتر شود و بتوانیم نقش مؤثرتری در توسعه صنعت برق کشور داشته باشیم.

اگر یکسان‌سازی نرخ ارز با پشتوانه کافی و حاشیه اطمینان پایدار اجرا شود، می‌تواند به ارتقای قابلیت پیش‌بینی و برنامه‌ریزی کمک کند.

می‌تواند به پیش‌بینی پذیر شدن ریسک‌ها و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی شرکت‌ها کمک کند؟ لطفاً توضیح دهید.

اگر یکسان‌سازی نرخ ارز با پشتوانه کافی و حاشیه اطمینان پایدار اجرا شود، می‌تواند به ارتقای قابلیت پیش‌بینی و برنامه‌ریزی کمک کند. ما در حوزه‌ای کار می‌کنیم که کوچک‌ترین تغییر نرخ ارز روی قیمت تمام‌شده تأثیر مستقیم دارد. بنابراین اگر نرخ ارز واقعی و پایدار شود، شرکت‌ها می‌توانند با اطمینان بیشتری برنامه‌ریزی کنند. اما اگر این سیاست بدون مدیریت درست اجرا شود، ممکن است در کوتاه‌مدت فشار بیشتری به شرکت‌های واردکننده وارد کند. امیدواریم این سیاست به‌گونه‌ای اجرا شود که ثبات بیشتری به بازار بدهد، نه اینکه شوک جدیدی ایجاد کند.

■ از دیدگاه شما، مهم‌ترین راهکارهای کوتاه‌مدت و میان‌مدت برای بهبود شرایط فعلی صنعت

پيامدهایی همراه بوده است؟ این مشکلات چه اثری بر زمان‌بندی پروژه‌ها و قیمت تمام‌شده داشته است؟

چالش‌ها برای ما کاملاً ملموس است. زمان تخصیص ارز قابل پیش‌بینی نیست، نرخ‌ها دائماً تغییر می‌کنند و ثبت سفارش برخی اقلام تخصصی مثل سل لیتیومی یا تجهیزات الکتریکی UPS همیشه ساده نیست. این موضوع باعث می‌شود زمان‌بندی پروژه‌ها طولانی شود و قیمت تمام‌شده بالا برود. برای شرکتی که بخش عمده فعالیتش به تجهیزات ارزی وابسته است، این عدم قطعیت‌ها برنامه‌ریزی را سخت می‌کند و حتی گاهی باعث می‌شود پروژه‌ها با تأخیر شروع یا اجرا شوند.

■ با توجه به پیش‌بینی یکسان‌سازی نرخ ارز در بودجه سال ۱۴۰۵، این سیاست را تا چه حد در بهبود یا تثبیت شرایط صنعت برق مؤثر ارزیابی می‌کنید؟ آیا اجرای این سیاست

■ به نظر شما استفاده از ابزارهای نوین مالی مانند برات، اوراق گام و انواع صکوک تا چه اندازه می‌تواند به بهبود گردش نقدینگی و پایداری زنجیره تأمین در صنعت برق کمک کند؟ آیا این ابزارها از سوی تأمین‌کنندگان و سایر حلقه‌های زنجیره ارزش به‌طور عملی پذیرفته می‌شوند؟

این ابزارها ایده‌های بهتری هستند و می‌توانند در بهبود نقدینگی کمک کنند، اما هنوز در زنجیره تأمین ما جا نیفتاده‌اند. بسیاری از تأمین‌کنندگان خارجی یا داخلی در صنعت ذخیره ساز انرژی، عمدتاً به دلیل نرخ تنزیل بالا این ابزارها را نمی‌پذیرند. اگر این ابزارها اصلاح شوند و هزینه‌های تنزیل کاهش پیدا کند، می‌توان امیدوار بود که بخشی از مشکل نقدینگی صنعت حل گردد، اما در وضعیت فعلی استفاده از آن‌ها محدود است.

■ فرایند تخصیص و تأمین ارز برای مواد اولیه و تجهیزات مورد نیاز شرکت شما با چه چالش‌ها و





پیش شرط مدیریت نوسانات اقتصادی در پروژه‌های صنعت برق؛

شناور بودن قیمت پیشنهادی مناقصات

گفتگو با سید محمود رحمتی؛ مدیرعامل شرکت ایمن ایستا الکتریک

اقتصاد ایران ماه‌ها و روزهای بحرانی و پرتلاطمی را تجربه می‌کند و با مجموعه‌ای از فشارهای مزمن روبه‌روست که در طول زمان از مجموعه‌ای رویدادهای مقطعی به یک ساختار پایدار تبدیل شده‌اند. تورم که در ابتدا واکنشی به شوک‌های دوره‌ای بود، اکنون در نتیجه جهش‌های تکرار شونده سه دهه گذشته، به بخشی از رفتار اقتصاد تبدیل شده و بیش از آن‌که تابع تصمیم‌های مقطعی سیاست‌گذار باشد، در چنین محیطی، تصمیم‌های مصرف، تولید، سرمایه‌گذاری و نگهداری دارای بیش از آن‌که به برنامه‌های رسمی تکیه داشته باشد، بر ارزیابی‌های فردی از آینده تورم و نرخ ارز استوار است. در چنین شرایطی بنگاه‌های اقتصادی کاری بسیار دشوار برای پیش‌بینی هزینه‌ها و درآمدهای خود دارند و این مساله در صنعت برق که پروژه‌های بلندمدتی دارد و قیمت‌هایش بیش از سایر حوزه‌ها متأثر از قیمت ارز و نوسانات بهای نهاده‌های تولیدی هستند، ابعادی به مراتب گسترده دارد. سیدمحمود رحمتی، مدیرعامل شرکت ایمن ایستا الکتریک هم بر این مساله صحنه می‌گذارد و معتقد است که در چنین شرایطی شرکت‌ها باید عواملی مانند عدم قطعیت قیمت کالاهای موضوع مناقصه، عدم قطعیت شرایط عنوان شده در مناقصات شرکت‌های تابعه وزارت نیرو و پایداری کارفرما نسبت به شرایط درج شده در اسناد مناقصه، عدم قطعیت در پرداخت مطالبات و افزایش شدید قیمت‌ها با توجه به نرخ تورم را مد نظر قرار دهند». مشروح گفتگوی ما را با این فعال اقتصادی در ادامه می‌خوانید:

■ با توجه به نوسانات شدید قیمت‌ها در سال‌های اخیر، شاخص‌های تعدیل ابلاغی از سوی سازمان برنامه و بودجه را تا چه اندازه در جبران افزایش هزینه‌ها و کاهش ریسک‌های قراردادی شرکت‌ها مؤثر می‌دانید؟ در صورت نا کافی بودن، به نظر

شما مهمترین نارسایی این شاخص‌ها چیست؟ با توجه به تورم بیش از ۵۰ درصد در صورتیکه شاخص تعدیل نتواند این نرخ از تورم را جبران کند عملاً باعث عدم مشارکت شرکت خصوصی در پروژه‌های عمرانی و جاری خواهد شد. از این رو

به جرات می‌توان گفت که مهمترین نارسایی این شاخص عدم تطبیق پوشش هزینه‌ها متناسب با تورم نقطه به نقطه و نرخ تورم سالیانه است. علیرغم نارسایی‌های فوق متأسفانه در قراردادهایی که بند تعدیل قید شده، برخی از شرکت‌های دولتی از تمکین به همین بند قرارداد نیز استنکاف می‌کنند. همچنین در برخی از قراردادها که به صراحت بندی به عنوان تاخیر تادیه دیون گنجانده شده، شرکت‌های دولتی تنها از طریق فرآیند طولانی دعوای حقوقی حاضر به انجام این تعهد قانونی خود هستند. علیرغم تمام توضیحات قبلی متأسفانه اخیراً بندهای تعدیل و تاخیر تادیه و دیون

نیز از بندهای قرارداد حذف شده است.

■ در شرایط فعلی اقتصاد کشور، مهمترین عوامل و ملاحظات آنی که شرکت شما در قیمت‌دهی مناقصات وزارت نیرو مد نظر قرار می‌دهد، کدام‌اند؟ آیا ریسک‌های ناشی از نوسانات ارزی، تأخیر در پرداخت‌ها و تغییر مقررات در قیمت‌ها لحاظ می‌شود؟

ملاحظات آنی که شرکت ما در اعلام قیمت‌ها در نظر می‌گیرد شامل موارد متعددی است که مهمترین آن‌ها عدم قطعیت قیمت کالاهای موضوع مناقصه در زمان بارگزاری اسناد، نسبت به زمان اعلام برنده مناقصه و عقد قرارداد و همچنین عدم قطعیت

شرایط عنوان شده در مناقصات شرکت‌های تابعه وزارت نیرو و پابندی کارفرما نسبت به شرایط درج شده در اسناد مناقصه مطابق شرایط مندرج در اسناد مناقصه هستند. البته در این بین موضوعاتی مانند عدم قطعیت در پرداخت مطالبات و افزایش شدید قیمت‌ها با توجه به نرخ تورم متغیر افزایشی سالانه کشور هم از اهمیت بسیاری در قیمت‌دهی مناقصات برخوردارند.

ذکر این نکته ضروری است که در صورتی که تمام عوامل مؤثر بر ریسک، در فرآیند شرکت در مناقصات و اعلام قیمت، لحاظ شود قطعاً قیمت اعلامی بسیار بالا خواهد بود و بنابراین احتمال بازنده شدن در رقابت با دیگر شرکت‌کنندگانی که پارامترهای مؤثر در قیمت تمام شده پروژه‌ها را در نظر نمی‌گیرند، وجود خواهد داشت.

لذا در صورتی که امکان شناور بودن قیمت پیشنهادی متناسب با تورم وجود داشته باشد و یا اینکه قیمت‌ها به صورت ارزی در زمان بارگذاری قیمت‌ها محاسبه و اعلام شود، می‌توان قیمت‌ها را با حداقل حاشیه‌های قیمتی متناسب با ریسک‌ها اعلام کرد.

■ با توجه به محدودیت منابع مالی در صنعت برق و انباشت مطالبات شرکت‌ها از وزارت نیرو، استفاده از ابزارهایی نظیر حواله محصول یا اوراق خزانه را تا چه حد در تسویه مطالبات و کاهش فشار مالی شرکت‌ها مؤثر می‌دانید؟ به طور متوسط، هر یک از این روش‌ها چه میزان هزینه یا کاهش ارزش واقعی مطالبات را به شرکت تحمیل می‌کند؟

قطعاً پرداخت مطالبات از طریق ابزارهایی همچون حواله محصول یا اوراق خزانه از عدم پرداخت مطالبات بسیار مفیدتر است، اما هر کدام از دو روش فوق دارای اشکالاتی هستند که به آن‌ها اشاره می‌کنم.

در روش پرداخت محصول بعضاً مشاهده شده که محصول ارائه شده با محصولات قید شده در پروانه بهره‌برداری فروشنده مغایرت داشته و امکان

دریافت محصول از بازار بورس کالا میسر نیست و یا حواله محصول بعضی از کالاها امکان فروش و تبدیل به نقدینگی در شرایط عادی را ندارند.

در روش پرداخت اوراق معمولاً بعد از توافق با مشتری جهت دریافت مطالباتی که بیش از شش ماه با تاخیر در پرداخت مواجه بوده‌اند، تسویه مطالبات از طریق اسناد خزانه به خودی خود زمانی بیش از پنج ماه به طول می‌کشد که زمان تسویه مطالبات و تحویل اوراق را به یک سال تبدیل خواهد کرد. با توجه به تورم ماهیانه نزدیک به ۴ درصد عملاً بخشی نزدیک به ۴۸ درصد از توان و نقدینگی به دلیل تورم در زمان دریافت اوراق از بین می‌رود و همچنین در خوش‌بینانه‌ترین حالت با توجه به سر رسید چندساله اوراق، هنگام فروش اوراق در بازار سرمایه، نزدیک به ۱۰ درصد از ارزش ریالی اوراق نیز از بین خواهد رفت.

لازم به یادآوری است که اگر این تأخیر در دریافت مطالبات از طریق اسناد خزانه در بند تأخیر تأدیه دیون محاسبه شود، تا حدی امکان جبران تبعات افت بهای دریافتی کالا از کارفرما جبران خواهد شد.

■ فرآیند تخصیص و تأمین ارز برای مواد اولیه و تجهیزات مورد نیاز شرکت شما با چه چالش‌ها و پیامدهایی همراه بوده است؟ این مشکلات چه اثری بر زمان‌بندی پروژه‌ها و قیمت تمام‌شده داشته است؟

دیر هنگام بودن تخصیص ارز از یک طرف و عدم قطعیت در زمان دقیق تخصیص آن از طرف دیگر و همچنین اختصاص همزمان اعتبار ارزی در زمان نامناسب به دلیل نبود نقدینگی مکفی در شرکت‌ها به دلیل مطالبات ریالی انباشته شده بعضاً باعث عدم امکان جذب اعتبار ارزی اختصاص یافته در موعد و مهلت زمانی جهت تأمین معادل ریالی ارز اختصاص یافته، می‌شود. لذا تبعات اقتصادی عدم تأمین به موقع کالا جهت تولید، باعث خسارت‌های جبران‌ناپذیری خواهد شد و همچنین بی‌اعتباری شرکت‌های داخلی در مقابل شرکت طرف معامله خارجی از پیامدهای

این مشکل خواهد بود. همه عوامل پیش گفته در نهایت باعث تأخیر در تولید و افزایش هزینه‌های پنهان و سربار تولید و باعث غیر رقابتی شدن تولیدات جهت امکان صادرات محصول به کشورهای مقصد خواهد شد.

■ با توجه به پیش‌بینی یکسان‌سازی نرخ ارز در بودجه سال ۱۴۰۵ این سیاست را تا چه حد در بهبود با تثبیت شرایط صنعت برق مؤثر ارزیابی می‌کنید؟ آیا اجرای این سیاست می‌تواند به پیش‌بینی پذیرتر شدن ریسک‌ها و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی شرکت‌ها کمک کند؟ لطفاً توضیح دهید.

مهمترین تأثیر یکسان‌سازی نرخ ارز، کمک به رفع وضعیت ناعادلانه شرکت‌های صادرکننده در مقابل شرکت‌های واردکننده، خواهد بود. چرا که رفع تعهد ارزی حاصل از صادرات در وضعیت چند نرخ هیج اشتیاقی را در تولیدکننده جهت صادرات محصولات

خود ایجاد نکرده و باعث افزایش قیمت محصولات، جهت صادرات خواهد شد، اما یکسان‌سازی نرخ ارز ضمن کاهش فساد در این شیوه، باعث اشتیاق تولیدکننده نسبت به صادرات کالا و خدمات و همچنین تأمین ارز مورد نیاز جهت مواد اولیه وارداتی خود خواهد شد. در نهایت این شفافیت، باعث پیش‌بینی‌پذیرتر شدن کسب و کار و ریسک‌های مرتبط با آن خواهد شد.

■ از دیدگاه شما، مهم‌ترین راهکارهای کوتاه‌مدت و میان‌مدت برای بهبود شرایط فعلی صنعت برق کشور چیست و چه انتظاری از سیاست‌گذاران و نهادهای تصمیم‌گیر وجود دارد؟

به نظر اینجانب مهم‌ترین راهکار در کوتاه مدت سرعت در پرداخت مطالبات از هر طریق و پرداخت پیش‌پرداخت‌های متناسب و به موقع و در بلندمدت و به صورت پایدار، اصلاح قیمت نهادهای انرژی است.



قطعاً پرداخت مطالبات از

طریق ابزارهایی

همچون حواله

محصول یا

اوراق خزانه از

عدم پرداخت

مطالبات بسیار

مفیدتر است،

اما هر کدام از دو

روش فوق دارای

اشکالاتی هستند



ضریب ارزی آن‌ها به صورت مستقیم منعکس‌کننده جهش‌های نرخ ارز نیست. بنابراین پیمانکار با یک شکاف زمانی و عددی مواجه می‌شود که منجر به فرسایش سرمایه در گردش او خواهد شد.

به نظر من مهم‌ترین عوامل بروز نارسایی فعلی ناشی از سه موضوع است که تاخیر در اعلام شاخص‌ها اولین آن‌هاست. این امر باعث می‌شود تعدیل عملاً با یک یا دو فصل فاصله اعمال شود؛ در اقتصاد تورمی این تأخیر به معنی انتقال ریسک به پیمانکار است.

دومین مساله عدم تفکیک دقیق پروژه‌های صنعتی EPC از پروژه‌های عمرانی عمومی است. فراموش نکنیم که ساختار هزینه پروژه‌های صنعت برق با پروژه‌های ساختمانی متفاوت است. وزن تجهیزات، هزینه‌های تأمین خارجی، حمل بین‌المللی، بیمه‌های تخصصی و تضامین بانکی در این پروژه‌ها بسیار بالاتر است، اما شاخص‌ها این واقعیت را به صورت دقیق منعکس نمی‌کنند.

مساله سوم، عدم انطباق تعدیل با شوک‌های غیرخطی است. فرمول‌های تعدیل مبتنی بر روندهای تدریجی هستند، در حالی که اقتصاد ما در سال‌های اخیر با جهش‌های گسسته مواجه بوده است. در چنین شرایطی اگر سازوکارهای مکمل مانند جبران آثار تغییرات ارزی، اصلاح ضرایب پیمان یا پیش‌بینی بندهای تعدیل خاص در موافقت‌نامه لحاظ نشود، ریسک نامتقارن به پیمانکار تحمیل می‌شود.

در مجموع، من معتقدم اصل وجود شاخص‌های تعدیل ضروری و مفید است، اما در وضعیت فعلی برای پروژه‌های EPC صنعت برق کافی نیست. اگر بخواهیم صنعت برق پایدار بماند و سرمایه‌گذاری جدید جذب کند، باید نظام تعدیل را به سمت واقع‌گرایی اقتصادی، سرعت در ابلاغ و انعطاف‌پذیری در مواجهه با شوک‌های ارزی اصلاح کنیم. در غیر این صورت، تعدیل به جای ابزار مدیریت ریسک، به عامل تأخیر در شناسایی زیان تبدیل می‌شود.

می‌شوند اما پیاده‌سازی دقیق در افزایش سطح اثربخشی آن‌ها بسیار موثر است.

او در گفتگو با ستبران با بیان اینکه فاصله زمانی بین وقوع هزینه و پرداخت صورت وضعیت باید کوتاه باشد، خاطرنشان کرده است که شاخص‌ها باید به روز و منعکس‌کننده واقعیت بازار باشند و بر اساس جریان واقعی اقتصاد کشور تدوین شده باشند. حاصل گفتگوی ما با مدیرعامل شرکت پیمان برق را در ادامه می‌خوانید:

...

■ با توجه به نوسانات شدید قیمت‌ها در سال‌های اخیر، شاخص‌های تعدیل ابلاغی از سوی سازمان برنامه و بودجه را تا چه اندازه در جریان افزایش هزینه‌ها و کاهش ریسک‌های قراردادی شرکت‌ها موثر می‌دانید؟ در صورت ناکافی بودن، به نظر شما مهمترین نارسایی این شاخص‌ها چیست؟

واقعیت این است که شاخص‌های تعدیل، به‌ویژه در قالب قراردادهای EPC صنعتی ذاتاً با هدف پوشش نوسانات متعارف طراحی شده‌اند، نه شوک‌های ساختاری اقتصاد ایران در سال‌های اخیر. در شرایطی که با جهش‌های چند برابری نرخ ارز، بی‌ثباتی زنجیره تأمین تجهیزات و تورم بالای عمومی مواجه بوده‌ایم، شاخص‌های فعلی تنها بخشی از افزایش هزینه را جبران کرده‌اند، نه تمام آن را. از نظر فنی، تعدیل زمانی کارآمد است که سه شرط برقرار باشد:

۱) فاصله زمانی بین وقوع هزینه و پرداخت صورت وضعیت کوتاه باشد.

۲) شاخص‌ها به روز و منعکس‌کننده واقعیت بازار باشند.

۳) ترکیب ضرایب شاخص متناسب با ساختار واقعی هزینه پروژه باشد.

در عمل، در صنعت برق به‌ویژه در پروژه‌های پست و خطوط انتقال، سهم تجهیزات الکتریکی وارداتی یا وابسته به ارز بسیار بالاست، اما شاخص‌های ابلاغی با تأخیر منتشر می‌شوند و

مواجهه نابرابر راهکارهای کم جان و ریسک‌های پر قدرت

گفتگو با **متین جنتیان**؛ مدیرعامل شرکت پیمان برق

اقتصاد ایران امروز با تورم مزمن، ناترازی‌های مالی و بانکی و بی‌ثباتی ارزی روبه‌روست که بخش مهمی از آن ریشه در ساختار داخلی دارد. واقعیت این است که حتی در صورت نبود شوک خارجی جدید هم همین ساختار معیوب می‌تواند چرخه‌های تورمی و جهش‌های ارزی را بازتولید کند. با این حال بسیاری بر این باورند که هنوز فضای معناداری برای اصلاحات درون‌زا و کنترل تدریجی این چرخه‌ها وجود دارد که از مسیر تثبیت کوتاه‌مدت، اصلاحات ساختاری میان‌مدت و تقویت حکمرانی و شفافیت در بلندمدت می‌گذرد.

در این بین حفظ بنگاه‌های اقتصادی و افزایش تاب‌آوری آن‌ها در مقابل نوسانات اقتصادی کنونی، از اهمیت بسیاری برخوردار است. متین جنتیان، مدیرعامل شرکت پیمان برق با تأکید بر اینکه فضای کسب و کار کشور در شرایط فعلی با سه ریسک اساسی شامل نوسانات ارزی، تأخیر در پرداخت‌ها و تخصیص اعتبارات و تغییر ناگهانی در مقررات و بخشنامه‌ها مواجه است، تصریح می‌کند که تعدیل‌های قراردادی اگرچه راهکار مناسبی برای مواجهه با بخشی از این ریسک‌ها محسوب



■ در شرایط فعلی اقتصادی کشور، مهم‌ترین عوامل و ملاحظات که شرکت شما در قیمت دهی مناقصات وزارت نیرو مد نظر قرار می‌دهد، کدام‌اند؟ آیا ریسک‌های ناشی از نوسانات ارزی، تاخیر در پرداخت‌ها و تغییر مقررات در قیمت‌ها لحاظ می‌شود؟

امروز قیمت‌دهی در مناقصات وزارت نیرو صرفاً یک محاسبه فنی-متره‌ای نیست؛ بلکه یک تصمیم استراتژیک در مدیریت ریسک است. ما دیگر با یک محیط اقتصادی باثبات روبه‌رو نیستیم که بتوان صرفاً بر مبنای برآورد فنی و درصدی سود متعارف پیشنهاد ارائه کرد. متغیرهای کلان اقتصادی عملاً به بخش اصلی مدل قیمت‌گذاری تبدیل شده‌اند. در شرایط فعلی سه ریسک اصلی وجود دارد که اثر مستقیم بر امکان‌پذیری اجرای پروژه دارد.

اول، ریسک نوسانات ارزی است؛ در پروژه‌های EPC صنعت برق سهم تجهیزات بسیار بالاست و بخش قابل توجهی از این اقلام یا مستقیماً وارداتی است یا وابستگی ارزی دارد. وقتی نرخ ارز در بازه اجرای پروژه قابل پیش‌بینی نیست و سازوکار جبران ارزی کامل و سریع وجود ندارد، عملاً پیمانکار وارد یک فضای عدم قطعیت جدی می‌شود.

دومین ریسک مربوط به تأخیر در پرداخت‌ها و تخصیص اعتبارات است. چراکه حتی اگر صورت‌وضعیت تأیید شود، فاصله زمانی تا پرداخت واقعی گاهی به چندین ماه می‌رسد. در اقتصادی با تورم بالا، این فاصله به معنای کاهش ارزش واقعی مطالبات است. نتیجه آن فشار شدید بر سرمایه در گردش، افزایش هزینه تأمین مالی و فرسایش توان اجرایی شرکت است.

تغییر مقررات و بخشنامه‌های ناگهانی هم سومین ریسک حوزه فعالیت ما محسوب می‌شود. این مساله از تغییر ضوابط ارزی گرفته تا اصلاح رویه‌های بیمه، مالیات یا محدودیت‌های وارداتی را شامل می‌شود. این تغییرات در میانه اجرای پروژه می‌تواند ساختار هزینه را به‌طور اساسی تغییر دهد، در حالی که قرارداد انعطاف لازم برای بازتوزیع ریسک را ندارد.

بنابراین پاسخ این سوال به صراحت مثبت است. این ریسک‌ها در مدل قیمت‌گذاری لحاظ می‌شود، اما مساله اینجاست که دامنه آن‌ها به حدی افزایش یافته که در بسیاری از مناقصات، ورود اقتصادی و منطقی برای پیمانکار خصوصی با تردید جدی همراه است. وقتی عدم قطعیت بالا باشد، یا قیمت پیشنهادی باید به‌شدت محافظه‌کارانه تنظیم شود — که شانس برنده شدن را به شدت کاهش می‌دهد و یا در نهایت شرکت باید ریسک‌هایی را بپذیرد که با اصول حرفه‌ای مدیریت مالی سازگار نیست.

■ **باتوجه به محدودیت منابع مالی در صنعت برق و انباشت مطالبات شرکت‌ها از وزارت نیرو، استفاده از ابزارهایی نظیر حواله محصول یا اوراق خزانه را تا چه حد در تسویه مطالبات و کاهش فشار مالی شرکت‌ها موثر می‌دانید؟ به طور متوسط، هر یک از این روش‌ها چه میزان هزینه یا کاهش ارزش واقعی مطالبات را به شرکت تحمیل می‌کنند؟**

واقعیت این است که در شرایط کمبود نقدینگی دولت، استفاده از ابزارهایی مانند اوراق خزانه یا حواله محصول، از منظر تئوریک می‌تواند به عنوان یک راهکار جایگزین برای جلوگیری از توقف پروژه‌ها قابل قبول باشد؛ اما از منظر عملیاتی برای پیمانکار صنعت برق، این ابزارها «تسویه واقعی» محسوب نمی‌شوند، بلکه تبدیل مطالبات به یک دارایی تنزیل‌پذیر هستند که هزینه مالی قابل توجهی به شرکت تحمیل می‌کند.

در مورد اوراق خزانه اسلامی، مساله اصلی فاصله زمانی تا سررسید و نرخ تنزیل بازار است. پیمانکار برای تأمین سرمایه در گردش ناچار است اوراق را پیش از سررسید در بازار بفروشد. در سال‌های اخیر، بسته به شرایط بازار پول، نرخ تنزیل مؤثر معمولاً بین ۲۵ تا ۳۵ درصد سالانه در نوسان بوده است. این به معنای آن است که اگر مطالبات ما به اوراق یک‌ساله تبدیل شود، در صورت فروش فوری، عملاً بین ۲۰ تا ۳۰ درصد از ارزش اسمی آن کاهش می‌یابد.

در پروژه‌ای با حاشیه سود عملیاتی تک‌رقمی، چنین کاهشی می‌تواند کل سود پروژه را از بین ببرد و حتی آن را زیان‌ده کند.

در خصوص حواله محصول نیز وضعیت پیچیده‌تر است. این ابزار زمانی کارآمد است که شرکت مصرف‌کننده مستقیم آن محصول باشد یا بتواند آن را بدون هزینه مبادله قابل توجه نقد کند. در صنعت برق، بسیاری از پیمانکاران مصرف‌کننده مستقیم محصولاتی مانند سوخت یا فرآورده‌های خاص نیستند و ناچارند حواله را با تخفیف در بازار واگذار کنند. میزان کاهش ارزش بسته به نقدشوندگی بازار می‌تواند بین ۱۰ تا ۲۵ درصد متغیر باشد، ضمن اینکه فرآیند فروش خود زمان‌بر است و هزینه عملیاتی و ریسک حقوقی نیز دارد.

نکته مهم این است که هر دو ابزار، هزینه پنهان تأمین مالی دولت را به پیمانکار منتقل می‌کنند. در واقع دولت به جای پرداخت نقدی، بدهی خود را با ابزار مالی تسویه می‌کند و پیمانکار برای تبدیل آن به نقدینگی، هزینه تأمین مالی را پرداخت می‌کند. این موضوع به‌ویژه برای شرکت‌هایی که سرمایه در گردش محدودی دارند، فشار مضاعف ایجاد می‌کند و توان مشارکت آن‌ها در مناقصات جدید را کاهش می‌دهد.

البته من منکر این نیستم که در شرایط تنگنای بودجه، این ابزارها می‌توانند مانع توقف کامل جریان پرداخت شوند؛ اما اگر به‌صورت گسترده و بدون پیش‌بینی جبران هزینه تنزیل استفاده شوند، عملاً منجر به تضعیف ترازنامه شرکت‌های پیمانکار و کاهش ظرفیت اجرایی صنعت برق خواهند شد.

به اعتقاد من، اگر قرار است از این ابزارها استفاده شود، باید یا مابه‌التفاوت تنزیل به‌عنوان هزینه مالی قابل قبول در قراردادهای شناسایی شود، یا نرخ بازدهی پروژه‌ها به‌گونه‌ای تنظیم شود که این هزینه پوشش داده شود. در غیر این صورت، تسویه با اوراق و حواله محصول بیش از آنکه راه‌حل پایدار باشد، به انتقال بحران نقدینگی از دولت به پیمانکاران تبدیل می‌شود.

■ **به نظر شما استفاده از شبه پول‌ها مانند برات، اوراق گام و انواع صکوک تا چه اندازه می‌تواند به بهبود گردش نقدینگی و پایداری زنجیره تأمین در صنعت برق کمک کند؟ آیا این ابزارها از سوی تأمین‌کنندگان و سایر حلقه‌های زنجیره ارزش به طور عملی پذیرفته می‌شوند؟**

در سطح نظری، ابزارهایی مانند برات الکترونیکی، اوراق گام و صکوک برای تقویت تأمین مالی زنجیره‌ای طراحی شده‌اند؛ اما در صنعت برق، مساله صرفاً وجود ابزار نیست، بلکه نقدشوندگی، نرخ تنزیل و میزان پذیرش آن‌ها در بازار تعیین‌کننده است.

در پروژه‌های EPC، بسیاری از تأمین‌کنندگان تجهیزات استراتژیک به نقدینگی قطعی نیاز دارند و ابزارهای مدت‌دار را تنها در صورت امکان تنزیل سریع و با نرخ منطقی می‌پذیرند. در عمل، هزینه مؤثر استفاده از این ابزارها بسته به شرایط بانکی و ریسک اعتباری می‌تواند در محدوده ۲۰ تا ۳۰ درصد سالانه باشد که برای صنعتی با حاشیه سود محدود، عدد بالایی است.

صکوک نیز در مقیاس کلان می‌تواند به تجهیز منابع کمک کند، اما فرآیند انتشار و هزینه‌های جانبی آن برای بسیاری از شرکت‌های متوسط عملیاتی و سریع نیست. بنابراین این ابزارها می‌توانند نقش مکمل داشته باشند، اما جایگزین نقدینگی واقعی نیستند. بدون پشتوانه اعتباری قوی، نقدشوندگی سریع و نرخ تنزیل قابل پیش‌بینی، این ابزارها صرفاً بدهی مدت‌دار را در زنجیره توزیع می‌کنند. حل پایدار مشکل نقدینگی صنعت برق، صرفاً با توسعه ابزارهای مالی امکان‌پذیر نیست و بیش از آن نیازمند اصلاح ساختار پرداخت‌ها و کاهش ریسک اعتباری کارفرماست.

■ **فرآیند تخصیص و تأمین ارز برای مواد اولیه و تجهیزات مورد نیاز شرکت شما با چه چالش‌ها و پیامدهایی همراه بوده است؟ این مشکلات چه اثری بر زمان‌بندی پروژه‌ها و قیمت تمام شده داشته است؟**



در پروژه‌های EPC، بسیاری از تأمین‌کنندگان تجهیزات استراتژیک به نقدینگی قطعی نیاز دارند و ابزارهای مدت‌دار را تنها در صورت امکان تنزیل سریع و با نرخ منطقی می‌پذیرند.



**صنعت برق
یک صنعت
سرمایه‌بر و
بلندمدت است؛
باتصمیمات
کوتاه‌مدت و
تغییرات مکرر
مقررات نمی‌توان
آن را پایدار نگه
داشت. اگر
چارچوب‌های
مالی، ارزی و
قراردادی شفاف
و قابل پیش‌بینی
باشد، بخش
خصوصی توان
فنی و مدیریتی
لازم برای توسعه
این صنعت را
دارد.**

به‌صورت متوازن‌تری توزیع شود تا پروژه‌ها از حالت فرسایشی خارج شوند. در میان‌مدت، اصلاح ساختار اقتصادی صنعت برق ضروری است. تا زمانی که قیمت فروش برق با هزینه واقعی تولید و توسعه شبکه همخوانی نداشته باشد، ناترازی مالی به شکل مزمن ادامه خواهد داشت. ایجاد سازوکارهای پایدار برای بازگشت سرمایه، توسعه بازار برق رقابتی‌تر و تسهیل سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در تولید و زیرساخت، از اقدامات کلیدی در این حوزه است. انتظار ما از سیاست‌گذاران، بیش از هر چیز ثبات در تصمیم‌گیری و پرهیز از سیاست‌های مقطعی است. صنعت برق یک صنعت سرمایه‌بر و بلندمدت است؛ با تصمیمات کوتاه‌مدت و تغییرات مکرر مقررات نمی‌توان آن را پایدار نگه داشت. اگر چارچوب‌های مالی، ارزی و قراردادی شفاف و قابل پیش‌بینی باشد، بخش خصوصی توان فنی و مدیریتی لازم برای توسعه این صنعت را دارد. در نهایت، صنعت برق باید از نگاه «هزینه‌ای» به نگاه «سرمایه‌ای و راهبردی» ارتقا یابد. زیرساخت برق ستون فقرات رشد اقتصادی است؛ هرگونه تعلل در اصلاح ساختار آن، هزینه‌ای چندبرابری به اقتصاد ملی تحمیل خواهد کرد.

نخواهد شد. در مجموع، صنعت برق بیش از هر چیز به پیش‌بینی‌پذیری نیاز دارد. اگر یکسان‌سازی ارز به ایجاد این پیش‌بینی‌پذیری کمک کند، می‌تواند گام مؤثری در بهبود فضای سرمایه‌گذاری و تصمیم‌گیری شرکت‌ها باشد.

■ از دیدگاه شما، مهم‌ترین راهکارهای کوتاه‌مدت و میان‌مدت برای بهبود شرایط فلی صنعت برق کشور چیست و چه انتظاری از سیاست‌گذاران و نهادهای تصمیم‌گیر وجود دارد؟

به نظر من، صنعت برق امروز بیش از هر چیز با سه مسئله ساختاری شامل ناترازی مالی، ضعف نقدینگی در زنجیره پیمانکاری و کاهش جذابیت سرمایه‌گذاری مواجه است. بنابراین راهکارها نیز باید دقیقاً این سه محور را هدف بگیرد. در کوتاه‌مدت، مهم‌ترین اقدام، اصلاح جریان پرداخت‌ها و مدیریت مطالبات است. کاهش فاصله تأیید صورت‌وضعیت تا پرداخت، استفاده هدفمند و کم‌هزینه از ابزارهای مالی، و شفاف‌سازی وضعیت بدهی‌ها می‌تواند فوراً از فشار نقدینگی بر پیمانکاران و سازندگان بکاهد. همچنین لازم است در قراردادهای EPC، ریسک‌های ارزی و تورمی

بهبود یا تثبیت شرایط صنعت برق موثر ارزیابی می‌کنید؟ آیا اجرای این ساسیت می‌تواند به پیش‌بینی پذیرتر شدن ریسک‌ها و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی شرکت‌ها کمک کند؟ لطفاً توضیح دهید.

در صنعت برق، مساله اصلی ما سطح نرخ ارز نیست، بلکه چندنرخ بودن و غیرقابل پیش‌بینی بودن آن است. از این منظر، حرکت به سمت یکسان‌سازی نرخ ارز در صورت اجرای صحیح می‌تواند به شفاف‌تر شدن برآورد هزینه‌ها و کاهش ریسک تصمیم‌گیری کمک کند.

در پروژه‌های EPC که سهم تجهیزات ارزبر بالاست، تفاوت بین نرخ‌های مختلف عملاً باعث ابهام در قیمت‌گذاری و افزایش حاشیه ریسک در مناقصات می‌شود. اگر یک مبنای واحد، شفاف و قابل اتکا ایجاد شود، مدل‌های مالی شرکت‌ها واقعی‌تر خواهد شد و احتمال بروز اختلافات قراردادی کاهش می‌یابد.

با این حال، اثر مثبت این سیاست مشروط به ثبات در اجرا و کنترل نوسانات است. اگر یکسان‌سازی صرفاً به تجمیع نرخ‌ها منجر شود اما بی‌ثباتی ادامه داشته باشد، مسئله عدم قطعیت حل

در پروژه‌های EPC صنعت برق، به‌ویژه در حوزه پست‌های فشارقوی، سهم تجهیزات و مواد ارزبر بالاست؛ بنابراین فرآیند تخصیص ارز نه تنها یک مساله اجرایی، بلکه یکی از متغیرهای تعیین‌کننده ساختار مالی پروژه محسوب می‌شود.

مسئله اول، عدم قطعیت زمانی در تخصیص ارز است. تأخیر در گشایش اعتبار یا تأمین ارز، منحنی جریان نقدی پروژه را به هم می‌زند و دوره خواب سرمایه را افزایش می‌دهد. در اقتصادی با نرخ تورم و هزینه سرمایه بالا، هر ماه تأخیر به معنای افزایش هزینه مالی ضمنی پروژه است؛ چه از محل تسهیلات بانکی، چه از محل سرمایه در گردش داخلی شرکت. مسئله دوم، تغییرات مکرر مقررات ارزی و تفاوت بین نرخ مبنای قرارداد و نرخ واقعی تأمین ارز است. این شکاف ارزی، عملاً به کاهش حاشیه سود و بعضاً انتقال پروژه از سودآوری به زیان منجر می‌شود. از منظر اقتصادی، این امر به معنای افزایش ریسک سیستماتیک صنعت و بالا رفتن نرخ بازده مورد انتظار پیمانکاران در مناقصات بعدی است.

علاوه بر اثر مستقیم بر قیمت تجهیزات، بی‌ثباتی ارزی باعث افزایش هزینه ریسک در کل زنجیره تأمین می‌شود. تأمین‌کننده داخلی یا خارجی، وقتی نسبت به زمان و نحوه پرداخت اطمینان ندارد، قیمت پیشنهادی خود را با حاشیه احتیاط بیشتری تنظیم می‌کند. این موضوع به افزایش عمومی قیمت تمام‌شده زیرساخت برق منجر می‌شود.

در جمع‌بندی، مساله کلیدی «قابلیت پیش‌بینی» است. هرچه سیاست ارزی شفاف‌تر و زمان تخصیص ارز قابل اتکا‌تر باشد، هزینه سرمایه کاهش می‌یابد، مدل‌های مالی دقیق‌تر می‌شوند و قیمت نهایی پروژه منطقی‌تر خواهد بود. اما در شرایط عدم قطعیت بالا، صنعت ناچار است هزینه ریسک را در قیمت‌ها لحاظ کند و این در نهایت به افزایش هزینه توسعه زیرساخت ملی منتهی می‌شود.

■ باتوجه به پیش‌بینی یکسان‌سازی نرخ ارز در بودجه سال ۱۴۰۵، این سیاست را تا چه حد در



**مساله کلیدی
«قابلیت
پیش‌بینی»
است. هرچه
سیاست ارزی
شفاف‌تر و زمان
تخصیص ارز
قابل اتکا‌تر باشد،
هزینه سرمایه
کاهش می‌یابد،
مدل‌های مالی
دقیق‌تر می‌شوند
و قیمت نهایی
پروژه منطقی‌تر
خواهد بود.**



سازندگان و پیمانکاران در محاصره بحران‌ها

گفتگو با **امیر فرشچیان**؛ مدیرعامل شرکت مقره‌سازان آرمان

صنعت برق ایران از آغاز روند توسعه داخلی تا رسیدن به بالاترین سهم صادرات خدمات فنی و مهندسی کشور، یکی از بخش‌های استراتژیک اقتصادی کشور بوده که زیرساخت رشد اقتصادی کشور را فراهم کرده و در طول بیش از یک دهه اخیر با چالش‌های اساسی و بنیادینی مواجه شده است. صنعت برق در بستر بحران‌های اخیر نه تنها از رشد پرشتاب گذشته جا مانده بلکه عملاً در بسیاری از حوزه‌ها تاب آوری خود را در مقابل نوسانات اقتصادی از دست داده است. در این بین بدون تردید چرخه معیوب اقتصاد برق، نظام حقوقی و قراردادی یک جانبه و ناکارآمد، مشکلات زنجیره تأمین و صادرات و مشکلات پایداری شبکه برق محورهای اصلی چالش‌های فعلی این صنعت محسوب می‌شوند. اگرچه ابزارهایی مانند تعدیل و یا تسویه مطالبات با اوراق خزانه اسلامی و یا حواله کالا برای جبران خسارات وارده به شرکت‌های سازنده و پیمانکار صنعت برق پیش‌بینی شده اما به نظر می‌رسد شیوه اجرا و نتایج پیاده‌سازی این راهبردها در شرایط پرتلاطم کنونی اقتصاد، نتایج مطلوبی به دنبال نداشته است. در همین راستا درباره مهمترین مشکلات پیش روی سازندگان صنعت برق با امیر فرشچیان، رئیس کمیته سازندگان مقره و بوشینگ سندیکای صنعت برق گفتگو کرده‌ایم که در ادامه مشروح آن را می‌خوانید:

■ با توجه به نوسانات شدید قیمت‌ها در سال اخیر، شاخص‌های تعدیل ابلاغی از سوی سازمان برنامه و بودجه را تا چه اندازه در جبران افزایش هزینه‌ها و کاهش ریسک‌های قراردادی شرکت‌ها موثر می‌دانید؟ در صورت ناکافی بودن، به نظر شما مهمترین نارسایی این شاخص‌ها چیست؟

به دلیل تورم بسیار بالای اقتصاد کشور که در ۵ سال گذشته همواره بیش از ۴۰ درصد بوده، در طول سال با کاهش مداوم ارزش ریال روبرو بوده و هستیم. از این رو به جهت جبران آثار و تبعات ناشی از کاهش ارزش ریال در طی مدت زمان قرارداد، مکانیزم اعلام شاخص‌های تعدیل به صورت فصلی و پرداخت مابه‌التفاوت‌های مربوطه به جهت جلوگیری از ضرر و زیان پیمانکاران و جلوگیری از توقف کارها می‌توانست تا حدی گره‌گشا باشد، اما در سال جاری و با افزایش تقریباً ۲ برابری قیمت ارزی اردیبهشت تا بهمن ماه، مکانیزم قبلی در خصوص تعدیل، فاقد تأثیر قابل ملاحظه بوده است.

متأسفانه از اوایل امسال، تنگ‌تر شدن حلقه تحریم‌ها و کاهش درآمدهای دولت، موجب عدم موفقیت دولت و بانک مرکزی در کنترل تورم، افزایش نقدینگی و کاهش بسیار شدید و بی‌سابقه ارزش ریال به میزان تقریباً ۵۰ درصد شده است. علاوه بر این در پاییز امسال، دولت تمامی درخواست‌های ارزی مرتبط با مواد اولیه و کالاهای صنعت برق، از نرخ تالار اول به نرخ تالار دوم را منتقل کرد که افزایش ۵۰ درصدی هزینه تولید کلیه سازندگان و پیمانکارانی را به دنبال داشت که برای واردات مواد اولیه و یا کالای مورد نیازشان در صف تخصیص و خرید ارز بوده‌اند.

نکته اینجاست که طبق روال مرسوم سنوات گذشته، شاخص‌های فصلی مربوط به دوره پاییز معمولاً در تابستان سال بعد اعلام می‌شود؛ به این ترتیب ابلاغ شاخص‌ها به طور متوسط با حدود ۹ ماه تأخیر ابلاغ می‌شود. با توجه به اینکه صورتحساب‌های مربوطه پس از اعلام شاخص‌ها تهیه و ارسال شده و پرداخت‌ها به دلیل کمبود منابع مالی چندین ماه طول می‌کشد، پیمانکاران صنعت برق فقط به واسطه تغییر نرخ ارز از تالار اول به تالار دوم مجبور به هزینه‌کرد مضاعف بیش از

۵۰ درصد در پاییز امسال شده‌اند.

نکته اینجاست که در بهترین شرایط و به فرض مناسب بودن شاخص‌های تعدیل اعلامی از سوی سازمان برنامه و بودجه، تعدیل‌ها یک سال بعد اعمال می‌شود. با توجه به کاهش ارزش ریال با ادامه شرایط فعلی، مطالبات به تقریباً معادل نصف ارزش امسال خواهند رسید.

یکی از مهمترین معایب و نقاط ضعف در خصوص صورت‌حساب‌های تعدیل، بازه‌زمانی نسبتاً طولانی بررسی و پرداخت آن‌ها توسط کارفرمایان است که بعضاً این بازه زمانی از بازه اعلام شاخص‌ها نیز طولانی‌تر است. از آنجا که کارفرمایان هیچگونه خسارتی بابت تأخیر و دیرکرد در پرداخت‌های خود نمی‌پردازند، تورم و کاهش ارزش ریال عملاً ضرر و زیان دیگری را از این ناحیه متوجه پیمانکار می‌سازد. لذا در پاسخ به سوال شما باید عرض کنم که در حال حاضر به دلیل افزایش شدید تورم و کاهش ارزش ریال، شاخص‌های تعدیل و پرداخت مابه‌التفاوت‌های مربوطه به اندازه ۲۰ الی ۲۵ درصد پوشش‌دهنده افزایش هزینه‌ها و کاهش ریسک‌های قراردادی هستند.

عمده دلایل ناکافی بودن آن‌ها عبارت است از:

■ تورم شدید و طولانی بودن مدت زمان انتظار برای اعلام شاخص‌ها که برای رفع آن پیشنهاد می‌شود شاخص‌ها به صورت دوره‌های ماهانه و حداکثر طی مدت ۲ ماه پس از سپری شدن هر دوره اعلام شوند.

■ طولانی بودن مدت بررسی و پرداخت صورت‌حساب‌های مربوطه توسط کارفرمایان که برای رفع آن پیشنهاد می‌شود کارفرمایان محترم ملزم به پرداخت صورت‌حساب‌ها حداکثر طی مدت ۲ ماه پس از ارائه صورت حساب باشند و در غیر اینصورت خسارات مربوط به تأخیر تادیه را پرداخت کنند.

■ شاخص اعلامی نسبت به واقعیت‌های موجود کمتر است که برای رفع آن پیشنهاد می‌شود شاخص‌های اعلامی با مشورت کمیته‌های تخصصی سندیکا تهیه و تنظیم شود.

■ در شرایط فعلی اقتصاد کشور، مهمترین عوامل و ملاحظات که شرکت شما در قیمت‌دهی مناقصات وزارت نیرو مدنظر قرار می‌دهد کدامند؟ آیا ریسک‌های



در شرایط تورمی
اخیر و روند پر
شتاب کاهش
ارزش ریال، نرخ
تنزیل هر سندی
مانند اوراق گام
بسیار بالاست
و شرکت‌ها از
مسیر استفاده
از این مکانیزم‌ها
می‌بایست
هزینه‌ها و
کارمزدهای بالایی
بپردازند.

ناشی از نوسانات ارزی، تاخیر در پرداخت‌ها و تغییر مقررات در قیمت‌ها لحاظ می‌شود؟

بررسی و اطلاع از اولویت طرح برای وزارتخانه مهمترین عامل تصمیم‌گیری برای شرکت در مناقصات است. متاسفانه امروزه شاهدیم که حتی برای طرح‌های اولویت‌دار نیز بودجه کافی و به موقع تخصیص نمی‌یابد. رویه عملکرد برق‌های منطقه‌ای نیز در خصوص پرداخت مطالبات پیمانکاران با یکدیگر یکسان نبوده و نقش کلیدی مدیران عامل برق‌های منطقه‌ای و معاونت‌های ایشان در پیگیری و وصول بودجه کافی از توانیر و پرداخت بدهی‌ها، تأثیر مهمی در ملاحظات مربوط قیمت دهی و شرکت در مناقصات دارد. ایران به عنوان کشوری که در حال حاضر رتبه ۱۶۱ در میان ۱۶۵ کشور را به لحاظ آزادی اقتصادی کسب کرده، شرایط بسیار نامطلوبی به لحاظ کسب و کار دارد و ریسک‌های ناشی از نوسانات نرخ ارز و تاخیر در پرداخت‌ها و تغییر مقررات در آن قابل پیش‌بینی نیستند. تمامی این متغیرها متأثر از شرایط سیاسی هستند که تحت کنترل و قابل محاسبه توسط هیچ فعال اقتصادی نبوده و نیست.

■ با توجه به محدودیت منابع مالی در صنعت برق و انباشت مطالبات شرکت‌ها از وزارت نیرو، استفاده از ابزارهایی نظیر حواله محصول یا اوراق خزانه را تا چه حد در تسویه مطالبات و کاهش فشار مالی شرکت‌ها موثر می‌دانید؟ به طور متوسط، هر یک از این روش‌ها چه میزان هزینه یا کاهش ارزش واقعی مطالبات را به شرکت‌ها تحمیل می‌کند؟

متاسفانه چندین سال است که به دلیل کمبود منابع مالی وزارت نیرو و تاخیرات بسیار طولانی در پرداخت مطالبات، پیمانکاران به جهت حفظ بقا و پرداخت هزینه‌های جاری خود ناگزیر به قبول دریافت حواله کالا (تهاتر) و یا دریافت اوراق خزانه شده‌اند تا از این طریق بتوانند به حفظ و تداوم موجودیت خود کمک کنند. در خصوص حواله کالا که عمدتاً حواله فلزات نظیر آلومینیوم و فولاد است، پیمانکاران با دریافت و فروش حواله در حدود ۱۰ درصد و در خصوص اوراق خزانه در حدود ۴۰ درصد متضرر می‌شوند. با عنایت به اینکه عملاً این

میزان ضررو زیان برای هیچ پیمانکاری قابل قبول نیست، پیمانکاران صرفاً به جهت حفظ بقاء خود و قطع امید از وصول مطالبات به صورت نقدی طی بازه زمانی کوتاه و متوسط ناگزیر به پذیرش آن می‌شوند که از آثار و عواقب این رویکرد، کاهش سرمایه در گردش که موجب ضعیف شدن و از بین رفتن شرکت‌های کوچک و متوسط طی ماه‌های پیش رو خواهد بود.

■ به نظر شما استفاده از شبه پول مانند برات، اوراق گام و انواع صکوک تا چه اندازه می‌تواند به بهبود گردش نقدینگی و پایداری زنجیره تأمین در صنعت برق کمک کند؟ آیا این ابزارها از سوی تأمین کنندگان و سایر حلقه‌های زنجیره ارزش به طور عملی پذیرفته است؟ در شرایط تورمی اخیر و روند پر شتاب کاهش ارزش ریال، نرخ تنزیل هر سندی مانند اوراق گام بسیار بالاست و شرکت‌ها از مسیر استفاده از این مکانیزم‌ها می‌بایست هزینه‌ها و کارمزد‌های بالایی بپردازند. از طرفی بانک‌ها وثایق معتبری نظیر وثیقه ملکی را برای صدور آن‌ها مطالبه می‌کنند. بنابراین با توجه به محدودیت شرکت‌ها، استفاده از آن‌ها چندان جذاب و مقرون به صرفه نیست.

■ فرآیند تخصیص و تأمین ارز برای مواد اولیه و تجهیزات مورد نیاز شرکت شما با چه چالش‌ها و پیامدهایی همراه بوده است؟ این مشکلات چه اثری بر زمانبندی پروژه‌ها و قیمت تمام شده داشته است؟ همانگونه که مطلع هستید در سال‌های اخیر و به خصوص در سال جاری به دلیل مشکلات ناشی از تحریم‌ها، فعال شدن مکانیزم ماشه و تنگ‌تر شدن حلقه محاصره اقتصادی و عدم بازگشت بخش عمده‌ای از ارز کالاهای صادراتی، منابع ارزی بانک مرکزی و دولت کاهش چشمگیری داشته است.

لذا دولت به دلیل عدم امکان کنترل و مدیریت تقاضای ارزی واردکنندگان سعی کرده با اضافه کردن بوروکراسی اداری از طریق ایجاد سامانه‌ها و سهمیه‌های مختلف، فرآیندهای مرتبط با واردات را از مرحله ثبت سفارش تا ترخیص کالا با موانع مختلف مواجه ساخته و مسیری بسیار زمانبر و طولانی برای واردات بوجود آورد. در همین راستا می‌توان به سهمیه بهینه‌سازی

مصرف ارزی برای شرکت‌ها، مدت زمان صف انتظار طولانی به مدت بیش از ۹ ماه برای شرکت‌ها جهت تخصیص ارز و امکان خرید و حواله ارز، تحمیل هزینه‌های انبار داری و دموژاژ کانتینرها به دلیل مشکلات ساختاری و... اشاره کرد. این عوامل باعث شده علاوه بر کمبود مواد اولیه و کالا در کشور، زمان‌بندی و هزینه‌های بالاسری شرکت‌ها و نهایتاً قیمت تمام شده محصولات آن‌ها افزایش مضاعفی علاوه بر اثرات افزایش قیمت ارز داشته باشد که مجال پرداختن به همه مصائب و مشکلات آن در این گفتگو نمی‌گنجد.

■ با توجه به پیش بینی یکسان‌سازی نرخ ارز در بودجه سال ۱۴۰۵ این سیاست را تا چه حد در بهبود یا تثبیت شرایط صنعت برق موثر ارزیابی می‌کنید؟ آیا اجرای این سیاست می‌تواند به پیش بینی پذیرتر شدن ریسک‌ها و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی شرکت‌ها کمک کند؟

ارز ترجیحی که طی سنوات گذشته به کالاهای اساسی نظیر مواد غذایی و دارو تعلق می‌گرفت، هیچگاه به کالای صنعت برق تعلق نگرفته است. از دید من با توجه به شرایط کنونی، سیاست‌های ارزی بانک مرکزی طول عمر بسیار کوتاهی خواهند داشت. همین امروز، اختلاف مابین نرخ ارز تالار دوم و بازار آزاد در حدود ۲۰ درصد است و هر چه این شکاف عمیق‌تر شود، صادرکننده تمایلی به بازگرداندن ارز خود نداشته و وارد کننده به دنبال استفاده بیشتر از این رانت ارزی است. تأکید من بر این است که سیاست تک نرخی شدن ارز نیاز به بستر مناسب شامل ثبات سیاسی و اقتصادی و توانایی بانک مرکزی در تزریق کافی ارز و پاسخگویی به نیازهای ارزی واردکنندگان دارد که امروزه مهیا نیست.

تغییر خلق الساعه قوانین و مقررات نظیر تغییر نرخ ارز از تالار اول به دوم در پاییز امسال، شوک تورمی غیر قابل انکاری به کلیه اجناس وارداتی من جمله مواد اولیه و کالاهای مورد نیاز صنعت برق وارد آورده که اثرات بسیار دامنه‌داری خواهد داشت.

■ از دیدگاه شما، مهمترین راهکارهای کوتاه مدت و میان مدت برای بهبود شرایط فعلی صنعت برق کشور چیست و چه انتظاری از سیاست‌گذاران و نهادهای تصمیم‌گیر وجود دارد؟

در شرایط کنونی و در سایه جنگ و تحریم، موضوعات و مشکلات بسیار پیچیده بوده و دست سیاست‌گذاران و نهادهای تصمیم‌گیر برای مرتفع ساختن معضلات و مشکلات صنعت برق باز نیست. در همین راستا به عنوان ارائه پیشنهاد و راهکارهای مناسب، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

■ پرهیز از تعریف کارهای جدید و برگزاری مناقصات در شرایطی که بدهی توانیر و شرکت‌های تابعه آن به چند هزار همت رسیده است.

■ الزام شرکت‌های تابعه توانیر به بررسی و تأیید صورتحساب‌ها و صورت وضعیت پیمانکاران در یک بازه زمانی محدود کمتر از یک‌ماه و اعلام لیست به روز شده مطالبات به توانیر

■ ایجاد مکانیزم مقتدرانه جهت ملزم کردن مشترکین بزرگ نظیر تولیدکنندگان فولاد و آلومینیوم به پرداخت نقدی بدهی‌های خود به توانیر به منظور پرداخت مطالبات پیمانکاران

■ پرداخت خسارت تاخیر تادیه مطابق شاخص‌های اعلامی بانک مرکزی به کلیه پیمانکارانی که پرداخت صورت حساب و مطالبات آن‌ها بیش از یک‌ماه به تاخیر افتاده است.

■ اعلام شاخص‌های تعدیل به صورت ماهانه بجای اعلام آن‌ها بصورت فصلی و حداکثر طی مدت ۲ ماه پس از سپری شدن هر دوره و ارتباط موثرتر توانیر و سازمان برنامه و بودجه با سندیکا در خصوص تعیین شاخص‌ها

■ حذف سهمیه بهینه‌سازی مصارف ارزی در مرحله ثبت سفارش و الزام بانک مرکزی و وزارت صمت به تخصیص ارز واحدهای تولیدی در بازه زمانی کمتر از ۲ ماه و با آزادسازی شیوه بدون انتقال ارز جهت رفع کمبود مواد اولیه و کالاهای مورد نیاز صنعت برق



متاسفانه از اوایل امسال، تنگ‌تر شدن حلقه تحریم‌ها و کاهش درآمد‌های دولت، موجب عدم موفقیت دولت و بانک مرکزی در کنترل تورم، افزایش نقدینگی و کاهش بسیار شدید و بی‌سابقه ارزش ریال به میزان تقریباً ۵۰ درصد شده است.



از جمله نوسانات نرخ ارز، تأخیر در پرداخت‌ها، تغییر مقررات، هزینه‌های مالی و ریسک نقدینگی را لحاظ کنند.

از منظر مجموعه‌هایی مانند برق‌آپ که تلاش می‌کنند راهکارهای پایدار و بلندمدت برای صنعت ارائه دهند، محدودیت‌های رقابتی مناقصات عملاً اجازه انعکاس کامل این ریسک‌ها در قیمت را نمی‌دهد و نتیجه آن کاهش حاشیه سود، افزایش ریسک زیان و در نهایت خروج تدریجی شرکت‌های توانمند از پروژه‌های دولتی است؛ موضوعی که در بلندمدت به زیان کل صنعت تمام می‌شود.

ابزارهای تسویه مطالبات

استفاده از ابزارهایی مانند اوراق خزانه و حواله محصول، اگرچه در کوتاه‌مدت به تسویه اسمی مطالبات کمک می‌کند، اما تجربه عملی شرکت‌ها نشان می‌دهد هزینه تنزیل، افت ارزش واقعی و دشواری تبدیل این ابزارها به نقد، فشار مالی قابل توجهی ایجاد می‌کند.

در مدل‌های مالی مورد استفاده در برق‌آپ، این ابزارها در عمل بین ۲۰ تا ۳۰ درصد از ارزش مؤثر مطالبات را کاهش می‌دهند که مستقیماً توان سرمایه‌گذاری، توسعه فناوری و حفظ نقدینگی شرکت‌ها را تحت تأثیر منفی قرار می‌دهد.

نقش شبه پول‌ها در گردش نقدینگی

ابزارهایی مانند برات، اوراق گام و انواع صکوک در صورت طراحی صحیح، تضمین‌پذیری بالا و پذیرش گسترده در زنجیره تأمین، می‌توانند بخشی از مشکلات نقدینگی صنعت برق را کاهش دهند.

با این حال، تجربه میدانی نشان می‌دهد هنوز بسیاری از تأمین‌کنندگان و پیمانکاران این ابزارها را معادل نقد تلقی نمی‌کنند و بازار ثانویه عمیق و کارآمدی برای آن‌ها شکل نگرفته است. بدون اصلاح این زیرساخت‌ها، استفاده از شبه پول‌ها - حتی در مدل‌های نوآورانه‌ای که شرکت‌هایی مانند برق‌آپ دنبال می‌کنند - اثرگذاری محدودی خواهد داشت.

چالش‌های تخصیص و تأمین ارز

فرآیند تخصیص و تأمین ارز برای مواد اولیه و تجهیزات صنعت برق با عدم قطعیت، طولانی شدن زمان تخصیص و تغییر مکرر ضوابط همراه بوده است. این چالش‌ها، به‌ویژه برای شرکت‌هایی که در حوزه تأمین پایدار برق و مدیریت مصرف فعالیت دارند، منجر به تأخیر در اجرا، افزایش قیمت تمام‌شده و بعضاً تحمیل جرایم قراردادی شده است؛ در حالی که این ریسک‌ها خارج از کنترل مجری پروژه بوده و در قراردادها نیز به‌درستی پوشش داده نمی‌شوند.

گرفتاری‌های فعالان نوآور صنعت برق در بحران‌های ارزی و تورمی

در طول سال‌های اخیر شرایط اقتصادی ایران چنان با نرخ تورم بالا و نوسانات شدید قیمتی مواجه شده که اداره یک کسب‌وکار را چالشی سخت و نگران‌کننده جلوه می‌دهد. در این بین افزایش مداوم هزینه‌های تأمین مواد اولیه، رکود و بی‌ثباتی در بازار، سطح تاب‌آوری بنگاه‌های اقتصادی را به شدت کاهش داده است. اگرچه در این شرایط مدیریت مالی دقیق، استراتژی‌های قیمت‌گذاری هوشمندانه و بهینه‌سازی منابع، از اهمیت بسیاری برای کنترل پیامدهای تورمی برخوردار است اما در نهایت در صناعی مانند برق به دلیل ماهیت پروژه‌ها و زمانبر بودن آن‌ها بهره‌گیری از ابزارهایی مانند تعدیل‌های قراردادی امری الزامی و غیرقابل چشم‌پوشی است.

ارزیابی شاخص‌های تعدیل ابلاغی

با توجه به نوسانات شدید قیمت‌ها در سال‌های اخیر، شاخص‌های تعدیل ابلاغی سازمان برنامه و بودجه تنها بخشی از افزایش هزینه‌ها را جبران کرده و در عمل نتوانسته‌اند ریسک‌های واقعی قراردادهای صنعت برق را به‌طور کامل پوشش دهند.

تجربه شرکت‌هایی مانند برق‌آپ که هم در حوزه تأمین برق و هم در تعامل مستقیم با مصرف‌کنندگان صنعتی فعال هستند، نشان می‌دهد فاصله زمانی در به‌روزرسانی شاخص‌ها، عدم تطابق آن‌ها با ساختار واقعی هزینه‌ها و کم‌توجهی به اقلام ارزتر، باعث انتقال بخش عمده ریسک به مجریان پروژه شده است.

همچنین اعمال یکسان شاخص‌ها برای پروژه‌هایی با ماهیت، فناوری و مدل درآمدی متفاوت، عملاً کارایی این ابزار را کاهش داده و موجب تضعیف انگیزه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی شده است.

ملاحظات قیمت‌دهی در مناقصات وزارت نیرو

در شرایط فعلی اقتصاد کشور، شرکت‌ها ناچارند در قیمت‌دهی مناقصات وزارت نیرو، مجموعه‌ای از ریسک‌ها



سپیده مزنگی

مدیرعامل شرکت برق‌آپ

البته نباید از این مساله هم چشم پوشید که ما در زمینه دستورالعمل‌ها و قوانین حوزه تجدیدپذیر هم کاستی‌هایی داریم که برای توسعه همه جانبه و پسرعت برق پاک، باید این کاستی‌ها را برطرف کنیم، به عنوان مثال عدم تعیین تکلیف قابلیت توان تزریقی راکتیو در نیروگاه‌های خورشیدی یکی از همین موارد است.

مساله دیگری که در روند توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر باید به شکل جدی مورد توجه قرار گیرد این است که حجم زیادی از اینورترها، تجهیزات الکترونیک قدرت هستند که از عوامل تولید هارمونیک به حساب می‌آیند، به همین دلیل است که علیرغم افزایش ظرفیت نامی شبکه، ما توان و پایداری باکیفیتی از نیروگاه‌های خورشیدی دریافت نمی‌کنیم و ضروری است که با تقویت زیرساخت‌های انتقال و توزیع ناپایداری حاصل از این تولید هارمونیک را کنترل و مدیریت کنیم.

در واقع آنچه که در حوزه تجدیدپذیرها تا حدی نادیده انگاشته شده، ضرورت نگاه بلندمدت به روند توسعه این بخش است، ضرورت افزایش کیفیت و بهینه‌سازی توان، چاره‌اندیشی برای تامین ذخیره‌سازها، استفاده از تجهیزات باکیفیت و همچنین ایجاد زیرساخت‌های لازم برای نگهداری درست و بهینه تجهیزات این نیروگاه‌هاست. واقعیت این است که در تمام کشورهای دنیا برای همه این موارد، اقدام شده و الزامات لازم برای اجرایی کردن هر کدام از موضوعات یادشده، فراهم شده است، اما به نظر می‌رسد ما در شکل‌دهی به این توسعه پسرعت، توجه اندکی به این مسائل

نکته بسیار مهم‌تر این است که در توسعه‌های پسرعتی که در یک حوزه مشخص رخ می‌دهد، عمدتاً کیفیت، تحت تاثیر کمیت، افت می‌کند و همین مساله به ایجاد مشکلاتی در این حوزه‌ها منجر می‌شود که گاهی جبران پیامدهای آن بسیار دشوار است. فراموش نکنیم که صنعت برق طی سنوات گذشته درباره موضوعاتی مانند هوشمندسازی شبکه هم تجربیات مشابهی داشت که مسیر کار را دشوار می‌کرد.

در آن زمان شرکت توانیر و شرکت‌های توزیع قصد داشتند از طریق هوشمندسازی شبکه، مدیریت بار را تا اندازه‌ای تسهیل کنند و برای عملیاتی کردن این هدف، تقریباً به تمام طرح‌ها تن دادند. به این ترتیب در آن زمان انواع تابلوها با تجهیزات مختلف ساخته و نصب شد، اما عملکرد برخی از آن‌ها در کمتر از شش ماه با مشکل مواجه شد. در واقع سرعت و گستردگی پروژه‌های تعریف شده، کیفیت اجرای آن‌ها را به شدت کاهش داد. به نظر می‌رسد این مساله درباره احداث نیروگاه‌های خورشیدی هم در حال تکرار است. از آنجا که توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر به عنوان یک سیاست کلان در کشور هدفگذاری شده و وزارت صمت هم تسهیلاتی را برای تخصیص ارز، واردات تجهیزات، تخصیص زمین و... در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌دهد، امروز با حجم قابل توجهی از پروژه‌های تجدیدپذیر مواجهیم، با این حال نمی‌توان از این مساله چشم پوشید که در تعریف استانداردها، مباحث مهندسی و کیفیت اجرای پروژه‌های این حوزه همچنان ضعف زیادی داریم.

کیفیت در برابر کمیت

مخاطرات توسعه پسرعت تجدیدپذیرها



امیررضا پورچیان

رئیس‌مقام مدیرعامل
و عضو هیئت مدیره شرکت
ایستای توان اتصال

دنیا به سرعت در حال حرکت به سمت توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر است، در واقع عمده کشورهای توسعه یافته به منظور کاهش سطح آلاینده‌گی و همچنین کاهش میزان وابستگی به سوخت‌های فسیلی و تامین امنیت انرژی خود، به تدریج سهم تجدیدپذیرها را در سبد انرژی افزایش داده و برق پاک نیروگاه‌های خورشیدی، بادی و گاه‌ها زمین گرمایی را جایگزین نیروگاه‌های بزرگ حرارتی کرده‌اند.

در ایران اما به واسطه دسترسی ارزان و گسترده به منابع سوخت فسیلی اعم از گاز، نفت و سایر فرآورده‌های نفتی، این اقدام، دیر و بسیار کند آغاز شد. با این حال طی سال‌های اخیر با بالا گرفتن بحث ناترازی‌ها و ایجاد فاصله معنادار بین تولید و مصرف برق، دوباره توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در کشور به یک دغدغه ملی تبدیل شد.

بر اساس آمار منتشر شده از سوی شرکت توانیر، سهم انرژی‌های نو در تامین برق کشور تا پایان سال ۱۴۰۳ رقمی بالغ بر ۶ درصد (عدد درست کمی کمتر از ۲ درصد و حدود ۱.۵ درصد است) بوده و قرار است ظرف سه سال آینده به حدود ۴۸ درصد برسد. (احتمالاً عدد دقیق‌تر ۳۰ درصد است، امروز سهم نیروگاه‌های بزرگ در تامین برق کشور ۹۱ درصد بوده و این جایگزینی تقریباً ناممکن است). به این

ترتیب بر اساس برنامه‌ریزی‌های انجام شده، صنعت برق قرار است طی سه سال آتی، سهم تجدیدپذیرها را در سبد انرژی کشور تا ۸ برابر افزایش دهد که قطعاً تحقق آن می‌تواند به ایجاد یک تحول شگرف در این صنعت منجر شود. با این وجود مساله‌ای که به شکل جدی باید مورد توجه قرار گیرد این است که توسعه‌ای با این ابعاد و گستردگی، بیش از هر چیز به زیرساخت‌ها و پتانسیل‌هایی در شبکه نیاز دارد که به نظر می‌رسد کمتر به آن‌ها توجه شده است. در واقع باید تلاش کنیم در تدوین نقشه راه توسعه‌ای با این ابعاد، همه جوانب را به صورت دقیق بسنجیم و پیش نیازها را به شکل جامعی شناسایی و مهیا کنیم.



داشته‌ایم و این امر می‌تواند در بلندمدت شبکه را دچار مشکل کند.

همچنین یکی از موضوعات کلیدی در احداث نیروگاه‌های خورشیدی، حفاظت از تجهیزات عمدتاً گران قیمت این نیروگاه‌هاست که اگر به درستی انجام نشود، هزینه‌های جانبی قابل توجهی را به سرمایه‌گذار تحمیل کرده و در کوتاه مدت، بازدهی نیروگاه را به شدت کاهش می‌دهد. ضمن اینکه این مسائل می‌تواند حتی برای پایداری شبکه هم مخاطرات جدی ایجاد کند. این در حالیست که سهم تجهیزات حفاظت نیروگاه در هزینه کل آن بسیار اندک است و با صرف یک هزینه ناچیز، نه تنها می‌توان هزینه‌های نگهداری نیروگاه را تا حد قابل توجهی کنترل کرد، بلکه می‌توان از پایداری روند تولید برق هم اطمینان حاصل کرد.

لازم به یادآوری است که استفاده از تجهیزات حفاظت پیش از این در شبکه‌های خودنگهدار، امتحان خود را به خوبی پس داده است، در حالی که نصب این تجهیزات در شبکه‌های خودنگهدار توزیع، تنها ۲ درصد از کل هزینه شبکه را شامل می‌شد، اما همین امکانات می‌توانست ضمن حفظ پایداری شبکه، عملکرد آتی آن را هم تضمین کند. لذا اگر به دنبال افزایش پایدار و بلندمدت سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در تامین برق کشور هستیم، باید به شکلی سازمان یافته و موثر، کیفیت تجهیزات نصب شده را رصد کرده و برای حفاظت و کنترل آن هم چاره اندیشی کنیم تا حفظ پایداری تولید در بلندمدت قربانی رشد سریع، کمی و کم کیفیت آن نشود.

یادمان باشد که تمام کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه دنیا، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر را به شکل جدی دنبال می‌کنند و حتی کشورهای منطقه نظیر عربستان، امارات، کویت و حتی اقلیم کردستان عراق هم علیرغم دسترسی گسترده به منابع فسیلی به شکلی جدی به این حوزه ورود کرده‌اند. اگر در این بازار رقابتی به دنبال ماندگاری و توسعه پایدار هستیم، باید پروژه‌های خورشیدی را به نحوی اجرا کنیم که در کوتاه‌مدت با کاهش جدی راندمان و یا از کارافتادگی تجهیزات مواجه نشویم.

سوق دادن بیش از ۴۸ درصد تولید برق به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر و تولید پراکنده (DGها) نیازمند ساختاری است که بتواند پایداری شبکه را در حوادث غیرمترقبه،



سوق دادن بیش از ۴۸

درصد تولید برق به سمت

انرژی‌های تجدیدپذیر

و تولید پراکنده (DGها)

نیازمند ساختاری است

که بتواند پایداری شبکه

را در حوادث غیرمترقبه،

تغییرات آب و هوایی و

همچنین نوسانات فنی

تجهیزات، حفظ کند.

تغییرات آب و هوایی و همچنین نوسانات فنی تجهیزات، حفظ کند، البته در این میان نباید و نمی‌توان از اهمیت تامین و نصب ذخیره‌سازها به ویژه در حوزه نیروگاه‌های تجدیدپذیر چشم پوشید. اگر به دنبال توسعه همه جانبه تولید برق خورشیدی هستیم، مانند سایر کشورهای دنیا باید برای نصب ذخیره‌سازها هم چاره‌اندیشی کنیم.

خوشبختانه توسعه تکنولوژی‌ها در حوزه ساخت باتری‌های لیتیومی یا لیتیوم فسفات آهن به حدی بوده که بخش قابل توجهی از چالش‌های این حوزه را برطرف کرده و حتی هزینه‌های نصب و نگهداری و تعمیرات آن‌ها را هم به شدت کاهش داده است. تا پیش از این حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد هزینه‌های یک نیروگاه خورشیدی، مربوط به باتری‌های آن بود که امروزه با تحولات پرسرعت در حوزه تکنولوژی‌های باتری‌های لیتیومی، این هزینه‌ها به شدت کاهش یافته است و حفظ پایداری شبکه با اتکا به تجدیدپذیرها را تسهیل کرده است.

این ذخیره‌سازها در کشورهایی مانند چین، نقش بسیار کلیدی در تامین برق مردم ایفا می‌کنند، چرا که مشترکین می‌توانند در زمان کم باری که تعرفه‌های برق کمتر و ارزان‌تر است، این ذخیره‌سازها را شارژ کرده و در زمان پرباری که قیمت برق بسیار بالاست، از آن‌ها استفاده کنند، به این ترتیب هم هزینه برق کمتری می‌پردازند و هم در زمان پیک، فشار کمتری به شبکه وارد می‌کنند. به همین دلیل است که ساخت و ارتقاء تکنولوژی ذخیره‌سازها به عنوان پروژه‌های کلیدی در بسیاری از کشورهای دنیا دنبال می‌شود.

در واقع ذخیره‌سازها علاوه بر اینکه فرآیندهای تامین انرژی را تغییر می‌دهند، جابجایی محل تزریق برق تولیدی، صرفه‌جویی در مصرف، کاهش هزینه‌های تامین برق و پایداری شبکه را هم امکان‌پذیر خواهد کرد. از این رو به نظر می‌رسد که آینده صنعت برق به شکلی غیرقابل انکار به توسعه ذخیره‌سازها گره خورده است. از این رو ضروری است شرکت‌هایی که در حوزه ساخت تجهیزات و تولید خدمات فنی و مهندسی حوزه تجدیدپذیر فعال هستند، با فعال کردن بخش تحقیق و توسعه خود بر روی ذخیره‌سازها، خود را برای تحولات آتی صنعت برق مهیا کنند.

بازخوانی مهمترین اقدامات سندیکا

سندیکاران



شماره : ۱۲۸۴-۱۴۰۴
تاریخ : ۱۴۰۴/۱۱/۲۸

سندیکای صنعت برق ایران
Iran Electrical Industry Syndicate
بسمه تعالی

سرکار خانم مهندس سلیمان

مدیرکل محترم دفتر بررسی های فنی بازرگانی، قراردادهای و پشتیبانی شرکت توانیر

موضوع: نیاز به جبران آثار ناشی از افزایش نرخ ارز (نوبت پنجم)

با سلام و احترام؛

باستحضار می رساند که تغییرات نرخ ارز در واقعیت فراتر از آن است که در سایت های رسمی و دولتی دیده و احصاء می گردد. اگر به این واقعیت گریز نا پذیر، کارمزد های بانکی و کارمزد های صرافی و هرگونه هزینه مبادله دیگری را اضافه کنیم آنگاه نرخ ارز واقعی و آثار آن در قراردادهای بیش از پیش نمایان خواهد شد.

در هر حال تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۶ به عنوان یک شاخص زمانی برای تغییر تالار یک به تالار دوم ارزی می باشد که عملاً CASH FLOW قراردادها اعم از دارای تعدیل و یا فاقد آن را دچار مشکلات فراوان نموده است.

توقف زنجیره تامین ناشی از وقایع اقتصادی و صف های تخصیص و تامین ارز نیز از عوامل دیگر در کند شدن روند پروژه ها می باشد.

تغییرات نرخ مس و آلومینیوم و سایر فلزات ، خود حدیث مفصل جداگانه ای دارند که به موارد فوق اضافه می گردند. رشد هزینه های جاری برای فعال نگه داشتن کارگاه قراردادهای هم، غیر قابل انکار هستند.

در چنین شرایطی صدور بخشنامه جبرانی نرخ ارز نوبت پنجم بیش از پیش احساس می گردد. لذا خواهشمند است دستور فرمایید که جلساتی مشترک را با سازمان برنامه و بودجه کشور دستور به تشکیل صادر فرمایید و امید

است در این جلسات با حضور نمایندگان این سندیکا، بتوانیم در یک همکاری مشترک بخشنامه نوبت پنجم را بسیار بهتر از نوبت چهارم در سریعترین زمان ممکن، منتشر و اجرایی نماییم.

پیشاپیش از حسن توجه جنابعالی سپاسگزاری می نماید.

مهدی مسائلی

دبیر سندیکا

رونوشت:

- جناب آقای دکتر رجبی مهدی؛ سرپرست معاونت محترم برق و انرژی وزارت نیرو ؛ جهت استحضار
- جناب آقای مهندس اله داد؛ سرپرست محترم شرکت توانیر ؛ جهت استحضار
- جناب آقای مهندس ازوجی؛ معاونت محترم هماهنگی مالی و پشتیبانی شرکت توانیر؛ جهت استحضار
- جناب آقای دکتر ارجمند؛ مدیر کل محترم دفتر راهبردی و نظارت بر انتقال و توزیع وزارت نیرو؛ جهت استحضار

نشانی: تهران، خیابان فاطمی غربی، مسیاحت نسائی، پلاک ۱۵
کدپستی: ۱۹۹۱۸۵۳۱۳۱ / تلفن: ۰۲۰-۶۶۵۲۰۹۲۰ / فکس: ۶۶۱۴۹۹۶۷
Address: No15, North Sio-Dokht ST, West Fatermi Ave, Tehran-Iran
P.Code: 14285314 / Tel: (+9820) 6579930-35 66 / Fax: (+9820) 66144967
E-mail: info@ieis.ir / Website: www.ieis.ir



شماره : ۱۲۷۴-۱۴۰۴
تاریخ : ۱۴۰۴/۱۱/۲۸
پیوست: ندارد

سندیکای صنعت برق ایران
Iran Electrical Industry Syndicate
بسمه تعالی

بسمه تعالی

جناب آقای دکتر رجبی مهدی

مدیرعامل محترم شرکت توانیر

موضوع: درخواست تایید تاخیرات قراردادی ناشی از ثبت سفارش و تخصیص ارز

با سلام و احترام؛

ضمن تشکر و قدردانی از همکاری و حسن توجه جنابعالی در رسیدگی به مشکلات بخش خصوصی صنعت برق، به استحضار می‌رساند یکی از چالش‌های قراردادی صنعت برق در حال حاضر تاخیرات ناشی از ثبت سفارش، تخصیص ارز و بهینه‌سازی ارزی به منظور تامین تجهیزات، قطعات و مواد اولیه در اجرای تعهدات قراردادی با شرکت‌های زیرمجموعه و تابعه توانیر می‌باشد، از این روی خواهشمند است دستور فرمایید تا ترتیبی اتخاذ گردد تا تاخیرات ناشی از ثبت سفارش (مطابق با اطلاعات ثبت سفارش و مستندات مربوطه)، تخصیص ارز و بهینه‌سازی ارزی به منظور تامین تجهیزات، قطعات و مواد اولیه در قراردادهای بخش خصوصی با شرکت های برق منطقه ای و توزیع نیروی برق به عنوان تاخیرات مجاز قراردادی لحاظ گردد.

پیشاپیش از حسن توجه جنابعالی قدردانی می‌نماید.

مهدی مسائلی

دبیر سندیکا

اقدام کننده: معاونت فنی و امور کمیسیون‌ها و کمیته‌ها

نشانی: تهران، خیابان فاطمی غربی، مسیاحت نسائی، پلاک ۱۵
کدپستی: ۱۹۹۱۸۵۳۱۳۱ / تلفن: ۰۲۰-۶۶۵۲۰۹۲۰ / فکس: ۶۶۱۴۹۹۶۷
Address: No15, North Sio-Dokht ST, West Fatermi Ave, Tehran-Iran
P.Code: 14285314 / Tel: (+9820) 6579930-35 66 / Fax: (+9820) 66144967
E-mail: info@ieis.ir / Website: www.ieis.ir

درخواست تمدید
نوبت پنجم
بخشنامه جبران
افزایش نرخ ارز

شماره : ۱۲۸۰-۱۴۰۴
تاریخ : ۱۴۰۴/۱۱/۲۸
پیوست: دارد



بسمه تعالی

سرکار خانم مهندس سلیمان

مدیرکل محترم دفتر بررسی های فنی بازرگانی، قراردادهای و پشتیبانی شرکت توانیر

موضوع: درخواست اجرایی شدن بند ۴ از ماده ۹ آیین نامه اجرایی بند "ت" ماده ۴ قانون برنامه پنج ساله هفتم

با سلام و احترام؛

در رابطه با موضوع نامه حاضر که به زبان ساده تر آزاد سازی ۵٪ سپرده بیمه ناشی از اجرای ماده ۳۸ قانون تامین اجتماعی می باشد، دو فقره نامه از طرف سازمان تامین اجتماعی به شرح پیوست نامه ارسال شده است، اما اجرای آن ها از طرف ذی‌حسابی توانیر، محقق نشده است.

لذا به منظور آزادسازی نقدینگی بنگاه ها در شرایط اقتصادی فعلی، نقدینگی که عملاً کارایی برای بخش خصوصی بسیار دارد اما برای دستگاه اجرایی (توزیع برق، برق منطقه ای) هیچ کارایی ندارد. (صرفاً سپرده است)، دستور اقدام لازم صادر فرمایید.

شایان یادآوری است که آخرین صورت وضعیت معطل، مقاصحساب بیمه خواهد ماند. از طرف دیگر، ضریب بیمه قراردادهای EPC و PC و فوق بخشنامه شماره ۱۸۹۵۳/۱۴۰۱۰۰ مورخ ۱۴۰۱/۰۸/۱۸ سازمان تامین اجتماعی ۴٪ مقطوع می باشند.

ضریب بیمه قراردادهای P هم وفق ماده ۵۳ بخشنامه تنقیح و تلخیص ابلاغی ۱۳۹۹/۱۲/۲۰ کمتر از ۱/۴٪ کل پیمان می باشد.

در هر حال در صورت وجود هرگونه ابهام، خواهشمند است دستور استعلام از سازمان تامین اجتماعی صادر فرمایید. پیشاپیش از حسن توجه جنابعالی سپاسگزاری می نمایم.

مهدی مسائلی

دبیر سندیکا

رونوشت:

- جناب آقای دکتر رجیب مشهدی؛ سرپرست محترم معاونت برق و انرژی وزارت نیرو؛ جهت استحضار
- جناب آقای مهندس اله داد؛ سرپرست محترم شرکت توانیر؛ جهت استحضار
- جناب آقای مهندس ازوجی؛ معاونت محترم هماهنگی مالی و پشتیبانی شرکت توانیر؛ جهت استحضار
- جناب آقای دکتر ارجمند؛ مدیر کل محترم دفتر راهبردی و نظارت بر انتقال و توزیع وزارت نیرو؛ جهت استحضار

نشانی: تهران، خیابان فاطمی غربی، سیندخت نسائی، پلاک ۱۵
کدپستی: ۱۹۱۱۸۵۳۱۳۱ / تلفن: ۰۲۰-۶۶۵۲۰۹۳۰ / فکس: ۶۶۱۴۴۹۶۷
Address: No15, North Sio-Dokht ST, West Fatemi Ave, Tehran-Iran
P-Code: 14285134 / Tel: (+9820) 6579930-35 66 / Fax: (+9820) 66144967
E-mail: info@ieis.ir / Website: www.ieis.ir



شماره : ۱۲۸۱-۱۴۰۴
تاریخ : ۱۴۰۴/۱۱/۲۸

بسمه تعالی

جناب آقای مهندس ازوجی

معاونت محترم هماهنگی مالی و پشتیبانی شرکت توانیر

موضوع : امکان فراهم شدن استفاده از اوراق خزانه برای تهاتر با سازمان های بیمه و مالیات

با سلام و احترام؛

پیرو جلسات ۱۴۰۴/۱۱/۲۶ و ۱۴۰۴/۱۱/۰۸ و به منظور کاهش اثرات نرخ تنزیل ناشی از فروش اوراق خزانه، خواهشمند است وفق موارد مطروحه در جلسات مذکور نسبت به اعمال خرد شدن اوراق (درج شناسه های گوناگون معرفی شده از طرف پیمانکار، روی اوراق) به منظور فراهم شدن امکان خرج کردن آنها به پیمانکاران دست دوم دستور مساعدت در اقدام لازم صادر فرمایید.

پیشاپیش از حسن توجه جنابعالی سپاسگزاری می نماید.

مهدی مسائلی

دبیر سندیکا

رونوشت:

- جناب آقای دکتر رجیب مشهدی؛ سرپرست محترم معاونت محترم برق و انرژی وزارت نیرو؛ جهت استحضار
- جناب آقای مهندس اله داد؛ سرپرست شرکت توانیر؛ جهت استحضار
- جناب آقای مهندس ازوجی؛ معاونت محترم هماهنگی مالی و پشتیبانی شرکت توانیر؛ جهت استحضار
- جناب آقای مهندس امرایی؛ ذی‌حساب محترم شرکت توانیر؛ جهت استحضار

نشانی: تهران، خیابان فاطمی غربی، سیندخت نسائی، پلاک ۱۵
کدپستی: ۱۹۱۱۸۵۳۱۳۱ / تلفن: ۰۲۰-۶۶۵۲۰۹۳۰ / فکس: ۶۶۱۴۴۹۶۷
Address: No15, North Sio-Dokht ST, West Fatemi Ave, Tehran-Iran
P-Code: 14285134 / Tel: (+9820) 6579930-35 66 / Fax: (+9820) 66144967
E-mail: info@ieis.ir / Website: www.ieis.ir

امکان استفاده از
اوراق خزانه برای
تهاتر بدهی ها

درخواست
اجرای بند ت
ماده ۴ برنامه
هفتم



درخواست درج
تیک نسیه در
سامانه مودیان



شایان ذکر است در حاشیه برگزاری این نمایشگاه، دیداری میان دبیر سندیکا و رئیس شعبه فارس با دکتر نواب قائدى مدیرعامل جدید شرکت برق منطقه‌ای فارس و بوشهر، در محل غرفه شرکت نیرو ترانس صورت گرفت و هماهنگی اولیه با ایشان جهت برگزاری جلسه با سندیکا در خصوص پیگیری مطالبات و مشکلات شرکت‌های عضو انجام شد.

صادق زاده رئیس شعبه فارس از غرفه شرکت‌های عضو که در نمایشگاه حضور داشتند، بازدید و در روند فعالیت آن‌ها قرار گرفت. شرکت‌های ایستا توان اتصال، توان انرژی پرداز پارسیان، محور آزمای فارس، نوآوران صنعت برق (پیتک) و نیرو ترانس از جمله شرکت‌های حاضر در نمایشگاه بودند.

عزم سندیکا و اعضا برای فعال سازی مجدد شعبه فارس

انرژی‌های تجدیدپذیر و بازرگانی محور بعدی جلسه بود. در بخش دیگری از این جلسه، بر مشارکت بیشتر اعضای شعبه فارس و افزایش تعداد اعضا به منظور فعال سازی شعبه فارس تأکید شد. حاضران همچنین بر ضرورت برگزاری جلسات مستمر میان اعضای شعبه فارس برای هم‌افزایی و پیگیری مسائل صنفی تأکید کردند. در پایان این نشست، اعضا ضمن تقدیر و تشکر از سندیکای صنعت برق از پیگیری‌ها و پاسخگویی شبانه‌روزی سندیکا به مشکلات و مکاتبات اعضا قدردانی کردند.

در این جلسه، نمایندگان شرکت‌های محور آزمای فارس، پارس الکترو بختگان تابلو، مشایع، نیرو ترانس، تعمیرات نیروی برق فارس، توان انرژی پرداز پارسیان، نیرو افشان برق پارس، نوآوران صنعت برق و سازه روئین حضور داشتند.

همچنین در جریان سفر به شیراز که مصادف با برگزاری نمایشگاه صنعت برق در این شهر بود؛ مهدی مسائلی دبیر سندیکا و مسعود

دبیر سندیکای صنعت برق ایران به منظور تقویت تعاملات با شرکت‌های عضو فعال در استان‌های مختلف و همچنین بررسی الزامات فعال سازی مجدد شعبه فارس سندیکا، روز چهارشنبه نوزدهم آذر ۱۴۰۴ در نشستی با اعضای شعبه فارس در محل اتاق بازرگانی فارس به بحث و بررسی پیرامون این موضوع پرداختند.

در ابتدای این نشست، هیئت‌مدیره دوره نهم سندیکا معرفی و بر رویکرد جدید سندیکا در تبدیل شدن به شریک راهبردی شرکت توانیر تأکید شد. مهندس مسائلی در ادامه، به مهم‌ترین دستاوردهای سندیکا اشاره کرد که از جمله آن‌ها می‌توان به ابلاغ بخشنامه جبرانی نرخ ارز، بخشنامه تنقیح و تلخیص و پیگیری موضوع تهاثر مطالبات شرکت‌ها با حق بیمه در جلسه با توانیر اشاره کرد. وی همچنین از دریافت پاراف نهایی برای ابلاغ این موضوع به شرکت‌های توزیع خبر داد. معرفی میزهای خدمت و ارائه مشاوره‌های رایگان سندیکا به اعضا در قالب این میزها از جمله میز وزارت صمت، کار و تامین اجتماعی،





تیم سندیکای صنعت برق، قهرمان دومین دوره مسابقات فوتسال جام سندیکا

تولیدی و بازرگانی تخصصی صنعت برق لمپو. شایان ذکر است شرکت‌های معظم الکتروپژواک آراین، باسط‌پژوه تهران، برق آپ، تولیدی نورآرای شمال، انرژی گستر سلماس و آراین کلیدپارس به عنوان حامیان مالی، مسئولیت اسپانسر این دوره از مسابقات را بر عهده گرفته بودند. همچنین روز دوم بهمن ماه اولین دوره مسابقات پینگ‌پنگ نیز در دو بخش بانوان و آقایان برگزار شد که سرکار خانم فقیه‌زاده به عنوان برنده مسابقات بانوان انتخاب شد. در مسابقات پینگ‌پنگ آقایان نیز آقای کدیور از سندیکای صنعت برق قهرمان و آقای بستک از شرکت قدس نیرو نایب قهرمان شدند. شایان ذکر است طی مراسمی که ۱۳ بهمن ماه با حضور محمدهادی فقیه‌زاده رئیس، محمود فتوره‌چی عضو هیئت مدیره و مهدی مسائلی دبیرکل سندیکای صنعت برق ایران برگزار شد، از نفرات تیم سندیکای صنعت برق که مقام قهرمانی این دوره از مسابقات فوتسال را کسب کرده بودند و همچنین نفرات برتر مسابقات پینگ‌پنگ تقدیر به عمل آمد. «شایان ذکر است سومین دوره مسابقات جام سندیکای صنعت برق ایران شهریور ۱۴۰۵ در رشته‌های مختلف ورزشی اعم از فوتسال، تنیس، والیبال و ... برگزار خواهد شد».

دومین دوره مسابقات فوتسال سندیکای صنعت برق ایران نکوداشت زنده‌یاد دکتر «اسفندیار بامداد» مدیرعامل سابق شرکت باسط‌پژوه تهران و بزرگداشت دکتر «هاشم اورعی» استاد تمام رشته برق دانشگاه صنعتی شریف و بنیانگذار شرکت الکتروپژواک آراین، از ۵ دی الی ۲ بهمن با حضور ۱۸ تیم در مجموعه ورزشی کشتیرانی برگزار شد.

از بین بازی‌های انجام شده تیم‌های سندیکای صنعت برق، تولیدی نورآرای شمال، اتاق بازرگانی ایران و آتی نیرو گستر به مرحله نیمه نهایی و فینال راه یافتند که بعد از انجام بازی‌ها تیم سندیکای صنعت برق ایران با پیروزی بر تیم نورآرای شمال به قهرمانی رسید و تیم‌های اتاق ایران و آتی نیرو پاک گستر به ترتیب به مقام سوم و چهارم دست یافتند.

۱۸ تیم حاضر در این دوره از مسابقات فوتسال عبارت بودند از: سندیکای صنعت برق ایران، توانیر، اتاق بازرگانی ایران، متین صدر صنعت، تولیدی نورآرای شمال، سانیر آریا، پرشین سازه پرتو، تأمین سیستم لاله‌آذین، تعمیرات و توسعه بهره‌برداری ریلی مپنا، فراگستر بیستون، الکتروپژواک آراین، تانیران، راهکار تجارت کوشا، باسط‌پژوه تهران، تأمین تجهیز فولاد برق تکاب، آتی نیرو پاک گستر، برق‌آپ و



طرفی از قرارداد، بدون حق انتخاب، بایستی به آن ملحق شوند/ شود. قرارداد مذکور، از حیث تنظیم «فردی/درون سازمانی» و «ثالث/برون سازمانی»، به «الحاقی یک جانبه» و «الحاقی دوجانبه» تقسیم می‌شود. الزام به الحاق در قرارداد الحاقی یک جانبه، ذاتی است؛ لیکن الزام به الحاق در قرارداد الحاقی دوجانبه، می‌تواند ذاتی (مستقل و وابسته) و یا تبعی باشد.

قرارداد استاندارد الحاقی یک جانبه^۳، از سوی یک طرف و عمدتاً «طرف قوی»^{۳۵} قرارداد، تنظیم و طرف دیگر، ملزم به پذیرش (الحاق) و در غیر این صورت، رها کردن آن (عدم الحاق) است.^{۳۶}

اخذ اشتراک و آبونمان تلفن، اخذ انشعاب آب، برق و گاز، در قالب قراردادهای استاندارد الحاقی یک جانبه صورت می‌پذیرد؛ به نحوی که متقاضی اشتراک/انشعاب، ملزم به پذیرش یک جانبه تمام مفاد و شروط قرارداد ارائه شده از سوی «ساز حقوقی»^{۳۷} مرتبط با موضوع (به عنوان مثال: شرکت مخابرات) است. قراردادهای همسان شرکت‌های خصوصی اداره‌کننده خدمات عمومی (نظیر شرکت‌های توزیع نیروی برق استان) ذیل آئین‌نامه معاملاتی مشا‌ءالیه‌م و بدون نیاز به تأیید سازمان برنامه و بودجه، با پیمانکاران در «طرح‌های غیرعمرانی»^{۳۸} نیز، در قالب قراردادهای استاندارد الحاقی یک جانبه، منعقد می‌شوند.

قراردادهای استاندارد الحاقی دوجانبه، از سوی یک شخص ثالث (غیر از متعاملین)، تنظیم و اطراف قرارداد مطابق قاعده آمره^{۳۹} و یا در موقعیت خاص برای انعقاد، بایستی به آن ملحق شوند. الزام طرفین به الحاق در این نوع از قراردادهای، به دو صورت ذاتی و تبعی است.

قرارداد استاندارد الحاقی دوجانبه ذاتی، قراردادی است که تنظیم‌کننده آن، سازه حقوقی حقوق عمومی بوده و طرفین، بر مبنای قانون و یا مقرر آمره خاصی، ملزم به الحاق هستند. قرارداد اخیر، خود به دو دسته مستقل و وابسته تقسیم می‌شود. چنانچه ثالث تنظیم‌کننده قرارداد الحاقی دو جانبه ذاتی، از جنبه اداری (و نه لزوماً حقوقی) مستقل از طرفین قرارداد باشد قرارداد موصوف، «الحاقی دوجانبه ذاتی مستقل» و در غیر این صورت، «الحاقی دوجانبه ذاتی وابسته» است. انعقاد پیمان‌های با وصف ابلاغ نوع اول «لازم‌الاجراء» سازمان برنامه و بودجه (همچون نشریه ۴۳۱۱) برای مشمولان نظام فنی و اجرایی کشور (نظیر شرکت‌های برق منطقه‌ای) با پیمانکاران، ذیل قرارداد «الحاقی دوجانبه ذاتی مستقل» و قراردادهایی نظیر پیمان BOT تضمین خرید آب/پساب تأسیسات نمک‌زدایی و تصفیه‌خانه‌های آب/

نزد عرف^{۱۳} (عام^{۱۴} و یا خاص^{۱۵})، در دسترس متعاملین قرار داشته باشد و انعقاد قرارداد مدنظر ایشان را تسهیل و تسریع کند، «سند همسان قراردادی» و مجازاً (به علاقه مشارفت)، «قرارداد همسان (مدون)»^{۱۶} نامیده می‌شود.

از منظر نظام فنی و اجرایی کشور، قرارداد همسان^{۱۷}، قراردادی است که موافقتنامه، شرایط عمومی، شرح خدمات و حق الزحمه مصوب داشته باشد. تعریف اخیر با تعریف عقد معین تبعی، سازگار است نه قرارداد همسان. در واقع قراردادی که عنوان، احکام و آثار آن در قوانین کشور احصاء شده، «عقد معین^{۱۸} ذاتی» و قراردادی که عنوان، احکام و آثار آن به تبع (در پی) اذن قانونگذار، در مقررات کشور آمده، «عقد معین تبعی» است. به عنوان مثال، عقد بیع در قانون مدنی، «عقد معین ذاتی» و قرارداد موضوع «نشریه ۴۳۱۱»^{۱۹} ذیل نظام فنی و اجرایی کشور و مأذون از ناحیه مقنن در «ماده ۲۳» قانون برنامه و بودجه^۲، «عقد معین تبعی» است. شایان ذکر است که عقد معین و قرارداد همسان با یکدیگر ملازمه ندارند؛ چنانکه ممکن است قراردادی همسان باشد، ولی عقد معین نباشد (مانند: قراردادهای همسان اتاق بازرگانی) و یا عقدی معین، دارای قرارداد همسان نباشد. (مانند: قرارداد BOOT در نظام فنی و اجرایی کشور)^۳

قرارداد همسان، دو دسته کلی «با وصف استاندارد (قرارداد استاندارد)» و «فاقد وصف استاندارد» را در بر می‌گیرد که، تعریف و تقسیم انواع قراردادهای پیش‌گفته در ادامه آمده است.

۱-۱. قرارداد همسان با وصف استاندارد

قرارداد همسان با وصف استاندارد یا «قرارداد استاندارد»^{۲۲}، قرارداد همسانی است که طرفین/یک طرف قرارداد، حق دخل و تصرف در مفاد و شروط از پیش تنظیم و تدوین شده آن را ندارند/ندارد. در واقع وصف استاندارد بر نوعی از الزام دلالت دارد. البته هر قرارداد با وصف استاندارد، لزوماً یک قرارداد همسان است، ولی هر قرارداد همسانی لزوماً یک قرارداد با وصف استاندارد نیست. قرارداد مذکور در حقوق موضوعه، به دو دسته کلی قرارداد با وصف استاندارد از نوع الحاقی (قرارداد استاندارد الحاقی) و قرارداد با وصف استاندارد از نوع در حکم الحاقی «یا ارشادی - الحاقی» (قرارداد استاندارد در حکم الحاقی)، تقسیم می‌شوند:

۱-۱-۱. قرارداد استاندارد الحاقی

قرارداد استاندارد الحاقی^{۲۳}، قرارداد همسانی است که طرفین/

درآمدی بر قراردادهای همسان و ناهمسان

قلمرو

قلمروی بحث، منصرف از معاطات^۱ و قراردادهای شفاهی و ناظر به قراردادهای معوض^۲ کتبی و عمدتاً مرتبط با قراردادهای حوزه «حقوق احداث و بازرگانی»^۳ ناظر به نظام‌های فنی و اجرایی کشور است.

مقدمه

از آنجایی که تعریف قراردادهای همسان و ناهمسان، همچنین نحوه تعامل آن‌ها با عقود الحاقی و معین در حقوق موضوعه، به ویژه نظام‌های فنی و اجرایی در کشور، کمتر مورد توجه قرار گرفته است، نگارنده بر آن شد تا ضمن ارائه درختواره مطابق نگاره شماره یک، به معرفی و تبیین این مجموعه از قراردادها و بررسی اجمالی نحوه تعامل آن‌ها با عقود الحاقی و معین بپردازد تا راه تحقیق و شناسایی وجوه اشتراک، افتراق و آثار مترتب بر این دسته از قراردادهای، هموار شود.

طرح بحث

اشخاص در مسیر انعقاد قرارداد، با یکی از دو «روش الف. تهیه و تنظیم مفاد و شروط قرارداد (با الگوی تدوین و یا بدون الگوی تدوین)» و یا «روش ب. بهره‌مندی از مفاد و شروط از پیش تنظیم شده»، روبرو هستند. همین امر، سرآغاز دسته‌بندی قراردادهای به همسان و ناهمسان است که نگارنده در ادامه، به تعریف و تبیین آن‌ها پرداخته است.

۱. قرارداد همسان

از نظر نگارنده، سند^۴ و یا داده‌پیمای^۵ که در آن، مفاد و شروط یک عقد^۶ از پیش و به صورت مکتوب، تنظیم و تدوین شده باشد و به عنوان یک نمونه^۷، الگو^۸، نوع (تیپ)^۹، ساختار^{۱۰} و یا قالب^{۱۱} آماده معتبر



حمید حسین زاده

عضو هیئت مدیره
سندیکای صنعت برق ایران



طرف دیگر است که، با استفاده از قراردادهای با وصف ابلاغ نوع سوم وی (به عنوان سازه حقوقی تدوین‌کننده قرارداد) صورت می‌پذیرد. به طور مثال قرارداد همسان خرید تجهیزات (P) برای خریدهای خارجی سازمان برنامه و بودجه^{۳۵} «در مقام کارفرما» با تأمین‌کننده کالا، در قالب قرارداد در حکم الحاقی یک‌جانبه منعقد می‌شود. در واقع، اگرچه ماهیت قرارداد مذکور، فی‌نفسه الحاقی نیست، لیکن به جهت بهره‌مندی سازمان برنامه و بودجه (با وصف توأمان تدوین‌کننده و استفاده‌کننده قرارداد همسان) از آن، برای تأمین نیاز داخلی خود، احکام و آثار قرارداد استاندارد الحاقی یک‌جانبه بر آن قرارداد مترتب می‌شود.

قرارداد استاندارد در حکم الحاقی دوجانبه ذاتی، قراردادی است که تنظیم‌کننده قرارداد همسان، سازه حقوقی حقوق عمومی است و قرارداد برای طرفین بدو ارشادی (نه الحاقی) محسوب می‌شود، لیکن در صورت سکوت (فقدان سند قراردادی مطلوب نزد دستگاه اجرایی مشمول نظام فنی و اجرایی متبوع)، الحاقی محسوب می‌شود. به طور مثال شرکت برق منطقه‌ای، بدو الزامی به بهره‌مندی از قرارداد همسان PC برای کارهای صنعتی^{۳۶} (که واجد وصف ابلاغ نوع سوم سازمان برنامه و بودجه است) ندارد و می‌تواند قرارداد همسان دیگری، تنظیم و پس از تایید سازمان، از آن بهره‌مند شود؛ لیکن اگر فرآیند پیش‌گفته طی نشد، آنگاه شرکت برق منطقه‌ای در مقام کارفرما و پیمانکار وی، ملزم به الحاق به قرارداد همسان PC برای کارهای صنعتی‌اند و قرارداد اخیر برای متعاملین، در حکم الحاقی دوجانبه ذاتی خواهد بود.

قرارداد استاندارد در حکم الحاقی دوجانبه تبعی، قرارداد همسانی است که تنظیم‌کننده قرارداد، سازه حقوقی حقوق عمومی است و قرارداد برای طرفین آن، بدو ارشادی (نه الحاقی) محسوب می‌گردد، لیکن به تبع (در پی) تغییر در محیط بودجه طرح، مشا‌الیهما ملزم به الحاق می‌گردند. به طور مثال، پیمان‌های ابلاغ نوع اول «لازم‌الاجراء» سازمان برنامه و بودجه (همچون نشریه ۴۳۱۱)، برای شرکت‌های خصوصی اداره‌کننده خدمات عمومی (نظیر شرکت‌های توزیع نیروی برق استان)، بدو ارشادی است و نه الحاقی؛ اما به مجرد آنکه طرح مورد اجرای شرکت‌های

فاضلاب شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور^{۳۷}، برای شرکت‌های تابعه و سرمایه‌گذاران و یا پیمان EPC معاونت مهندسی، پژوهش و فناوری وزارت نفت^{۳۸} برای شرکت‌های تابعه و پیمانکاران، ذیل قرارداد «الحاقی دوجانبه ذاتی وابسته»، صورت می‌گیرد.

قرارداد استاندارد الحاقی دوجانبه تبعی، قرارداد همسانی است که تنظیم‌کننده آن، سازه حقوقی حقوق خصوصی است و سند قراردادی مشابه با وصف استاندارد از نوع الحاقی ذاتی دارد، لیکن به تبع تغییر در محیط بودجه طرح، طرفین ملزم به اعراض از سند قراردادی الحاقی ذاتی و الحاق به سند قراردادی الحاقی تبعی (که بدو الحاقی نبود) می‌گردند. به عنوان مثال، بدو هیچ‌یک از دستگاه‌های اجرایی مشمول نظام فنی و اجرایی کشور، در پیمانکاری اجراء (در کارهای غیر صنعتی)، حق بهره‌مندی از قرارداد موضوع کتاب صورتی (و یا قرمز) فیدیک^{۳۹} را ندارند^{۴۰}، لیکن به تبع (در پی) ورود دستگاه اجرایی به یک طرح با تأمین بودجه از بانک‌های توسعه‌ای (نظیر بانک جهانی و یا بانک توسعه اسلامی)، مشا‌الیه ملزم به تبعیت از سیاست‌های تأمین‌کننده مالی از جمله، الحاق به قرارداد صورتی فیدیک در انعقاد قراردادهای خویش با پیمانکاران آن طرح‌ها است.

۱-۲. قرارداد استاندارد در حکم الحاقی

قرارداد استاندارد در حکم الحاقی^{۴۱}، قرارداد همسانی است که طرفین/طرفی از قرارداد، بدو الزامی به الحاق ندارند/ندارد و لیکن در صورت سکوت (فقدان سند قراردادی مطلوب)، بایستی به آن ملحق شوند. از این رو، می‌توان این نوع قرارداد را، استاندارد ارشادی - الحاقی نامید. قرارداد مذکور نیز، از حیث تنظیم «فردی/درون‌سازمانی» و «ثالث/برون‌سازمانی»، به «در حکم الحاقی یک‌جانبه» و «در حکم الحاقی دوجانبه» تقسیم می‌گردد. الزام به الحاق در قرارداد در حکم الحاقی یک‌جانبه، ذاتی است؛ لیکن الزام به الحاق در قرارداد در حکم الحاقی دوجانبه، می‌تواند ذاتی (مستقل و وابسته) و یا تبعی باشد.

قرارداد استاندارد در حکم الحاقی یک‌جانبه، ناظر به انعقاد پیمان سازمان برنامه و بودجه (به عنوان دستگاه اجرایی) با


قرارداد همسان ارشادی یک جانبه، از سوی یکی از طرفین قرارداد (معمولاً فروشنده کالا و خدمات و یا اداره‌کننده قرارداد) تنظیم و برای مذاکره و یا دریافت پیشنهاد متقابل، به طرف دیگر ارائه می‌شود.

اخیر، از محلّ تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (طرح عمرانی) تأمین بودجه شوند، قرارداد موصوف که بدو برای طرفین آن ارشادی بود، با تغییر وصف، الحاقی می‌شود.

۱-۲. قرارداد همسان فاقد وصف استاندارد

قرارداد همسان فاقد وصف استاندارد، قرارداد همسانی است که طرفین/یک طرف قرارداد، حق دخل و تصرف در مفاد و شروط از پیش تنظیم و تدوین‌شده آن را دارند/دارد. در واقع قرارداد مذکور که دو دسته کلی ارشادی و در حکم ارشادی را در بر می‌گیرد، فاقد وصف الزام‌آور است.

۱-۱-۱. قرارداد همسان فاقد وصف استاندارد: ارشادی

این قرارداد توسط طرفی از قرارداد و یا ثالث (سازه حقوقی حقوق عمومی و یا خصوصی)، تنظیم و تدوین شده است و جنبه راهنمایی و ارشادی صرف دارد به‌نحوی که هیچ الزامی برای طرفین در الحاق به آن وجود ندارد. در واقع طرفین، صرفاً به حکم اراده خویش و نه

به سبب قراردادی، قانونی و یا قرارگرفتن در موقعیت خاص (نظیر آنچه در قراردادهای همسان استاندارد الحاقی و در حکم الحاقی بیان شد)، به قرارداد موصوف می‌پیوندند. قرارداد مذکور نیز، از حیث تنظیم «فردی/درون‌سازمانی» و «ثالث/برون‌سازمانی»، به «ارشادی یک‌جانبه» و «ارشادی دوجانبه» تقسیم می‌شود.

قرارداد همسان ارشادی یک جانبه، از سوی یکی از طرفین قرارداد (معمولاً فروشنده کالا و خدمات و یا اداره‌کننده قرارداد) تنظیم و برای مذاکره و یا دریافت پیشنهاد متقابل، به طرف دیگر ارائه می‌شود. طرف دیگر می‌تواند مفاد آن را تغییر داده و در نهایت با تراضی و توافق اراده‌ها، قرارداد منعقد شود. به طور مثال قراردادهای همسان موسسات حقوقی که قابلیت مذاکره و تغییر در مفاد و شروط آن‌ها توسط متقاضی دریافت خدمات حقوقی را فراهم می‌نماید و النهایه قرارداد بر اساس آخرین تغییرات و ویرایش مورد تراضی و توافق قرار گرفته و در قالب قرارداد ارشادی یک جانبه، منعقد می‌شود. قراردادهای سرمایه‌گذاری میان سرمایه‌پذیر و شرکت‌پروژه نیز، از همین نوع است.

قرارداد همسان ارشادی دوجانبه، توسط سازه حقوقی حقوق خصوصی، تنظیم و تدوین شده و به عنوان راهنما، در اختیار اشخاص قرار دارد و متعاملین با آزادی و اختیار کامل و در صورت تمایل ضمن قابلیت ویرایش و اعمال تغییرات می‌توانند از آن برای انعقاد قرارداد خویش بهره‌مند شوند. مبایعه‌نامه اتحادیه املاک در داخل کشور و قراردادهای تنظیمی اتاق بازرگانی بین‌المللی از جمله قراردادهای توزیع و فروش و اعتبار اسنادی و قس علی هذا، قراردادهای ارشادی دوجانبه محسوب می‌شوند.

۱-۱-۲. قرارداد همسان فاقد وصف استاندارد: در حکم ارشادی

قرارداد در حکم ارشادی یا الحاقی - ارشادی، قراردادی همسان است که به جهت وصف غالب خویش، بدواً چهره الحاقی دارد (هر چند برای طرفین قرارداد مدنظر، واجد وصف الحاقی نباشد)، لیکن به تبع (در پی) تغییر محیط بودجه، وصف الحاقی آن زائل و وصف ارشادی آن تجلی می‌یابد. به طور مثال، پیمان همسان موضوع نشریه ۴۳۱۱ سازمان برنامه و بودجه که، غالباً بهره‌مندی از آن با وصف استاندارد از نوع الحاقی همراه بوده است، برای شرکت خصوصی اداره‌کننده خدمات عمومی وقتی از بودجه داخلی استفاده می‌کند، با وصف ارشادی خود نزد متعاملین، ظهور و بروز

خواهد داشت.

۲. قرارداد ناهمسان

از نظر نگارنده، هرگاه متعاملین، برای انعقاد قرارداد مدنظرشان، «سند همسان قراردادی» در اختیار نداشته باشند، سند تنظیم‌شده از سوی مشاوران، «سند ناهمسان قراردادی» و مجازاً (به علاقه مشارفت)، «قرارداد ناهمسان (مدون)» نامیده می‌شود. قرارداد ناهمسان، تحت یک الگو (استاندارد و یا فاقد وصف مذکور) و یا بدون وجود الگو، توسط یک طرف قرارداد و یا متعاملین، تنظیم می‌شود. آنچه اهمیت دارد آن است که قرارداد ناهمسان تولیدشده، بایستی در نظم حقوقی، واجد اثر باشد.

از منظر سازمان برنامه و بودجه، قرارداد ناهمسان^{۳۷}، قراردادی است که موافقتنامه، شرایط عمومی، شرح خدمات و حق الزحمه مصوب نشده باشد و یا هر یک از مدارک مصوب یاد شده در آنها قابل استفاده نباشد. تعریف اخیر با تعریف عقد غیر معین^{۳۸} (نامعین)، سازگار است نه لزوماً قرارداد ناهمسان. در واقع قراردادی که عنوان، احکام و آثار آن در قوانین کشور احصاء نشده، عقد غیرمعین است. از طرفی، عقد غیرمعین و قرارداد ناهمسان با یکدیگر ملازمه ندارند؛ چنانکه ممکن است یک قرارداد ناهمسان باشد، ولی عقد غیرمعین نباشد (مانند: قرارداد BOOS در نظام



نگاره شماره یک - قراردادهای همسان و ناهمسان

۲-۱-۲. قرارداد ناهمسان با وصف استاندارد و الگوی در حکم الحاقی

قرارداد ناهمسان با وصف استاندارد و الگوی در حکم الحاقی (قرارداد ناهمسان در حکم الحاقی)، به قراردادی اطلاق می‌گردد که روش تنظیم آن، در یک الگوی بدواً ارشادی ارائه شده است و طرفین، ابتدا به ساکن الزامی به الحاق ندارند، لیکن در صورت سکوت اسناد (فقدان الگو) جهت تنظیم مفاد و شروط قرارداد ناهمسان، بایستی به آن الگو ملحق شوند. نظیر قرارداد^{۴۳} فاقد الگوی استاندارد تنظیم قراردادهای خانواده مشارکت عمومی خصوصی (PPPs) دستگاه اجرایی با شرکت پروژه که، تحت حاکمیت نظام فنی و اجرایی کشور و ذیل چهارچوب موافقت‌نامه مشارکت عمومی^{۴۴}، منعقد می‌شود.

۲-۲. قرارداد ناهمسان فاقد وصف استاندارد

قرارداد ناهمسان فاقد وصف استاندارد، قراردادی است ناهمسان که الگویی با وصف استاندارد ندارد. این قرارداد به دو دسته فاقد وصف استاندارد با الگوی ارشادی و فاقد الگوی ارشادی تقسیم می‌شود.

قرارداد ناهمسان فاقد وصف استاندارد با الگوی ارشادی (قرارداد ناهمسان ارشادی)، قرارداد ناهمسانی است که در تنظیم مفاد و شروط آن الزامی در الحاق به الگوی خاص وجود ندارد، لیکن الگوی ارشادی جهت تنظیم قرارداد وجود دارد که طرفین بتوانند در صورت تمایل از آن بهره‌مند شوند؛ نظیر، «قرارداد مناقصه» با الگوی قانون برگزاری مناقصات، برای غیر مشمولان قانون پیش‌گفته.

قرارداد ناهمسان فاقد وصف استاندارد فاقد الگوی ارشادی، قرارداد ناهمسانی است که، برای تهیه آن غیر از قواعد عمومی قراردادهای، الگویی وجود ندارد. قرارداد مذکور قطعاً یک قرارداد غیر معین (نامعین) موضوع «ماده ۱۰» قانون مدنی^{۴۵} است. مانند قرارداد مشارکت پیمانکاران در پروژه‌ها که، فاقد وصف استاندارد و نیز، فاقد الگوی ارشادی است.

* منابع و زیرنویس‌های این مقاله در دفتر نشریه قابل دسترس است.

فنی و اجرایی کشور) و یا عقدی غیرمعین، دارای قرارداد ناهمسان نباشد. (مانند: قراردادهای همسان اتاق بازرگانی)

۲-۱-۲. قرارداد ناهمسان با وصف استاندارد

در قرارداد ناهمسان با وصف استاندارد، متعاملین به مفاد و شروط یک قرارداد با وصف استاندارد نمی‌پیوندند، بلکه مشارالیهما، بایستی به یک الگوی با وصف استاندارد برای تنظیم قرارداد، ملحق شوند تا از طریق آن، مفاد و شروط قرارداد فی‌مابین خویش را تنظیم و تدوین کنند.

۲-۱-۱. قرارداد ناهمسان با وصف استاندارد و الگوی الحاقی

قرارداد ناهمسان با وصف استاندارد و الگوی الحاقی (قرارداد ناهمسان الحاقی)، به قراردادی اطلاق می‌گردد که روش تنظیم آن، در یک الگوی الحاقی ارائه شده است و طرفین، با الحاق به آن الگو، مفاد و شروط قرارداد را تنظیم و تدوین می‌کنند. قرارداد مذکور، فاقد مورد الحاقی یک‌جانبه است؛ چه اینکه طرف قوی و یا اداره‌کننده قرارداد، به جای ارائه الگوی الحاقی برای تنظیم و تدوین قرارداد ناهمسان، به تدوین یک قرارداد همسان الحاقی مبادرت می‌ورزد. این قرارداد، از حیث مرجع الگو، به دو صورت ذاتی و تبعی دسته‌بندی می‌شود.

قراردادهای ناهمسان با وصف استاندارد و الگوی الحاقی ذاتی (قرارداد ناهمسان الحاقی ذاتی)، قراردادی است که با الحاق طرفین به الگوهای مندرج در قوانین تنظیم می‌شوند؛ نظیر «قرارداد مناقصه»^{۴۹} برای مشمولان قانون برگزاری مناقصات^{۴۰} که ذیل قانون مارالبیان و قرارداد پیش‌فروش ساختمان که ذیل قانون پیش‌فروش ساختمان^{۴۱} تنظیم می‌شود.

قراردادهای ناهمسان با وصف استاندارد و الگوی الحاقی تبعی (قرارداد ناهمسان الحاقی تبعی)، قراردادی است که، با الحاق طرفین به الگوهای مندرج در مقررات و به تبع (در پی) اذن مقنن تنظیم می‌شوند؛ نظیر قراردادهای مشاوره که ذیل دستورالعمل نحوه تهیه قراردادهای ناهمسان (غیر تیپ) مهندسان مشاور^{۴۲} با وصف لازم‌الاجراء منعقد می‌گردید.

از منظر سازمان برنامه و بودجه، قرارداد ناهمسان، قراردادی است که موافقتنامه، شرایط عمومی، شرح خدمات و حق الزحمه مصوب نشده باشد و یا هر یک از مدارک مصوب یاد شده در آنها قابل استفاده نباشد.



فرم عضویت

نام شرکت:		رشته فعالیت:		شماره تماس:	
Company Name		Field of Activity			
مدیرعامل:		مدیر:		مدیر فنی:	
Managing Director:					
تاریخ ثبت:		تاریخ ثبت:		تاریخ ثبت:	
نام و نام خانوادگی مدیر عامل:		نام و نام خانوادگی رابط:		نام و نام خانوادگی مدیر فنی:	
Email:		Email:		Email:	
تلفن:		تلفن:		تلفن:	
آدرس کارخانه یا کارگاه:		آدرس دفتر مرکزی:		آدرس کارخانه یا کارگاه:	
WebSite:		Email:			
شماره شناسنامه صنعتی:		شماره شناسنامه صنعتی:		شماره شناسنامه صنعتی:	
شماره عضویت در اتاق بازرگانی:		شماره کارت بازرگانی:		شماره شناسنامه صنعتی:	
سرمایه اولیه:		سرمایه فعلی:		سرمایه اولیه:	
تعداد سهام:		ارزش ریالی هر سهام:		تعداد سهام:	
مجموع مالی پروژه های انجام شده:		مجموع سرمایه گذاری تخصصی دانش داده به R&D:			
آدرس ایمیل (اختیاری):					
دکتر:	فوق لیسانس:	لیسانس:	فوق لیسانس:	دانش:	زیر لیسانس:
مدیر فنی:		رئیس هیأت مدیره:		اعضای هیأت مدیره:	
نام و نام خانوادگی:					
رتبه تحصیلی:					
تخصص:					
محل تحصیل:					
آدرس:					
Email:					
عضویت در اتاق های حرفه ای صنعت:		عضو اتاق ۱:		عضو اتاق ۲:	
مستندات و مدارک پیوسته ۱:					
فرم درخواست کپی برای عضویت:		کپی روزنامه رسمی آخرین تغییرات:		کپی اساسنامه (مطابق شامل موضوع فعالیت شرکت):	
کپی اجازه رسمی فعالیت از مراجع ذیصلاح کشور (بروزنامه بهره برداری برای تولیدکنندگان و تشخیص صلاحیت و رتبه بندی معاونت راهبردی ریاست جمهوری برای شرکت های پیمانکاری):					
کپی کارت بازرگانی و یا کارت عضویت در اتاق بازرگانی و صنایع و معادن:		روزنامه شرکت:		تعهدنامه عضویت:	
مهر و امضا شرکت:		تاریخ تکمیل فرم:			
این فرم توسط سندیکاای صنعت برق ایران تکمیل می گردد.					
اطلاعات فوق و مدارک مرتبط در تاریخ: _____ توسط کمیته عضویت سندیکا بررسی و مورد تأیید _____ می باشد.					
تأیید کمیته عضویت: _____					
امضا مدیر سندیکا: _____					
تاریخ: _____					

لطفاً فرم تکمیل شده را به همراه مستندات مرتبط به آدرس ایمیل: ntf@ntf.ir و یا شماره فکس: ۰۰۹۹۹۹۹۹۹۹ ارسال فرمایید.

خیر مقدم به اعضای جدید

آتیه سازان انرژی آریا	آریان نیروی رای	اشتاد انرژی فناور	آلفا صنعت پارس	برق میهن اهواز
پرنیان سازه اسپادانا	تابان مهر نیروزنگان	تامین انرژی پایدار آراغات	تسلایده اطلس تجارت	توان آوران کوشش/ تاکو
توسعه نیروی آرمان شریف	رایان تابلو صنعت ایرانیان	زاگرس تجارت علائی	ساختمان هوشمند گستر سازان سهند	صنایع دیزلی نیل نیرو
صنعتی ماه نیرو	گسترش و پخش آب و برق پاسارگاد کیش	ملزومات برق دیاموند پارس		



نیرو ترانسفو

NIROO TRANSFO

تولید کننده انواع ترانسفورماتورهای

توزیع کم تلفات، نیروگاه خورشیدی، ویژه تا قدرت 10MVA، کوره، زمین رکتیفایر، اتو ترانسفورماتور و سیستم های پایش فنی و هشدار سرقت

گارانتی

تعویض بدون
قید و شرط به
مدت دو سال

ایمپلیمنت

افتخارآمیز در
صنعت
ترانسفورماتور

پیمانه سرقت

ترانسفورماتور
به مدت
یکسال



**DIGI
TRANSFO**
دیجی ترانسفو

اولین فروشگاه اینترنتی ترانسفورماتور
تجهیزات و قطعات جانبی

WWW.NIROOTRANSFO.COM

WWW.DIGITRANSFO.COM

دفتر مرکزی:
تهران، سعادت آباد، خیابان سرو شرقی
پلاک ۳۵ واحد ۷
تلفن: ۰۲۱۲۶۳۷۷۷۵۰-۴
فکس: ۰۲۱۴۴۹۸۶۴۱۶

info@nirootransfo.com

[@nirootransfo](https://www.instagram.com/nirootransfo)

[@nirootransfo](https://www.facebook.com/nirootransfo)

[@nirootransfo](https://www.linkedin.com/company/nirootransfo) in



جهت دریافت کاتالوگ الکترونیکی
اسکن کنید

14۵۵



فرخنده بهار بهار

سندیکای صنعت برق ایران

Iran Electrical Industry Syndicate





اولین زنجیره تامین و مدیریت انرژی در کشور



WWW.BARGHAPP.COM



۰۲۱ - ۹۱۰۰ ۱۷ ۵۰



BARGH.APP